

مردم، توطئه امریکائی جبهه به اصطلاح ملی را در هم شکستند

در صفحه ۲۷



دعوت از "جبهه ملی" بود، اما توده‌های مخالف "جبهه ملی" در محل برگزاری تظاهرات حضور یافتند و از طرفداران به اصطلاح "جبهه ملی" هیچ خبری نبود.

**روند استقرار قانون اساسی
و آینده مدافعان رئیس جمهور**

اکنون سیر تحولات دو هفته اخیر به آنجا رسیده است که با قاطعیت تمام می‌توان گفت که حداقل در دور اول، جناح بنی‌صدر به سود نیروهای خط امام درهم شکسته شده است. تصمیم امام خمینی و مجلس شورای اسلامی درباره بنی‌صدر هرچه باشد، عملاً دیگر هیچگونه مشروعیت و اعتباری برای بنی‌صدر به عنوان رئیس جمهور باقی نمانده است.

تمامی اقداماتی که از جانب نیروهای خط امام صورت می‌گیرد، در اساس و محتوا چیزی جز تثبیت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی با حفظ رهبری خط امام نیست. این محتوا در نیروهای خط امام با شعار کوتاه اما گویای "اسمال، سال قانون است" متوجه اجرا و استقرار قانون اساسی است. قانون اساسی که علیرغم تناقضات و کاستی‌های آن در مجموع دارای سمتی ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیستی و سمتگیری علیه طبقات بالای جامعه به سود محرومان و زحمتکشان است. به‌گونه‌ای که اجرا و استقرار آن با نظامات مطلوب بورژوازی ایران و ناآنجا که به آقای بنی‌صدر مربوط می‌شود با شعارها و آرمان‌های لایه‌هایی از این بورژوازی که تمایلات استقلال طلبانه نیز از خود نشان می‌دهد، چندان هم سازگار نمی‌باشد. چه، متضمن محدودیت‌هایی برای آن است.

بورژوازی ایران علیرغم برخورداری از حمایت بی‌دریغ سازمان مجاهدین خلق ایران از یکسو و حمایت سیاسی همه نیروهای ضدانقلاب و امپریالیسم جهانی از سوی دیگر، آشکارا فاقد چنان حدی از سازمان‌یافتگی، چنان انسجامی در رهبری، چنان حدی از ...
بقیه در صفحه ۲

**مردم خواهان رعایت قانون اساسی و
تحقق آزادی‌های فردی و اجتماعی هستند**
در صفحه ۱۸

بر اساس رای صادره برای امیرانتظام دادگاه انقلاب، دولت موقت را به حبس ابد محکوم کرد

در صفحه ۲۲

بمباران پژوهشگاه اتمی عراق
تلاش رژیم
صهیونیست اسرائیل
برای کسب انحصار
و قدرت اتمی
در خاورمیانه
در صفحه ۲۵

با پایداری به انقلاب مردم
نیروهای مسلح جمهوری
متحد و یکپارچه تجاوز دشمن
را درهم می‌شکنند
در صفحه ۱۶

در این شماره

جیش کارگری ایران

کارگران زهتاب: کارفرما به ما میکوبند
اگر به سندی کار بویید اخراجتان می‌کنیم

تشکل صنفی (مطابق ماده ۲۶ قانون اساسی)
از حقوق مسلم کارگران است

جیش دهقانی ایران

زمین دار بزرگ منطقه زاغمرز
مغلوب اتحاد زحمتکشان
روستاشد

جمهوری دمکراتیک خلق یمن
در راه موفقیت‌های روزافزون

انقلابات
جهانی

بقیه از صفحه ۱

روند استقرار قانون اساسی

و آینده مدافعان رئیس جمهور

... پایگاه توده‌ای بوده است که بتواند تمام مواضعی را که در بلوک قدرت در دست داشت، همچنان حفظ نماید. مقام ریاست جمهوری که طی ماه‌های اخیر به سنگری برای تشکل و سازمان‌یابی تمام نیروهای مخالف انقلاب و ضد جمهوری اسلامی ایران بدل گردیده بود، اکنون دیگر خاصیت خود را از دست داده است؛ از این نظر بطور قطع می‌باید گفت که پیکار لاقط در این دور، به سود نیروهای مدافع قانون اساسی و جمهوری اسلامی فرجام می‌یابد.

علیرغم کوشش‌های امام خمینی در جهت حفظ حدود اختیارات ریاست جمهوری در چارچوب قانون اساسی، به دلیل عملکرد خودخواهانه و جاه‌طلبانه و طغیان‌گرانه آقای بنی‌صدر چنانکه می‌بینیم به اختلافات موجود نه از طریق تفاهم که از طریق خلع بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و به زیر علامت سؤال رفتن صلاحیت وی در مقام ریاست جمهوری پایان داده می‌شود.

آیا در شرایط کنونی گسترش این روند بر مصالح انقلاب انطباق دارد؟ آیا حد تعمیق انقلاب و به زبان دیگر حد توان آن تا آنجاست که به مقابله آشکار با بلوک نیروهای متحد سرمایه برخیزد؟ در پاسخ به این سؤال باید به دو نکته تأکید داشت:

اول آنکه: مجموعه نیروهای براندازی که زیر چتر حمایت رئیس جمهوری گرد آمده بودند، با طرح شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و نفی قانونیت و مشروعیت آن و تنگین رئیس جمهور به این شعارها عملاً مشروعیت و قانونیت رئیس جمهور را به زیر علامت سؤال کشیدند و از این طریق حفظ لایه‌های پائینی بورژوازی که هنوز تمایلات استقلال‌طلبانه از خود نشان می‌دهد، دیگر بالاجبار ممکن نیست که از طریق حفظ رئیس‌جمهوری سامان پذیرد. آینده نشان خواهد داد که جریان‌های بورژوازی که تمایلات ملی و استقلال طلبانه خود را رها نکنند، مشروعیت و قانونیت سیستم را نفی نکنند، همچنان مشروعیت و قانونیت خود را حفظ خواهند کرد. این ادعا که گویا با حذف بنی‌صدر طرد و افشای تمامی گرایش‌های بورژوازی ضروری خواهد شد با سطح تکامل انقلاب و تناسب قوای موجود منطبق نیست. هم روندهای عینی موجود و هم ارزیابی واقع‌بینانه از مصالح انقلاب نشان می‌دهد که حتی پس از سقوط بنی‌صدر نیز سیاست درست همانا جدا کردن لایه‌های پائینی بورژوازی از بورژوازی لیبرال و جریان‌های سلطنت طلب به‌منظور ممانعت از تقابل آشکار آنان با جمهوری اسلامی است. آنچه به‌زیر کشیدن بنی‌صدر را ضروری ساخت، آن بود که مقاومت وی در برابر استقرار قانون اساسی وی را عملاً و به‌گونه‌ای روزافزون در بلوک نیروهای براندازی جمهوری اسلامی قرار داد.

دیده می‌شود که دست کم هنوز بخشی از محافل بورژوازی که مواضع استقلال‌طلبانه خود را حفظ کرده‌اند، علیرغم اینکه روند استقرار کامل قانون اساسی را مطلوب منافع خویش نمی‌بینند، لکن مقابله با این روند را نیز در شرایط فعلی به‌حال خویش زیانبارتر می‌بینند و از آن مقابله فعلاً چشم می‌پوشند. از این نظر دقیق‌تر آن است که پی‌آمد اساسی تحولات دو هفته اخیر تحدید مواضع بورژوازی در حکومت، ایجاد وقفه و اختلال در به‌هم‌فشرده‌گی صفوف نیروهای بورژوازی و تغییر تناسب قوا به سود جریان‌های خط‌امام قلمداد شود.

جریان‌های چپ‌رو هم‌صدا با جریان‌های ورشکسته لیبرالی اینطور تبلیغ می‌کنند که گویا این تحدید و تضعیف‌ها و بطور کلی گسترش تسلط جریان‌های خط امام در بافت حکومتی قطعا یک‌هتازی محافل قشری و انحصارطلب و سرکوب سازمان‌ها و احزاب سیاسی ترقیخواه و انقلابی و خفقان سیاسی را به‌دنبال خواهد داشت. قبل از همه باید گفت این شیوه‌نگرش به مسایل بیش از هر چیز نشانگر شکست تاکتیک‌ها و تحلیل‌های سیاسی صاحبان آنهاست. زیرا آنها نمی‌خواهند بپذیرند که اساس سیاست و روابط طبقات اجتماعی در برخورد با یکدیگر از ماهیت آنان

سرچشمه می‌گیرد و موقعیت‌های تاکتیکی در این مورد تعیین کننده نیست. چپ‌روها از آنجا که ماهیت نیروهای خط امام را واگونه می‌بینند، میل دارند اینطور تصور کنند که گویا اگر این جمهوری از یک سو گرفتار کشمکش با بورژوازی باشد و از سوی دیگر با فشارهای قشون صدام و امپریالیسم درگیر باشد کمتر فرصت می‌یابد به آنها بپردازد. غافل از آنکه این موضع هم آنها را در کنار صدام، امپریالیسم و بورژوازی و ضدانقلاب قرار می‌دهد و هم بنا به منطبق انقلاب، سرکوب آنان را مشروعیت می‌بخشد.

قابل‌پیش‌بینی است که در این میان باند‌های و محافل قشری و تنگ نظر و حتی مشکوک که در نهادهای جمهوری اسلامی نیز نفوذ بارزی دارند، بکوشند از اوضاع پدید آمده به‌سود اهداف خود بهره‌برداری کنند. لکن تمام شواهد حاکی از آن است که سیاست عمومی جمهوری اسلامی همانا استقرار قانون اساسی است و تحولات اخیر هم اساساً ناشی از تداوم مبارزه در راه پیشبرد همین سیاست بوده است. لذا هرگونه تحلیلی حاکی از اینکه گویا "حذف فرمانده کل قوا مقدمه سرکوب تمام نیروهای غیر حزبی است"، نفهمیدن بنیان مسایلی است که رخ داده است. این قابل درک است که بطور موقت یعنی تا زمانی که تلاطم سیاسی موجود آرام نگردد، فعالیت سازمان‌ها و احزاب سیاسی با موانعی روبرو باشد، لکن مسیر قانونمند تحولات، تشدید فشار روی نیروهای مدافع انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی را اقتضا نمی‌کند. تلاطمات اخیر آنچنان که چپ‌روها، لیبرال‌ها و آقای رئیس‌جمهور تصور می‌کنند، نمی‌تواند تداوم و گسترش یابد.

با اینهمه نباید پنداشت که ابهامات و تناقضات و واقع‌گریزی‌های سیستم حاکم نیز درست پاپا و شانه به شانه تحدید مواضع بورژوازی در حکومت و پیشرفت روند استقرار جمهوری اسلامی درهم شکسته شود و مرتفع گردد. تجارب دوساله گذشته به‌ویژه سهم عظیم روحانیت مبارز در این سیستم به ما می‌آموزد که سیاست‌های متناقض جمهوری اسلامی به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی با سختی‌ها و کندی‌ها و رکودهای نسبی مواجه خواهد بود.

هنوز گرایش‌های انحصارطلبانه قشری و متناقض در نیروهای خط امام بطور جدی عملکرد دارند. از جمله اینکه کوشش می‌شود در جریان مبارزات اخیر کل نهضت ملی ایران در دوران دکتر مصدق و مبارزه مردم علیه امپریالیسم انگلیس مخدوش گردد و حقانیت مصدق مورد تردید قرار گیرد و در عوض کسانی دارای وجهه ملی و مردمی معرفی شوند که به گواه تاریخ فاقد چنین امتیازی بوده‌اند، اینکه بجای تأکید روی سازشکاری جریان‌های لیبرالی با امپریالیسم و افشای ماهیت سرمایه‌دارانه آنان مواضع آنان در قبال سایر مسائل که عمدتاً برای پنهان کردن ماهیت خود بدانها توسل می‌جویند، مورد تأکید قرار می‌گیرد. اولاً نشانه‌های بارزی است از عملکرد متناقض جمهوری اسلامی، ثانیاً عواملی است که موجب می‌شود نیروهای توده‌ای خط امام در شناخت ماهیت دوستان و دشمنان خود دچار ابهام و یا تناقض گردند. ثالثاً راه را می‌گشاید تا جریان‌های لیبرالی و ضدانقلاب ماهیت نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران را در انظار توده‌های وسیع خلق آنگونه توضیح دهند که منافعشان اقتضا می‌کند. این همه همراه با برخی متدها و شیوه‌های مورد عمل این نیروها جملگی نشان می‌دهد که چگونه هنوز عملکرد دیدگاه‌های انحصارگرانه قشری و متناقض موجب می‌شود که جلب وسیع‌ترین توده‌های خلق به حمایت از مبارزه علیه لیبرال‌ها و دیگر جریان‌های سرمایه‌داری آنگونه که واقعا در ظرفیت انقلاب است، با دشواری مواجه شود.

آیا تحولات اخیر می‌تواند زمینه‌های جنگ داخلی و یا کودتای نظامی را فراهم آورد؟ روزنامه‌های امپریالیستی انگلیسی و امریکائی، رادیوها و بلندگوهای ضدانقلاب و وابسته به امپریالیسم به دنبال وقایع اخیر کوشیده‌اند ایران را در آستانه یک جنگ داخلی تصویر کنند. سمت اصلی این تبلیغات حمایت پیگیر از آقای رئیس‌جمهور در برابر آیت‌الله خمینی بوده است، علاوه بر این مروری بر تحریکات امپریالیستی که در مرز ترکیه و مرز پاکستان صورت می‌پذیرد، ارتباطاتی که میان خوانین سراسر کوه‌های زاگرس از کرمانشاه و کردستان تا فارس و بندرعباس

شکل گرفته است و تسلیحاتی که متداوماً به این مناطق می‌رسد، حاکی از آن است که با شکست نقشه امریکائی تجاوز صدام و معوق ماندن تاکتیک روی کار آوردن دولت میانه رو، امپریالیست‌ها را بیش از همه به برافروختن آتش جنگ داخلی ترغیب نموده است.

از آنجا که به دلیل شناخت روشنی که از شخصیت و روش‌های بنی‌صدر در دست است، اینکه وی در برابر امام از شعار "من ایستاده‌ام" دست بردارد، از احتمال کمی برخوردار است و همین ایستادگی وی، امپریالیسم جهانی و همه نیروهای ضدانقلاب و به‌ویژه محافل نیرومند وابسته به تجار بزرگ بازار را علاقمند خواهد کرد که از او حمایت بیشتری به عمل آورند. لکن لاقط در این دور مبارزه دیگر امکان این فراهم نیست که این حمایت‌ها بتواند تاکتیک روی کار آوردن دولت میانه‌رو را به پیروزی برساند. از جمله اهرم‌هایی که در آینده نزدیک در خدمت امپریالیسم قرار می‌گیرد، عبارتست از تشدید فشار و ایجاد مشکلات اقتصادی. محافل سرمایه‌داری ایران نیز انتظار می‌رود بیش از پیش تمام توان اقتصادی خود را برای گسترش بحران در اقتصاد به‌کار گیرند. آنها هم‌اکنون می‌کوشند تا بیرون کشیدن سپرده‌های بانکی خود از سیستم بانکی کشور و تبدیل آن به طلا و سایر کالاهای نا آنجا که می‌توانند این سیستم را تضعیف و بحران گرانی و کمبود را دامن زنند و بدین وسیله فشار اقتصادی امپریالیسم را به‌اصطلاح اثربخش‌سازند. تاکتیک دیگر اخیر امپریالیسم ایجاد جو تشنج و درگیری در سطح شهرهاست. ضدانقلاب بر این تصور است که کنترل نیروهای دولتی را حتی برای مدتی محدود در برخی شهرها برهم زند، درگیری‌ها را در این یا آن شهر حتی برای چند روز ادامه دهد و ضمن تقویت روحیه نیروهای پراکنده ضدجمهوری اسلامی، شهرهای متشنج را به نقطه عزیمتی برای تعرضات بعدی تبدیل کند. بیهوده نیست که هر سرمایه‌دار و هر عنصر ضدانقلاب در این روزها به بلندگوئی برای ساختن شایعات در مورد تعداد کشته‌ها و حد مقاومت "مردم" در برابر حکومت تبدیل شده است.

در همین جا ضروری است به تاکتیک بسیار مخرب سازمان‌مجاهدین خلق ایران اشاره شود که چگونه با سازمان‌دادن این درگیری‌ها در روزهای اخیر بیش از همه مورد تشویق محافل بازرگانان عمده بازار و همه اقشار زخم‌خورده از انقلاب قرار گرفته و می‌رود که پس از شکست‌های دیگر به نقطه امید قطعی آنان بدل شود. واقعا قابل تأسف است که سازمانی با آن همه سوابق درخشان مبارزاتی امروز به ائتلافی تا پای جان با بلوک بورژوازی کشیده شود و چشم امید همه امپریالیست‌ها را متوجه خود گرداند.

تاکتیک دیگر ضدانقلاب مسلماً ایجاد گروه‌بندی‌های پنهانی در ارتش تحت پوشش طرفداران رئیس‌جمهور است. این حقیقتی است که گروه‌بندی‌های فعلی درون ارتش توان و آمادگی آن را ندارند که در تناسب قوای کنونی علیه سیستم حاکم به اقدام قهرآمیز متوسل شوند لکن بطور قطع با توجه به سوابق و زمینه‌های مساعدی که فراهم آمده است این‌بار تمام شبکه‌های کودتائی و توطئه‌گرانه‌ای که در ارتش زمینه شکل‌گیری یافته، تحت پوشش دفاع از بنی‌صدر شکل خواهد گرفت. دیگر بعید است امپریالیسم برای سازمان‌دادن نیروهای خود در ارتش و تدارک تعرضات بعدی از نام‌هایی چون بختیار و "ولیعهد" بهره‌گیری کند. این نکته که حتی برخی از سازمان‌هایی که در ساخت حکومتی نیز شرکت دارند، در گذشته نسبت به برخی فرماندهان ارتش ابراز عدم اعتماد کرده‌اند و این نکته که امام نیز در سخنان خود روی عدم مداخله ارتشیان در امور سیاسی تأکید کرد، مراقبت‌های هرچه جدی‌تر را پیرامون روند شکل‌گیری گروه‌بندی‌هایی تحت پوشش دفاع از رئیس‌جمهور را ضروری می‌سازد. با این همه تمام کانون‌های تشکیلی که در برابر جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است، اعم از نیروهای ضدانقلابی مستقر در خارج، تحریکات امپریالیستی از طریق کشورهای مرتجع منطقه، دستجات فتوادی و عشایری پراکنده در سراسر ایران و به‌ویژه منطقه زاگرس، باند ضدانقلابی قاسم‌لو در کردستان، گروه‌بندی‌های درحال تشکل در درون ارتش محافل تجار بزرگ بازار از یک‌سو و میلیشیای وابسته به مجاهدین خلق و نیز گروه‌های چپ‌رو در نقاط مختلف

بقیه در صفحه ۴۶

بنشسته و می گفت که

کو؟ کو؟ کو؟ کو؟

دوباره زمین لرزید. لرزید و خروارها خشت و آوار فروریخت. داستان غم‌انگیز و نفرت‌زای هزاران باره تکرار شد. درزیرتل سنگین خاک، دارهای قالی و دختران قالیباف فروخفتند. فرو خفتند تا یکبار دیگر بر رنج‌های و مصیبت‌های اسیران و بندیان دیرینه‌سال جهان‌خواران گواه باشند. فروخفتند تا دردهای مشترک میلیون‌ها انسان واپس نگه‌داشته شده را فریاد کنند.

گلباف کرمان یک صحنه است. گلباف کرمان مشتکی است. نمونه خروارهای خاک و خشت که سالهاست فرو می‌ریزد. در لار و قزوین و در طبرستان فرو می‌ریزد و هزاران گیسوی شاداب، دست جوان و قلب عاشق را در خاک فرو می‌برد. گناه از آسمان نیست، گناه از زمین نیست که می‌لرزد، گناه از آنهاست که با نظمی نوین برای برچیدن کومه‌های گلی، سقف‌های لرزان "کوخ‌ها" و پی‌های ناستوار خصومت دارند. گناه از سرمایه‌داری است.

اینک ما و گلباف که در خاک و آوار فرو نشسته و مادری که بر سر خرابی کنگره خانه‌اش و در کاوش دختر قالیبافش به کو کو کو نشسته است. رسالت انقلاب این است که به این صحنه‌ها و تکرار آن خاتمه دهد!

عزای بازرگانان

"جامعه بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران تهران" عزا گرفته‌اند. آیا برای قربانیان زلزله گلباف عزادارند؟ آیا برای شهیدان جنگ سوگواری؟ برای درک دقیق‌تر فاجعه‌ای که این بازرگانان احساس می‌کنند به بیانیه خود آنها رجوع می‌کنیم: "هموطنان شریف و رزمنده ایران! در عزای استقلال به سوگ می‌نشینیم (!)... در عزای آزادی به سوگ می‌نشینیم که وضع حاضر، استبداد حکومت‌های هیتلر، استالین، عیدی‌امین را در خاطره‌ها زنده نموده. و همچون چاقوکشان قدیم قدرت نفس کشیدن را از هرنفس‌کشی سلب نموده است."

بدین ترتیب روشن می‌شود که بازرگانان محترم از هراس "استبداد" عزا گرفته‌اند. ولی آنچه پرسش برانگیز می‌نماید، آن است که چرا این بازرگانان خیر! در زمان استبداد سلطنتی اینگونه به درد نمی‌آمدند و این چنین به سوگ نمی‌نشستند؟ پاسخ روشن است. در زمان رژیم دیکتاتوری هیچ‌کس قصد ملی کردن بازرگانی خارجی را نداشت، هیچ‌کس نمی‌خواست دست تجار بزرگ از گلوی زحمتکشان قطع شود و لذا علیرغم همه سرکوب و خشونت و خفقان، نیازی به اعلام عزای عمومی نبود! در آن سالها در بازار زرگران، طلاداران ثروتمند را بیمی نبود که زر خود را از دست دهند زیرا زورداران مستبد از زر آنان دفاع می‌کردند. اما اینک زمان دیگری است. کفش دوزان بازار کفشان طرد سازشکاران و سرمایه‌داران از قدرت سیاسی را جشن می‌گیرند و با جشن خود بازرگانان، زرداران و سرمایه‌داران را به عزا می‌نشانند! می‌بینید که نکته چندان پیچیده‌ای هم نیست!

مشت رنجبری‌ها بازتر می‌شود

حزب امریکائی رتجبران با صدور اعلامیه‌ای در مورد سخنان اخیر امام خمینی ایشان را سردسته آنچه خود "مستبدین حاکم" می‌نامد، معرفی نموده است. عنوان اعلامیه "امام خمینی



علیه رای ملت" می‌باشد و طی آن آشکارا و به طرز وقیحانه امام خمینی سردسته مستبدین حاکم تصویر شده و لیبرالها به عنوان نمایندگان اکثریت مردم معرفی شده‌اند. فاصله انتشار این اعلامیه با زمانی که رنجبریها شیادانه دم از حمایت از امام و خط "نه شرقی، نه غربی" می‌زدند، چندان زیاد نیست. در این فاصله همین گروهک امریکائی و مدافع آشکار تر "سه جهان" و "دوایر قدرت" از موضع دفاع صریح به مخالفت آشکار و از موضع مجیزخوانی به دشمنی کینه‌توزانه علیه خط امام رسیده‌اند. رنجبریها در اطلاعیه خود با مقایسه وضعیت کنونی با آخرین ماه‌های حکومت شاه آرزوی خود را برای سرنگونی حکومت آشکارا اظهار داشته‌اند: "وضع حاضر بطرز بارزی آخرین ماه‌های حکومت سابق را به خاطر می‌آورد. در گذشته نیز هرچه وضع حکومت بدتر می‌شد، تهدیدات وی به سرکوب و توسل وی به این شیوه ضد مردمی بیشتر می‌گشت" بدین ترتیب کشمکش‌های سیاسی اخیر حداقل چهره این خائنین دور را بیشتر از همیشه نشان داد و روشن کرد که در پیشاپیش حرکت برای سرنگونی "مستبدین حاکم" چه قماش‌های از این نیروها گام برمی‌دارند.

وقتی جبهه ملی پیشاهنگ می‌شود

در فروردین ماه سال جاری، "پیام جبهه ملی" ارگان جبهه ملی ایران از مردم خواست تا روزنامه‌های اطلاعات و کیهان را تحریم کنند. دو ماه پس از این فراخوان بورژوازی لیبرال ایران که نشانه کینه و بغض و نفرت سازشکاران جبهه ملی از خط صریح ضد لیبرالی این دوروزنامه بود دو جریان "چپ" دعوت جبهه ملی را لبیک گفته و بر پیشاهنگی آن در این حرکت "دمکراتیک" صحنه گذاردند. اقلیت و راه کارگر نیز اخیراً حکم به تحریم اطلاعات و کیهان دادند.

اینکه اقلیت و راه کارگر چه استدلال تئوریکی برای توجیه تحریم این دو روزنامه دارد و همچنین چه کوشش قطعا مضحکی برای متمایز نمودن خود از جبهه ملی می‌تراشند، حداقل در شرایط کنونی مسئله ما نیست، مسئله عمق فاجعه‌ای است که جریاناتی نظیر اقلیت و راه کارگر را در عمل به دنبال بورژوازی روانه ساخته است.

براستی ریشه این هم‌آوازی آشکار را در کجا باید جستجو کرد؟ مگر جز این است که اینان در حرف یک قدم از "موضع مستقل پرولتاریائی" پا پس نمی‌گذارند؟ مگر بجز این است که اقلیت و راه کارگر خواهان برچیدن بساط سرمایه‌داری و مدعی دشمنی آشکار با بورژوازی لیبرال‌اند؟ پس چه رخ داده است که زمان عمل، وقتی که جاذبه مغناطیسی مبارزه طبقاتی هر نیرویی را به سوئی می‌کشاند، آنها دست در دست لیبرالها سرود تحریم این دو روزنامه را سر می‌دهند؟ این یک بام و دو هوایی از کجا نشأت می‌گیرد و از کدام سرچشمه آلوده‌ای آب می‌خورد؟ دیرگاهی از هشدارهای مکرر ما به این دو نیرو می‌گذرد. دیروز ما به آنها می‌گفتیم که مقابله

عنوانه و کینه‌توزانه با دولتی ضد امپریالیست دیر یا زود شما را به همدستی ناخواسته با دشمنان مردم سوق خواهد داد. به آنها می‌گفتیم که عینیت مبارزه طبقاتی ورای سخنان آتشین مبنی بر صداقت و دلسوزی برای طبقه کارگر، اتحاد با این یا آن جبهه را به شما تحمیل خواهد کرد و در چنان شرایطی موضع "مستقل" شما به حرف‌های پوچ و کلمات میان‌تهی بدل خواهد شد و امروز همداستانی با "جبهه ملی" و بطور کلی جبهه بورژوازی از سوی اینان گواه حقیقتی است که آنها هنوز بر آن چشم نگشوده‌اند.

اقلیت و راه کارگر متاسفانه در پاسخ به پرسش‌های هواداران کنجکاو خود به ما ناسزا می‌دهند. اما آنچه از ورای این قیل و قال‌های تکراری بمانند حقیقتی انکارناپذیر جلوه خواهد کرد، این است که اقلیت و راه کارگر به دنبال جبهه ملی و پشت سر بورژوازی سینه می‌زنند و این حقیقت تلخ با خروارها ناسزا و یاوه مخدوش نخواهد شد!

کدام یک بیشتر به خلق کرد خدمت!

می‌کنند؟ باند قاسملو یا کومه؟!!

دیرگاهی است که سازمان ما بر نقش ضد انقلابی دو جریان در کردستان یعنی باند قاسملو و دار و دسته کومه‌له انگشت گذارده و عوام فریبی اینان و پوچی ادعاهایشان را در مورد دفاع از منافع حقه خلق کرد نشان می‌دهد. اخیر در پی درگیری‌های خونینی که بین این دو جریان رخ داد و خون تعداد بیشتری از مردم رزمنده کردستان ایران را بر زمین ریخت، دو طرف ادعانامه‌هایی بر علیه یکدیگر صادر کرده و ضمن دعوی پرچمداری از منافع خلق کرد، طرف مقابل را مسئول درگیری‌ها قلمداد نمودند. "اتحادیه جوانان دمکرات کردستان ایران - بوکان" وابسته به باند قاسملو در اطلاعیه‌ای که در ۲۴ اردیبهشت ماه صادر کرد، پس از لجن‌پراکنی‌های تکراری نسبت به نیروهای راستین انقلاب و حامیان واقعی خلق کرد ادعا کرد که "وابستگی کومه‌له به جریانات مشکوک به حدی روشن است که نیازی به استدلال نیست. آنان نه بخاطر دفاع از خلق ستم‌دیده کرد بلکه به منظور تخطئه و تضعیف مبارزات خلق کرد در کردستان ایران مسلح شده‌اند." درست یک روز بعد از صدور این اطلاعیه، کومه‌له با انتشار اعلامیه مشابهی به خلق کرد هشدار داد که "ضرباتی که حزب دمکرات تاکنون به جنبش مقاومت خلق کرد و درجهت پایمال کردن دستاوردهای مبارزاتی خلق ستم‌دیده کرد وارد آورده برای رهبران آن کافی نبوده است و می‌خواهند خون پیشمرگان کردستان را لگدمال منافع خود سازند."

بدین ترتیب طبق ادعای باند قاسملو، کومه‌له "نه بخاطر دفاع از خلق ستم‌دیده کرد" بلکه برای "تخطئه و تضعیف مبارزات خلق کرد" مسلح شده است و براساس دعوی کومه‌له باند قاسملو "دستاوردهای مبارزاتی خلق ستم‌دیده کرد" را پایمال کرده و خون پیشمرگان آن را لگدمال منافع خود می‌سازد.

اما حقیقت امر بجز این است. باند قاسملو و دار و دسته کومه‌له علیرغم زد و خوردها و درگیری‌هایی که بر سر "رهبری" دارند، هیچ‌یک دلی در گرو منافع خلق ستم‌دیده کرد ندارند. شواهد جنگ خونین در کردستان اثبات می‌کند که سیاست این دو جریان جز خانه‌خوابی، در بدری و کشتار و ناامنی چیزی برای مردم کردستان به ارمغان نیاورده است. اگر دولت جمهوری اسلامی

از یادداشت های فدائیان خلق در جبهه های جنگ شکست ،

از آن تاخت آوران آمریکائی است

گوههای مان همیشه برپا خواهد بود . رودهای همواره جاری خلقمان همیشه زنده خواهد ماند شکست از آن تاخت آوران آمریکایی است . ما سرزمینمان را دهها بار زیباتر از نو بنا خواهیم کرد .

(از وصیت نامه هوشی مین)

می دارد . تفنگش را روی لبه سنگر می گذارد . نگاهی به دشت می اندازد " میمک " استوارو پیروز برجای ایستاده است آهی می کشد و می گوید :
دشت ها را گرفتند . گندم ها را آتش زدند . گوسفندها را دزدیدند با این جنگ برای ایللیاتی چیزی نمانده است ، باید تفنگش را بردارد و به جبهه بیاید . انعکاس نور ستاره ها در اشک چشم های مرد ایللیاتی دیده می شود . ابرهائی که جلوی ماه را گرفته اند ، حالا درهم تنیده شده اند . باد سردی نم نم باران را بر گونه هایمان می پاشد . مرد ایللیاتی همانطور خیره به دشت نگاه می کند . بعد از چند دقیقه ای سکوت با صدایی گرفته می گوید :
راستی این صدام جنایتکار از جان ملت ما چه می خواهد ؟

پرایش توضیح می دهم که :
پشت این جنایتکار آمریکای جهانخوار ایستاده است . آنها می خواهند انقلاب ما را به شکست بکشانند .
مرد ایللیاتی همانطور که با هوشیاری در تاریکی مواظب اطراف است می گوید :
" آمریکا که می گویند خیلی دور است ، او اینجا چکار می کند ؟ "
پرایش می گویم که :
" به دور یا نزدیک بودن نیست ، آمریکا ، اینجا یا هر جای دیگری می خواهد اربابی کند ، می خواهد زندگی مردم را غارت کند . قیلاشاه منافعش را تامین می کرد . شاه که گوریه گور شد ، آمریکا هم دیگر نتوانست مثل سابق ایران را غارت کند . اینطور بود که ... "
در همین موقع صدای انفجاری ، سنگرمان را به تکان درآورد و خاک خاشاک زیادی بر سرمان می ریزد . دشمن از تاریکی

هلی کوپترهای هوانیروز هم به حرکت درآمده و به شکار تانک ها و نیروهای تجاوزگر عراقی پرداختند .
آب ، همه زمین های پشت سد را گرفت و دشمن را کیلومترها عقب نشاند . دو روز بعد روز فراموش نشدنی دیگری در زندگی ام بود با بچه های سپاه و همه زحمتکشان دیگری که در کانال کار می کردند دست در گردن یکدیگر انداخته و اشک ریزان از هم جدا شدیم .

اردیبهشت ۱۳۶۰

با این جنگ برای ایللیاتی چیزی نمانده است باید تفنگش را بردارد و به جبهه بیاید

مرد ایللیاتی گفت :
با این جنگ دیگر چیزی برای ایللیاتی نمانده است باید تفنگش را بردارد و به جبهه بیاید .
ساعت از ۲ نیمه شب گذشته است . از داخل سنگر نظاره گر ابرهائی هستیم که از ماه سبقت می گیرند . ستاره ها از پشت ابرها سرک می کشند . نسیم خنکی از سمت ارتفاعات " میمک " به طرفمان می وزد . با همسنگرم حرف می زنم می گوید :
" ۲۵ سال چوپانی کرده ام . اهل اسلام آباد است . مردی است ساده به سادگی مردی که تمام عمرش در دشت های اسلام آباد چوپانی کرده است . سواد هم ندارد خودش می گوید :
" همش در کوچ بودیم ، مدرسه ای نبود که درس بخوانیم "
بهش می گویم :
" چه شد که آمدی جبهه دستارش را از سرش بر

چند شبانه روز دیگر با تلاش و کوششی خستگی ناپذیر ، بالاخره حفر کانال به پایان رسید . پمپ های آب را که قبلا در رودخانه کارون نصب شده بود ، روشن کردیم جریان آبی از رودخانه کارون به کانال راه پیدا کرد . پاسداران از شادی مرا بوسیدند .
کارون می غرید و به کانال سرازیر می شد . فدائیان خلق اکثریت پاسداران مبارز ذرون جبهه ها و زحمتکشان رزمنده دیگری که همراهان بودند ، بازو در بازوی هم جبهه های پولادین بوجود آورده بودند .

برافراشته باد پرچم اتحاد علیه تجاوزات امپریالیسم و رژیم صدام گسترده باد همکاری و همگامی همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

هفت شبانه روز آب از کانال می گذشت و در دشت ها سرازیر می شد و در پشت سدی که عراقی ها برای جلوگیری از نفوذ آب ساخته بودند جمع شد . قرار بود چند نفر از پاسداران شبانه روز آب کنند در پشت سدهای دشمن جمع شد . سه نفر از پاسداران مسلح به نارنجک و دینامیت در تاریکی به طرف سد حرکت کردند .

لحظه های انتظار پایان رسید . ناگهان صدای انفجاری از دورن دل شب برخاست و کانال را به تکان درآورد موج بزرگی از طرف سد ، در کانال به حرکت درآمده و شتابان خود راه کارون رساند . سدی که دشمن جلوی آب کانال بسته بود منفجر شد و آب کارون سنگرهای مزدوران عراقی را پر کرد . و تانک هایشان را به گل نشاند . همپای آبهای کارون که می غریدند و دشت را درمی نوردیدند و دشمن را فراری می دادند

شبانه روزی که کشیده بودند کارشان به شکست انجامیده بود . آنها تا آن موقع به خاطر حفر همین کانال سه شهید داده بودند .
به محض اینکه به محل حفر کانال رسیدیم ، همه آنهایی که آنجا کار می کردند دورم را گرفتند . بعد از شنیدن حرف های آنها و بررسی کارها به مسئول و پاسدارانی که آنجا بودند گفتم : " ما می توانیم این کانال را با همین ماشین آلاتی که اینجا افتاده ، پانزده روزه تمام کنیم "
هیچکس حرفم را باور نمی کرد . وقتی دیدم با حرف نمی شود اطمینان آنها را جلب کرد آستینم را بالا زده و مشغول به کار شدم اول به سراغ ماشین آلات از کار افتاده رفتم . این ماشین ها مدت ها بود که خراب شده و آنجا افتاده بودند . مدت کوتاهی ، آنها را با همان امکانات موجود تعمیر کرده و به راه انداختم . بیل مکانیکی خودم هم که سالم و آماده کار بود . خستگی و ناامیدی کم کم داشت جایش را به امید و تلاش و پیروزی می داد .
یکی از مشکلاتمان کمبود راننده بولدوزر بود تصمیم گرفتم که همان جا رانندگی بولدوزرها را به چند نفر از بچه های سپاه یاد بدهیم آنها با خوشحالی از این کار استقبال کردند . بلافاصله دست بد کار شده و به تعلیم آنان پرداختم . صبح روز بعد دیگر بولدوزرهایمان بدون راننده نبود . همه با شادی و امید شروع به کار کردیم برای جبران عقب ماندگی کارها تا پاسی از شب کار می کردیم . شبها از شوق خواب نمی برد .
طولی نکشید که بر اثر تلاش شبانه روزی پاسدارانی که تازه رانندگی بولدوزرها را یاد گرفته بودند ، طول کانال را به ۸ کیلومتر رساندیم . کانال کاملاً محکم و مقاوم شده بود . بعد از

من راننده بیل مکانیکی هستم . روی ماشین های سنگینی مثل بولدوزر و دستگاه های حفاری هم خوب می توانم کار کنم .
وقتی که سازمان رهنمود داد که " در جبهه های نبرد علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز صدام شرکت کنیم " به استانداری شهرمان رفته و به مسئولین گفتم :
" من راننده بیل مکانیکی هستم . یک بیل مکانیکی هم دارم در حفر کانال هم مهارت دارم . آماده هستم که همین امروز مرا به جبهه بفرستید "
مسئولین استانداری از پیشنهاد من استقبال کردند درست همان روز مرا با بیل مکانیکی ام که بار کامیون زده بودند به اهواز فرستادند در استانداری اهواز هم با آغوش باز مرا پذیرفته و بلافاصله برای حفر کانال به جبهه دارخوین فرستادند .
محل کار ما منطقه ای بود که قرار بود در آنجا کانالی به طول بیش از ۸ کیلومتر حفر کرده و به وسیله این کانال به سنگرهای دشمن آب بیاندازند . تا آن روز که ما به محل حفر کانال رسیدیم ، درست سه ماه در آنجا کار کرده بودند . اما هنوز نصف کانال را هم نکنده بودند .
چندین دستگاه بیل و بولدوزر خراب شده و گوشه ای افتاده بود . کسی نبود که ماسین ها را تعمیر کرده و دوباره به کار اندازد . کار به صورت نیمه تعطیل درآمده بود . پاسداران و همه کسانی که آنجا کار می کردند با امید و شور و شوق فراوانی حفر کانال را آغاز کرده بودند . اما آنطور که آنها می خواستند " کارشان پیش نرفته بود . مسئول کردن کانال انسان رحمتکشی بود که بطور داوطلبانه به جبهه آمده و چندین کیلومتر حلوتر از خط مقدم جبهه ، با تمام توانش کار می کرد . حالا او و همه پاسدارانی که همراهش کار می کردند با تمام زحمات

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

برای ملی کردن تجارت خارجی چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

مخالفان ملی کردن تجارت خارجی اغلب موضوع را چنین قلمداد می‌کنند که دولت از عهده انجام تجارت خارجی نمی‌تواند برآید. اینان مدعی هستند که هزاران قلم کالا هر روز به مرزهای کشور وارد می‌شود و دولت نمی‌تواند واردات چنین مجموعه‌ای از کالاهای متنوع را با توجه به نیازهای "بازار" برعهده گیرد. به زعم مدافعان تجارت بزرگ و وابسته تنها تجار هستند که می‌توانند تقاضای بازار برای هر یک از هزاران قلم کالا را برآورد کنند، آن کالاها را سفارش دهند و به بازار عرضه کنند!

در زیر نشان خواهیم داد که این جز بهانه‌ای نیست که کوشش برای حفظ منافع سرمایه‌داران تاجر در پس آن نهفته است. در حال حاضر صادرات نفت و گاز که متجاوز از ۹۵٪ صادرات ایران را تشکیل می‌دهد، در اختیار دولت است. همچنین بخش عمده‌ای از واردات کشور نیز به وسیله دولت انجام می‌شود. واردات محصولات غذایی اساسی، مانند گوشت، برنج، گندم و شکر واردات مواد و تجهیزات صنایع دولتی و نیز واردات تسلیحات و تجهیزات نظامی در دست دولت است. دشواری‌ها در زمینه واردات کالاهایی که در دست دولت بوده است، علیرغم شرایط جنگ و بی‌برنامگی دولت، به مراتب کمتر از مشکلات ناشی از واردات کالاها توسط تجار بوده است. تجربه تجارت دولتی در کشورهای سوسیالیستی و مترقی نشان داده است که چنانچه دولت در چهارچوب برنامه معین، همه‌جانبه و سنجیده اقتصادی عمل کند به خوبی می‌تواند از عهده این کار برآید و از صدماتی که تجار وابسته و بزرگ بر اقتصاد میهن وارد می‌آورند جلوگیری کند.

آنچه در وهله نخست می‌تواند برای دولت مشکلی در راه برعهده‌گیری تجارت خارجی باشد واردات و صادرات کالاهای متنوع و متعددی است که به صورت متفرق به وسیله تجار انجام می‌شود. مدافعان تجارت بزرگ و وابسته اغلب سئوالاتی از این نوع را پیش می‌کشند که دولت از کجا می‌داند در سال چند دانه پستانک یا مداد تراش باید وارد کند و داد و قال بر می‌آورند که "دولت هرگز تاجر خوبی نیست!"

ملی کردن تجارت خارجی را می‌توان طی برنامه معین و سنجیده‌ای پیش برد و واردات و صادرات را در مراکز دولتی متمرکز ساخت.

نخست در باره واردات بگوئیم که مسئله‌ای اساسی تر است. در وهله نخست دولت می‌تواند واردات کالاهای اساسی تولیدی و مصرفی را بر عهده گیرد. ماشین‌آلات، قطعات و مواد اولیه عمده مورد نیاز صنایع و کشاورزی کشور را می‌توان هم‌اکنون برعهده دولت گذاشت. بخشی از این کالاها هم‌اکنون توسط دولت وارد می‌شود برای قرار دادن دیگر بخش این واردات به دست دولت باید مراکز تخصصی در هر یک از رشته‌های وارداتی به وجود آید و کارکنان دولت که هم‌اکنون در صنایع یا دیگر ارگان‌های دولتی به انجام کارهای مشابه مشغولند در آنها به کار گمارده شوند. برای مثال کارکنان سفارشات خارجی صنایع اتومبیل‌سازی را می‌توان در مرکز مربوطه به کار گرفت. این مرکز با توجه به نیازهای صنعت اتومبیل‌سازی به ماشین‌آلات، تجهیزات و مواد و نیز نیاز بازار به لوازم یدکی

و ابزار اتومبیل، در چهارچوب برنامه اقتصادی دولت و اولویت‌های تعیین شده برای تجارت خارجی، واردات این بخش را انجام خواهد داد. درباره محصولات الکتریکی و الکترونیکی، محصولات شیمیایی و دارویی، آهن و فولاد، کاغذ، پارچه و الیاف و... نیز می‌توان به همین ترتیب عمل کرد.

در زمینه کالاهای مصرفی اساسی، کار دولتی کردن واردات با مشکلات حتی کمتری مواجه است واردات مواد غذایی اساسی مانند حبوبات، لبنیات با استفاده از امکانات و تجربیات کارکنان وزارت کشاورزی و سازمان‌های دولتی مشابه با دشواری اندکی همراه است.

واردات کالاهایی که در مقوله کالاهای اساسی صنعتی و کشاورزی و کالاهای اساسی مصرفی قرار می‌گیرند، عمده‌ترین بخش واردات را تشکیل می‌دهد. واردات این کالاها را می‌توان بلافاصله یا لااقل در مدتی بسیار کوتاه، کمتر از شش ماه در اختیار گرفت.

آنچه باقی می‌ماند کالاهای متعدد و متنوعی است که با حجم به نسبت کمی به بازار ایران وارد می‌شوند. بخشی از این کالاها محصولات صنعتی بسیار تخصصی یا محصولات صنعتی که تقاضای بسیار کمی برای آنها وجود دارد، می‌باشند و بخشی دیگر کالاهای مصرفی هستند که به مقادیر جزئی وارد می‌شود مانند همان مثال مدادتراش و پستانک، قاشق و چنگال و...

دولت می‌تواند واردات عمده‌ترین اقلام این کالاها را نیز در طی مدتی نه‌چندان طولانی با ایجاد مراکزی برای مجموعه‌ای از کالاهای مشابه برعهده گیرد. واردات دیگر اقلام که بدین ترتیب اقلیمی جزئی از کل واردات کشور هستند، می‌تواند در دست تعاونی‌ها قرار گیرد.

در باره تعاونی‌ها باید هشدار دهیم. یکی از مهم‌ترین راه‌های گریز از تجارت خارجی ملی شده برای تجار بزرگ و وابسته می‌تواند سوء استفاده از نقش تعاونی‌ها در کار تجارت باشد. چنانچه دولت در برعهده‌گیری تجارت خارجی تزلزل از خود نشان دهد و جز واردات چند قلم کالا را خود بر عهده نگیرد بخش عمده واردات برای تعاونی‌ها گذاشته می‌شود. قرار دادن تجارت آهن و فولاد، کاغذ، پارچه و... که هر کدام رقم بزرگی از واردات کشور را تشکیل می‌دهند، در دست "تعاونی" واردکنندگان، معنایی جز این ندارد که سرمایه‌های بزرگ، در شرکت‌های "تعاونی" به صورت شرکتی سهامی وارد شوند و دوباره از راه شرکت "تعاونی" تجارت خارجی را در دست گیرند. بدیهی است که این چنین شرکت‌های "تعاونی" مغایر اصل ملی کردن تجارت خارجی هستند.

مقامات دولت با سکوتی که درباره سئوالات مطروحه درباره سازمان اقتصاد اسلامی کرده‌اند، و حتی در مواردی از این "سازمان" که در واقع بنگاه تجاری بسیار بزرگی است تلوپحا دفاع کرده‌اند، این نگرانی را درباره چگونگی اجرای قانون تجارت خارجی (درباره متن لایحه پیشنهادی دولت به مجلس سخن خواهیم گفت) عملاً تشدید کرده‌اند.

تعاونی‌هایی که در کار واردات شرکت می‌یابند باید تعاونی‌هایی متشکل از کسبه، پیشه‌وران و صنعتگران باشد که برای واردات کالاهای مورد

نیاز خود، کالاهای صنعتی و مصرفی، تشکیل تعاونی می‌دهند و سرمایه‌های بزرگ و انحصاری نتوانند در آنها راه یابند. این هدف را با اتخاذ سیاست مناسب در دو زمینه می‌توان تحقق بخشید:

۱- قرار دادن اقلام کوچک و جزئی واردات در دست تعاونی‌های واردکننده.

۲- تنظیم قانون نظام صنفی به ترتیبی که سرمایه‌های بزرگ و انحصاری امکان ورود به تعاونی‌ها را نداشته باشند.

درباره صادرات در قیاس با واردات، وضع به‌گونه‌ای دیگر است. عمده‌ترین اقلام صادراتی غیرنفتی ایران قالی و گلیم، پنبه، خشکبار و پوست و روده بوده است. صادرات این کالاها را می‌توان در شبکه‌ای از تعاونی‌های توزیع سازمان داد به ترتیبی که تجار بزرگ و وابسته نتوانند با قرار گرفتن در مقام صادرکننده، تولیدکنندگان این کالاها را که عمدتاً تولید کنندگان خرد هستند، تحت ستم قرار دهند و ثمره کار آنان را تصاحب کنند. از آنجا که تنوع کالاهای صادراتی به نسبت بسیار اندک است و ملی کردن تجارت خارجی آن می‌تواند با استاندارد کردن صادرات و افزایش مرغوبیت کالاهای صادراتی باشد، قرار دادن صادرات در دست دولت نه تنها امکان پذیر است بلکه می‌تواند باعث بهبود بازار صادراتی محصولات میهن باشد. صادرات کالاهای صنعتی در گذشته بسیار محدود و ناچیز بوده است. از آنجا که کالاهای صنعتی صادراتی در آینده عمدتاً محصولات هستند که توسط کارخانجات دولتی عرضه می‌شوند، دولتی شدن تجارت خارجی در این زمینه نیز با دشواری‌های عمده‌ای همراه نخواهد بود.

ایجاد رابطه مناسب میان تجارت خارجی و تجارت داخلی

این نکته‌ای روشن است که ملی کردن تجارت خارجی باید همراه با اتخاذ سیاست‌ها و ایجاد مکانیسم‌های مناسب در زمینه تجارت داخلی باشد. چنانچه دولت تمامی کار واردات را بر عهده گیرد و کالاها را تا مرز بیاورد و آنگاه آنها را به خریداران بفروشد، بدیهی است که تجار بزرگ و انحصاری، خریداران اصلی کالاها خواهند بود و می‌توانند با اعمال قدرت انحصاری خود بر بازار داخلی همچون شرایط کنونی، موجد گرانی و اعمال ستم بر کسبه، پیشه‌وران و صنعتگران میهن باشند.

ملی کردن تجارت خارجی آنگاه می‌تواند با اثرات مثبت ذکر شده در مقالات گذشته-همراه باشد که از طریق مکانیسم‌های موثر و کارا مانع رخنه تجار بزرگ و انحصاری در کار توزیع کالا باشد. این کار مستلزم آن است که:

۱- دولت شبکه گسترده‌ای برای توزیع کالا در بازار داخلی به وجود آورد و خود کار توزیع عمده‌ترین بخش از کالاهای وارداتی را تا سطح خرده‌فروشان و صنعتگران و صنایع میهن برعهده گیرد.

۲- بخش دیگر واردات که عمدتاً کالاهای جزئی صنعتی و مصرفی است باید توسط شبکه تعاونی‌های خرده‌فروشان، صنعتگران و صنایع کوچک در بازار داخلی توزیع شود. آنچه در بالا درباره خطر سوء استفاده از تعاونی‌ها گفتیم در اینجا نیز باید بدان توجه بداریم. برخی از تعاونی‌هایی که در ماه‌های گذشته در بازار داخلی به وجود آمده است عملاً شرکت‌های سهامی است که به وسیله سرمایه‌های بزرگ و انحصاری تشکیل شده است. این شرکت‌های



تشکل صنفی (مطابق ماده ۲۶ قانون اساسی) از حقوق مسلم کارگران است

اخیرا تلفنگرامی از طرف سرپرست امور پالایش صنعت نفت (گرانمایه) به پالایشگاه شیراز فرستاده شد با این مضمون که: "در صورتی که افرادی از کارکنان پالایشگاه تحت عناوین نمایندگی انجمن و شورا و غیره از انجام وظایف سازمانی روزمره امتناع دارند گزارش فرمایید. پرداخت حقوق و دستمزد در مقابل کار انجام نشده، تصرف غیرقانونی در بیت‌المال محسوب خواهد گردید". این تلفنگرام که نشانه به رسمیت نشناختن شورا بوده و حاکی از تدارک

احلال آن بود با واکنش شدید کارکنان مواجه شد و شورا طی تلگرافی به سرپرست امور پالایش قاطعانه پاسخ داد: "لازم می‌دانیم به اطلاع شما برسانیم، چنانچه تا کنون مواردی از عدم انجام وظایف سازمانی کارکنان شورای اسلامی کارگران سراغ دارید مشخص نموده تا رسیدگی شود و چنانچه منظور از این تلفنگرام قطع و ریشه کن کردن هرگونه فعالیت شورایی می‌باشد لازم می‌دانیم به اطلاع شما برسانیم که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکل صنفی از حقوق مسلم کارگران بوده و هیچ مقامی نمی‌تواند این اصل را نادیده بگیرد... ما این دستور شما را عامل ایجاد نارضایتی تلقی کرده و در خاتمه یادآور می‌شویم چنانچه مسئله در رابطه با تصرف غیرقانونی بیت‌المال مطرح گردد شورا حاضر است با اعداد و ارقام ثابت نماید که تا چه اندازه در جلوگیری از حیف و میل در بیت‌المال موثر بوده و هست و مطرح کردن چنین مسئله‌های بهانه‌ای بیش نیست."

کارگران ایاف: لیبرالها هرچه کمتر مجال اخلاگری پیدا کنند، وابستگی زودتر ریشه‌کن میشود

دولت جمهوری اسلامی از مدیر عامل لیبرال کارخانه ایاف تعهد گرفته است که هر چه زودتر مستشاران آلمانی کارخانه را کنار گذاشته و به جای آنها از متخصصین ایرانی استفاده نماید (لازم به تذکر است که کمپانی بایر آلمان هنوز ۵۰٪ سهام کارخانه ایاف را در اختیار دارد). این تصمیم دولت که به دنبال مبارزات پیگیرانه و آگاهانه کارگران انقلابی ایاف صورت پذیرفت به نوبه خود با استقبال عموم کارگران مواجه شد. کارگران ایاف از شورای کارخانه خواستار تعقیب جدی و هوشیارانه این مسئله شده و تاکید کرده‌اند که: شورا باید با تمام نیرو ریشه‌کن می‌شود. برای تحویل کارخانه از

آلمانی‌ها دقت نماید و اجازه کوچکترین اخلاگری به مدیران لیبرال و دیگر طرفداران امپریالیسم ندهد. کارگران مبارز و پیشروی ایاف خاطر نشان کرده‌اند که اگر جلوی اخلاص لیبرالها گرفته شود، هیچ اختلالی در کارخانه پیش نمی‌آید و آنها دیگر مجال آن را نمی‌یابند که اختلالاتی را که بیش از همه خود مسبب آنند، ناشی از "عدم مهارت متخصصین ایرانی" و اخراج آلمانی‌ها جلوه داده و عوام فریبانه طالب حفظ و ترمیم روابط استعماری باشند. اگر لیبرالها مسئله شده و هرچه کمتر مجال اخلاگری پیدا کنند وابستگی زودتر شورا با تمام نیرو ریشه‌کن می‌شود.

اقدامات ضد انقلابی مدیریت لیبرال، کشت و صنعت کارون (شوشتر) را به نابودی می‌کشاند

در خرداد سال ۵۸ قلی‌زاده پاشا که خود از سهامداران شرکت ایرفو می‌باشد به وسیله مهندس بازرگان به مدیریت شرکت کشت و صنعت کارون (شوشتر) انتصاب گردید. وی از همان ابتدای کار به مقابله با شوراها و کارکنان انقلابی و مبارز برآمد. در این رابطه هرگاه کارکنان در صدد ایجاد شورا برمی‌آمدند با انواع توطئه‌ها به دستگیری، بازداشت و اخراج کارکنان اقدام می‌نمود. وی علاوه بر اخراج فعالین شورایی حکم اخراج ۵ تن از اعضای فعال انجمن اسلامی را که توطئه‌های مدیریت را افشاء کرده بودند، صادر نمود. مدیریت لیبرال کشت و صنعت کارون از بدو انتصاب خویش موجب اخراج بیش از ۱۲۵ تن از کارکنان مبارز و انقلابی به اتهام "اخلاص" در تولید!" شده است. قلی‌زاده پاشا در خلال این مدت با تحمیل ۴۸ ساعت کار در هفته بجای ۴۴ ساعت، قطع سرویس، کسر کرایه منزل از حقوق کارکنان، رابطه با شیوخ مرتجع و تشکیل گروه‌های چماق‌دار، تحریک کارگران رؤستائی علیه شوراها، عدم همکاری با کمیته انقلاب اسلامی جهت کمک‌رسانی به جبهه‌ها همواره در جهت تضعیف روحیه انقلابی و تشدید نارضایتی در بین کارکنان گام برداشته است. این اقدامات ضدانقلابی مدیریت عملا مجتمع کشت و صنعت کارون را به سوی ورشکستگی و تعطیلی می‌کشاند. برای مثال امسال ۳۰۰۰ هکتار از کشتزارهای نی در اثر اخراج کارکنان زحمتکش و مبارز نابود شده است و کیفیت بقیه محصولات نیز در اثر آفت‌زدگی پائین آمده است که نتیجه آن نابودی بخش مهمی از تولیدات ملی است. در شرایطی که مبارزه در جهت خودکفائی، راه - اندازی صنایع و بالا بردن میزان تولید یکی از مهم‌ترین عرصه مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در جهت کسب استقلال و آزادی است، بی‌توجهی مسئولین جمهوری

کارگران سیلوی یاسوج توطئه ضد شورایی کارفرما را افشاء کردند

به دنبال اعتراضات و مبارزات پیگیر و یکپارچه کارگران سیلوی یاسوج و قاطعیت نمایندگان شورای سیلو کارفرمای شرکت سیلوسازی ناگزیر از پذیرش برخی از مطالبات کارگران شده و طی توافقنامه‌ای که بین نمایندگان کارگران کارفرما و رئیس اداره کار امضاء شد کارفرما متعهد شد که:

- ۱ - بابت حق ایاب و ذهاب به هر کارگر روزانه ۱۰۰ ریال پرداخت کند.
- ۲ - هر شش ماه یک جفت کفش و لباس کار ویا معادل آن مبلغی به حساب کارگر واریز شود.
- کارگران علاوه بر خواست‌های فوق خواهان حق استفاده از غذای گرم و حقوقی سختی کار یا حق ارتفاع

نیز هستند. کارفرما به بهانه اینکه باید از اداره کار بخشنامه‌ای در این مورد صادر گردد از قبول این خواست‌ها امتناع کرده و چون خود را در مقابل شورا ناتوان می‌بیند، مدبوحانه می‌کوشد از طریق چند تن از عوام‌لش در میان کارگران دودستگم و تفرقه بوجود آورده و کارگران را با شعار ساختگی "ما شورای کمونیستی نمی‌خواهیم" علیه شورا برانگیزد. اما کارگران مبارز و آگاه سیلو هوشیارانه این توطئه نفاق - افکنانه و ضد کارگری را افشاء نموده و مبارزه قاطعانه برای تحقق دیگر خواست‌های منطقی و برحقشان را از طریق فشرده‌تر کردن صفوف خود و تحکیم شورا، وظیفه مبرم خویش می‌دانند.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خودادامه خواهند داد

عناصر ناباب از ارگانهای انقلابی باید تصفیه شوند

جیرفت: سال گذشته در جیرفت مقدار زیادی از زمین‌های خوانین توسط هیئت ۷ نفره بین دهقانان محروم تقسیم شد. ولی اخیراً با نفوذ برخی از حامیان فئودال‌ها در این هیئت، ما شاهد بعضی از اقدامات ارتجاعی هستیم. از جمله محمودی عضو جدید هیئت و حسینی مسئول تقسیم زمین. به پشتیبانی علنی از خوانین پرداخته و با صدور احکامی در صددند که زمین‌های تقسیم شده را به فئودال‌ها بازگردانند. آنها همچنین از حمایت فهیم کرمانی حاکم، شرع کرمان، فلاح دادستان انقلاب کرمان و امام جمعه جیرفت برخوردار می‌باشند. اخیراً محمودی حکمی را مبنی بر استرداد زمین‌های فئودال مزدور منطقه یعنی رضاخان مهیمی که زمین‌هایش در سال گذشته توسط هیئت واگذار شده بود، صادر می‌کند که مورد قبول دهقانان قرار نمی‌گیرد و لذا دهقانان نماینده‌ای به ستاد مرکزی واگذاری زمین می‌فرستند و ستاد مرکزی نیز نامه‌ای با این مضمون که کسی

حق دخالت در زمین‌های واگذاری شده به دهقانان را ندارد، برای هیئت واگذاری زمین در منطقه توسط نماینده مذکور ارسال می‌دارد ولی محمودی در جواب می‌گوید که این نامه مورد قبول وی نیست و زمین‌ها باید مسترد گردد. نمونه دیگری از حرکات اخیر محمودی را می‌توان در رابطه با استرداد زمین‌های عباس‌خان امیری که زمین‌هایش توسط هیئت به دهقانان واگذار شده بود، مشاهده کرد. وی ضمن مراجعه به روستای خرپشت از توابع جیرفت اظهار می‌دارد که این زمین‌ها "غیرقانونی" تقسیم شده و باید به "صاحب اصلی" آن مسترد گردد که البته با مقاومت شدید دهقانان زحمتکش روبرو می‌شود. حسینی مسئول تقسیم اراضی جیرفت نیز اوایل خرداد به روستای حجت‌آباد می‌رود و حدود ۸۰ هکتار از زمین‌هایی را که هیئت در سال گذشته بین دهقانان تقسیم کرده بود و همچنین موتورپمپ آب را به رضاخان مهیمی فئودال آن روستا باز می‌گرداند.

توقف بند "ج" و تشنج آفرینی فئودال‌ها

اردبیل، روستای کله‌سر: فئودال‌ها و زمینداران بزرگ که بر اثر توقف اجرای بند "ج" زمینه را برای گسترش فعالیت‌های ضد انقلابی خود آماده می‌بینند تلاش دارند تا از راه‌های گوناگون روستاهای میهنمان را به آشوب کشیده و مانع پیشرفت و تعمیق انقلاب و اجرای قانون اصلاحات ارضی گردند. از جمله در روستای کله‌سر از توابع شهرستان اردبیل فئودال‌ها با کمک بعضی از دولتی نفوذ کرده‌اند، اعلام

داشتند که این روستائیان زحمتکش که سالهاست از مراتع اطراف جهت پرورش دام‌های خود استفاده می‌کنند، دیگر حق استفاده از آن را ندارند و این مراتع متعلق به روستائیان ننه‌کران است تا به این بهانه هم مراتع را تصاحب کرده و هم بین زحمتکشان تفرقه و تشنج بیافرینند. دهقانان زحمتکش کله‌سر طی ارسال عریضه‌هایی برای مقامات مسئول از آنان خواستند تا با دخالت خود دست این ضدانقلابیون را از روستاها کوتاه گردانند.

نهادهای انقلابی پاکسازی شده است، سعی نمود که با ادعای مالکیت بر زمین‌های غرس شده تشنج و درگیری به وجود آورد و حتی توانست با کمک ایادی خود و بعضی از افراد ساده‌لوح حدود ۳۵۵ اصله درخت از مجموع ۸۰۰ اصله را نابود کند. اهالی زحمتکش روستا به ژاندارمری محل شکایت نموده و خواستار رسیدگی به این مسئله شدند اما با کمال تعجب ژاندارمری بجای رسیدگی به این امر، نماینده اهالی روستا را به جرم تصرف عدوانی محکوم نموده و با استناد به قانون دوره طاغوت روستائیان زحمتکش را "غاصب" نامید.

ژاندارمری باغان (بندرعباس) بجای رسیدگی به خواست‌های دهقانان آنانرا محکوم کرد

بندرعباس: روستای باغان از توابع حاجی‌آباد در ۲۸ کیلومتری شرق سرجهان واقع است این روستا که حدود ۷۶ خانوار را شامل می‌شود فاقد هرگونه امکانات رفاهی و بهداشتی است و حتی ایاب و ذهاب اهالی بخاطر نبودن جاده ماشین‌رو علیرغم ضرورت آن بخاطر تولید مرکبات زیاد با استفاده از حیوانات انجام می‌گیرد. بعد از انقلاب اهالی این روستا با جمع‌آوری مبلغی پول و با کمک یکدیگر توانستند با لوله‌کشی، از آبی که گهرز می‌رفت برای نهال‌های غرس شده استفاده نمایند پس از مدتی یکی از افراد ژاندارمری که در رژیم شاه با ساواک همکاری می‌کرده و توسط

خوانین ضد انقلابی فارس سرکوب باید گردند

اهالی روستای مزبور با مجاور عقب‌نشینی می‌کنند تراکتور در حال شخم‌زدن همین زمین‌ها بودند که ناگهان با یورش وحشیانه بیش از ۵۰ تن از تفنگچی‌های مزدور خوانین مواجه شدند و در نتیجه این حمله تعدادی از دهقانان مضروب، ۳ نفر از آنها ربوده و زمین‌ها به تصرف خوانین درآمد. ناصرخان و خسروخان قشقایی دهقانان منطقه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانگه و شش‌دانگه را فرا اقلید کمک خواستند و فردای آن روز سپاه به کمک آنها شتافته و بعد از درگیری مختصری موفق به دستگیری تعدادی از ایادی خوانین شده و خود خوانین با بقیه تفنگچی‌هایشان به کوه‌های

فارس - منطقه سرحد چهاردانگه:

دهقانان زحمتکش روستاهای باغ‌نو، فورگینه، شهر آشوب، آل‌آباد منطقه سرحد چهاردانگه استان فارس که سال گذشته با کمک جهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موفق شده بودند زمین‌های فئودال‌هایی نظیر حاجی‌امان معصومی، داریوش معصومی، فتح‌الله شهبازی، حاجی‌تمراس و چند نفر دیگر از کدخدایان تیره دوست‌محمدملو را که همگی از ایادی و سرسپردگان خسروخان و ناصرخان قشقایی هستند مصادره کرده و به زیر کشت برند، حدود دو هفته پیش

توطئه‌های فئودال‌ها و خان‌ها علیه دهقانان همچنان ادامه دارد

شهر رهسپار می‌شوند، مزدوران خان به روستا حمله نموده و زنان و کودکان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و دختری را نیز زخمی می‌کنند. به دنبال این حادثه اهالی روستا در شهر از واقعه باخبر شده و تصمیم می‌گیرند خان مزدور را دستگیر نمایند. لذا با دادن شعار "مرگ بر خان" منزل وی اجتماع می‌نمایند.

جیرفت - حجت‌آباد در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۶۰ دو تن از نمایندگان دهقانان هنگام عزیمت به شهر توسط مزدوران رضاخان مهیمی فئودال منطقه با چوب و چاقو مورد حمله واقع شده و زخمی می‌شوند. دهقانان تصمیم می‌گیرند به سپاه و فرمانداری مراجعه و شکایت نمایند. در همین حین هنگامی که روستائیان به

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

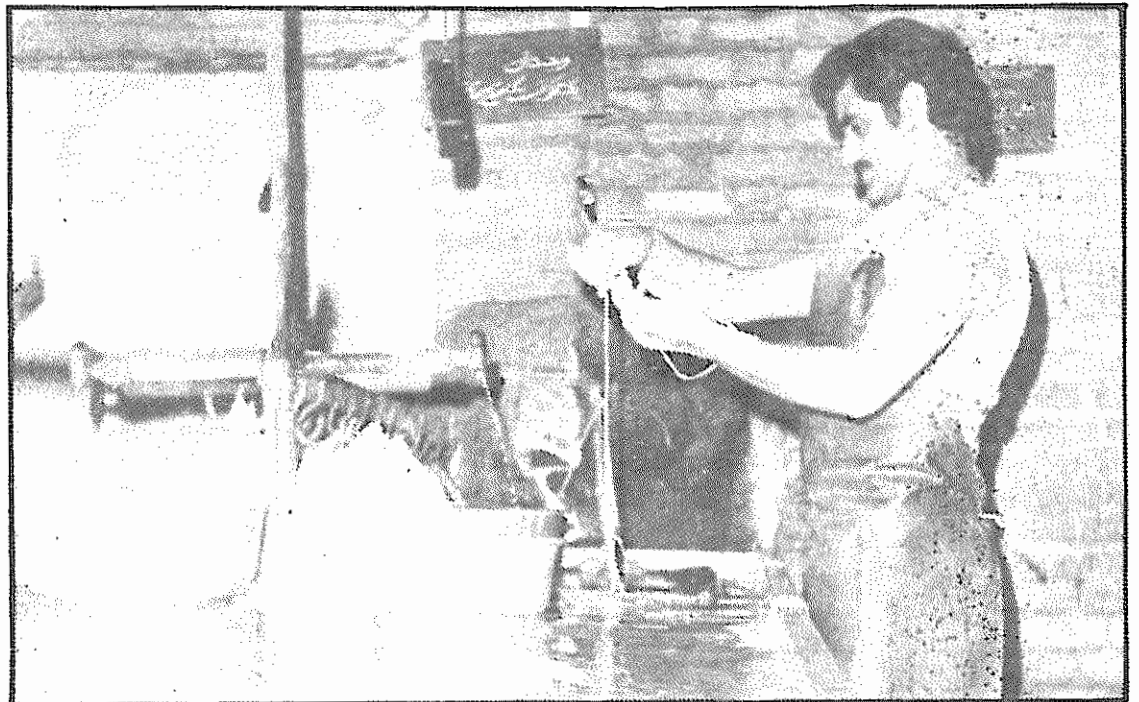


بیکاری و اخراج کارگران ، مصالح انقلاب را به مخاطره انداخته است

موج تعطیل واحدهای تولیدی و خدماتی و در نتیجه کاهش فعالیتها کارگران ، خوزستان جنگزده را فرا گرفته است . این مسئله در ۳ ماه گذشته ، موجب افزایش شدید تعداد بیکاران شده ، بطوری که حدود ۲۰ هزار تن به خیل بیکاران این استان افزوده است . تنها تعطیل مجتمع فولاد اهوار موجب بیکاری بیش از ۸ هزار تن از کارگران و زحمتکشان شده است ، که اینک ناچارند علاوه بر آوارگی و بی خانمانی (ناشی از جنگ) ، رنج بیکاری را نیز تحمل نمایند . گو اینکه توقف طرحها و تعطیل واحدهای تولیدی و خدماتی و در نتیجه کاهش فعالیتها و گسترش بیکاری عمدتا در ارتباط با قرار گرفتن این واحدها و طرحها در منطقه جنگی و عوارض ناشی از آن است اما بخش دیگری از این فعالیتهای تولیدی (که چندان کوچک هم نیست) در ارتباط با بی برنامهگی دولت ، ندانم کاریها و گوش سپردن به " رهنمود " های مسئولان و مدیران لیبرال تعطیل شده است . کارخانجات نورد ملی ، نورد اهواز ، لوله سازیها ،

بقیه در صفحه ۹

کارگران زهتاب : کارفرما به ما میگوید اگر به سندی کار بروید اخراجتان می کنم



دولت جمهوری اسلامی باید به خواستهای منطقی و برحق کارگران زهتاب بطور جدی رسیدگی نماید . در شرایط کنونی مبرم ترین مطالبات صنفی کارگران روده کار و سرت عبارتست از : تامین وسائل ایمنی و بهداشتی کارگاهها ، برخورداری از حق بیمه ، جلوگیری از اخراجهای یکجانبه توسط کارفرما ، و مهم تر از همه تثبیت حقوق سندیکائی کارگران و همه این مطالبات را می توان این چنین خلاصه کرد :

ما به غارت نرود و پول مملکت نیز به هدر نرود . از کارگر جوانی نظرش را در مورد جنگ تحمیلی صدام می پرسیم ، می گوید : " آمریکا توسط صدام این جنگ را به ما تحمیل کرده و کشورهای منطقه را علیه ما تحریک نموده اما ما همانطور که تا حالا نشان داده ایم در مقابل امپریالیسم امریکا و توطئه های او خواهیم ایستاد جنگ فقط درجهیه نیست . ما در هر جا که هستیم باید علیه دشمنانمان مبارزه کنیم تا سرمایه دارها و ضدانقلاب ، راکه پشتیبان همه شان امریکای جنایتکار است ، به خاک سیاه بنشانیم . اگر یکی بشویم و تفرقه ای نباشد ، حتما پیروز می شویم . "

زهتابی زیاد است . ما تا حالا چندین بار چه خودمان و چه به وسیله سندیکایمان شکایت کرده ایم . بازرس از وزارت کار آمد و به وضع ما نگاه کرد اما تا حالا هیچ ترتیب اثری نداده اند . کارفرما از اعتراضات ما و بخصوص سندیکا ناراضی است و به ما می گوید : اگر به سندیکا بروید اخراجتان می کنم . کارفرما در زمانی که بسیاری از همکاران ما بیکارند ، کارگر افغانی و فصلی استخدام می کند . در حال حاضر اینطور اخراجها زیاد اتفاق می افتد . تولید کارگاه ما پائین آمده و تعدادی از کارگاهها نیز بسته شده است . " او در مورد وضع بازار زوده و نقش کارفرما و دولت در این میان می گوید :

آنها به صورت کارمزدی در محیطی تاریک و نمور که بوی تعفن روده ها شامه را به سختی آزار می دهد ، کار می کنند . با یکی از کارگران صحبت می کنیم . او می گوید : " وضع بهداشت در اینجا خیلی خراب است . حتی پنجره های که از آن نور بتابد وجود ندارد و ما در این محیط تاریک و پر رطوبت خیلی زود مریض می شویم . اینجا کارخانه نیست ، دخمه مرگ است " . " ... ما موقعی که از کار تعطیل می شویم نمی توانیم سوار اتوبوس یا تاکسی شویم چون بدن ما بوی لاش و روده می گیرد و در خانه هم بچه هایمان از ما کناره گیری می کنند . بارها به کارفرما گفته ایم در اینجا حمام درست کند یا مکانی برای غذا خوردن تهیه ببیند چون ما نهار خود را در کنار همین لجن ها که پر از مگس و میکرب است ، می خوریم اما گوش کسی بدهکار نیست " کارگر دیگری می گوید :

در جنوب تهران در منطقه جوانمردقصاب و دولت آباد در حدود ۳۰ کارگاه زهتابی وجود دارد که در هر کارگاه بین ۷ تا ۲۰ کارگر کار می کنند و تقریباً در مجموع متجاوز از ۷۰۰ کارگر در صنف زهتابی تهران مشغول کارند . مواد اولیه زهتابی روده است که از کشتارگاه های داخلی تامین می شود و بعد از کار بر روی آن به کشورهای اروپائی صادر می شود و به صورت جلد نگهدارنده مواد گوشتی (کالباس ، سوسیس) و برخی محصولات غذایی دیگر مورد استفاده قرار می گیرد . بطور کلی تولیدات این کارگاهها به خارج صادر می شود . صنف زهتاب از دو بخش تشکیل شده : یک بخش به نام روده کار که روده را می شویند و مواد زائد آن را می گیرند و یک قسمت دیگر که سرت نام دارد که روده را استریلیزه کرده و آماده صدور می نمایند . کارگران روده و سرت از جمله زحمتکشانی هستند که برای تامین مایحتاج خود مجبورند در سخت ترین شرایط بدون اینکه از حداقل امکانات بهداشتی برخوردار باشند ، کار می کنند کارگران زهتاب از حداقل مزایای قانونی بی بهره اند .

**کارگران مبارز ایران !
با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار
جبهه انقلاب را تقویت کنید**

او در مورد وضع بازار زوده و نقش کارفرما و دولت در این میان می گوید : " صادرات روده در دست عده ای سودجو به انحصار درآمده و این عناصر با انواع کارشکنی ها در صدور آن تقلب می کنند و علاوه بر آن ارز حاصله از فروش آن را نیز تماما وارد کشور نمی کنند . دولت باید صادرات روده را خودش برعهده بگیرد . دولت باید بر تولید و صادرات روده نظارت داشته باشد تا اینطور حاصل زحمت

محل کار هم پررطوبت است خیلی از کارگران به رماتیسم و واریس مبتلا هستند از این گذشته بیماری های ریوی و شلی استخوان در کارگران

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۸

بیکاری و اخراج کارگران...

بلکه از طریق یک سیاست مشخص صنعتی و عمرانی در متن یک برنامه همه‌جانبه رشد اقتصادی مستقل، اعمال مدیریت آگاه و انقلابی، بررسی قراردادهای لغو قراردادهای امپریالیستی و انعقاد قراردادهای لازم با جنبه انقلاب جهانی، گسترش تحقیق و فعالیت‌های علمی و بالابردن بهره‌وری کار صورت می‌گیرد و این قبل از هر چیز نیازمند بسیج مبتکرانه و خلاق نیرو و توان کارگران در جهت گسترش تولید و تسریع اجرای طرح‌های بنیادی و کلیدی از یک سو و پاسخگویی به مسائل و مشکلات مبرم و اساسی‌شان است. ناهنجاری‌ها و مشکلات اقتصادی و مسائل مبتلا به اخراج کارگران نه تنها ذره‌ای تخفیف نمی‌یابد، بلکه بیش از پیش تشدید می‌شود. این تعطیل‌ها، توقف و اخراج‌ها تنها می‌تواند به پیشرفت انقلاب در ابعاد اقتصادی - اجتماعی اش ضربات جانکاهی وارد آورد.

دولت جمهوری اسلامی باید پاسخ دهد که آیا تمکین کردن به سیاست لبرالی و ضدکارگری تعطیل واحدها و توقف طرح‌ها و اخراج کارگران، به جز گسترش دامنه بیکاری و تشدید نا رضایی و فلاکت کارگران، به حر تشدید تورم - رکود و نتایج مخرب آن، گرانی مایحتاج عمومی و توسعه احتکار و طفیلی‌گری سرمایه‌داری به جز افزایش دلسردی زحمتکشان از انقلاب و فراهم نمودن هر چه بیشتر زمینه‌های دسیسه و توطئه ضدانقلاب و لبرال‌ها نتیجه دیگری خواهد داشت؟ هیچ‌کس پاسخ به این سؤال‌ها را از لبرال‌ها و دیگر دوستان و متحدان امپریالیسم انتظار ندارد. این سؤالی است که کارگران و زحمتکشان میهن ما از مسئولین دولت جمهوری اسلامی می‌کنند. ضرورت انقلاب پاسخی مسئولانه و انقلابی را اقتضا می‌کند، تا پاسخ مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران چه باشد؟

طول جنگ، دیناری حقوق دریافت نکرده‌اند و اگر هم در چند واحد تعطیل شده حقوقی دریافت کرده‌اند پس از چندماه عقب‌افتادگی و دیرکرد و آن هم تنها بخشی از حقوق و دستمزد ناچیز کارگران را شامل شده است. در برابر همه اینها، کارگران با وجود تحمل مصائب جنگ منطق انقلابی ناشی از درک وظایف میهنی و طبقاتی‌شان را (در شرایط کنونی جامعه) با متانت انقلابی و توسل به اشکال مسالمت‌آمیز مبارزاتی از قبیل اعتراضات کتبی، مداراگرانه از طریق نمایندگان‌شان با مسئولین و مقامات دولتی، و ... نشان داده و همواره کوشیده‌اند تا از تعطیل کار و اخراج جلوگیری نمایند. اگرچه جنگ دلیل عمده تعطیل واحدها و بیکاری روزافزون کارگران در خورستان است، اما سیاست تعطیل واحدها متوقف کردن پروژه‌ها در مناطقی که از جنبه دورند و همچنین واحدهای دیگری که در کنار آنها کماکان بکار مشغولند، تنها از عدم توجه به شرایط عینی جامعه و عدم درک ضرورت تداوم و افزایش تولید و تکمیل طرح‌های صنعتی و عمرانی و ضرورت بسیج کارگران در این رابطه سرچشمه می‌گیرد. دلایل اینگونه اقدامات بیشتر به بهانه می‌ماند تا به دلیل منطقی. کمبود بودجه دولت و جلوگیری از هدر رفتن بیت‌المال، رسیدگی به قراردادهای و مسائل فنی نبود وسایل و مواد اولیه و ضرر دادن واحدها از آن جمله است. مسئولین جمهوری اسلامی باید این مسئله را درک کنند که جلوگیری از به هدر رفتن اموال زحمتکشان، حل مشکلات فنی و تدارک وسایل و تبدیل ضرر واحدها به سود نه از طریق تعطیل واحدها و اخراج کارگران،

فارسیت، ذوب شماره ۱ فولاد، نورد کاویان خانه سازی کرین بلاک، شیمیایی رازی، پتروشیمی ایران و ژاپن و پیمانکاری‌های وابسته انستیتو دورینگ و شرکت‌های وابسته، ایران ترمینال، پایساز، سینتا، کاترپیلا و تا حدودی شرکت‌های ساختمانی، نیروگاه‌های رامین و زرگان و ... در اثر جنگ تعطیل شده‌اند. اما گناه تعطیل چند پروژه صنعت نفت انحلال کشت و صنعت دزفول، توقف طرح قند دزفول، طرح تعطیل سیمان بهبهان، توقف چند شرکت بزرگ ساختمانی و بالاتر از همه تعطیل مجتمع عظیم فولاد اهواز را دقیقاً ناشی از بی‌برنامگی دولت، عدم توجه مسئولانه به بحران بیکاری و کاهش تولید و ندانم‌کاری‌های دولت و گوش سپردن به توصیه‌های مسئولان و مدیران لبرال از قبیل دکتر احمدزاده (سرپرست شرکت ملی فولاد ایران) و ... باید دانست اخراج‌های وسیع کارگران نه تنها در رابطه با تعطیل واحدها، بلکه به بهانه‌های واهی و ضدکارگری نیز صورت گرفته است. در بسیاری از واحدها و طرح‌ها به بهانه اضافه بودن تعداد کارگران کمبود بودجه، استخدام شدن در بعد از انقلاب (که بسیاری از افراد انقلابی و اخراجی‌های زمان شاه، آزاد شدگان از زندان‌های رژیم شاه و ... را شامل می‌شود) رن بودن! (در شهرداری اهواز و مخابرات ماهشهر همه کارکنان زن را اخراج کرده‌اند و به جای آنها مرد استخدام کرده‌اند) و ... کارگران و کارمندان جزء و زحمتکش را اخراج کرده‌اند. از اینها گذشته کارگران صدها موسسه و واحد کوچک و متوسط که در اثر جنگ تعطیل شده در عین تحمل آوارگی جنگ، در

زمین‌دار بزرگ منطقه زاغمرز مغلوب اتحاد زحمتکشان روستا شد

بهشهر، روستای زاغمرز: به‌دنبال اجرای طرح کذائی اصلاحات ارضی شاه خائن، عین‌الله رحمتیان یکی از زمینداران بزرگ منطقه زاغمرز بهشهر که زمین‌هایش عمدتاً تحت کشت مکانیزه بود، توانست با کمک عوامل و دوستان خود در ادارات دولتی و با حمایت پاسگاه ژاندارمری حدود ۲۵ هکتار از زمین‌های زیر کشت دهقانان زحمتکش روستای بیشه‌سر از منطقه "شاه‌آباد" را غصب کرده و بلافاصله آن را با زمین یکی از دهقانان مرفه زاغمرزی به نام داریوش رحمتیان تعویض نماید. بعد از قیام و به دنبال حرکات اعتراضی دهقانان در مناطق مختلف علیه زمینداران بزرگ، روستائیان بیشه‌سر نیز به هنگام کشت بهار ۵۸۰ اراضی غصب‌شده فوق را به تصرف خود درآوردند. اما عین‌الله رحمتیان با استفاده از نفوذ خود و سازشکاری دولت موقت اقدام به گرفتن حکمی از دادگستری مبنی بر تخلیه زمین‌ها به وسیله روستائیان نموده و با کمک ایادی خویش دهقانان را از زمین‌ها بیرون می‌کند و تنها بر اثر اعتراض و پافشاری آنها ۸ هکتار از زمین‌های فوق را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در فروردین ماه گذشته

زحمتکشان روستا بار دیگر مبارزه خود را علیه زمیندار مذکور گسترش داده و علاوه بر ۲۵ هکتار زمین‌های خود، باغ میوه او را نیز به تصرف درآوردند. به دنبال این حرکت، شکایتی از طرف عین‌الله رحمتیان و داریوش رحمتیان علیه روستائیان بیشه‌سر تسلیم دادگاه انقلاب ساری شد که دادگاه نیز حکم بازداشت حدود ۶۵ نفر از دهقانان بیشه‌سر را صادر نموده و پس از گرفتن تعهد از آنان مبنی بر این که تا رسیدگی نهائی به این مسئله هیچکدام از طرفین حق کشت زمین را ندارند، آزادشان نمود.

به دنبال این جریان نمایندگان هیئت ۷ نفره جهت رسیدگی به مسائل مورد اختلاف به منطقه آمده و سرانجام قرار شد تا زمان اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی حدود ۶۰ هکتار از زمین‌های عین‌الله رحمتیان، منوچهر رحمتیان (پسر عین‌الله رحمتیان) و داریوش رحمتیان در اختیار روستائیان بیشه‌سر قرار گرفته و توسط آنان به زیر کشت رود و بدین ترتیب اتحاد و مبارزه زحمتکشان روستای بیشه‌سر عامل پیروزی آنان در زمین‌داران بزرگ و دستیابی به حقوقشان گردید.

آقای باهنر

وزیر آموزش و پرورش می‌گوید:

"مگر می‌توان افکار معصوم بچه‌ها را در اختیار هر نوع طرز تفکری گذاشت ... ؟"

(روزنامه اطلاعات ۹ خرداد ۱۳۶۰)

اما اصل ۲۳ قانون اساسی می‌گوید:

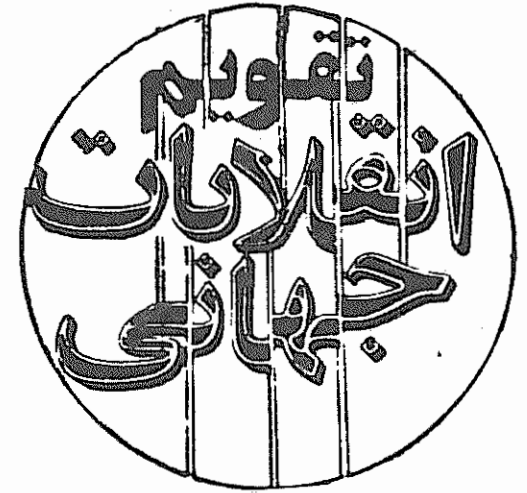
"تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد"

آقای باهنر هیچ اندیشیده‌اند که اگر مسئولین امر به این اصل از قانون اساسی گردن می‌نهند. امروز هزاران معلم زحمتکش و متعهد به مردم و انقلاب که به ناحق پاکسازی شده‌اند بر سر کار بودند و با معیار قرار دادن عملکرد افراد چه بسا که هواداران و مهره‌های فعال رژیم گذشته از محیط آموزش و پرورش به حق پاکسازی می‌شدند؟

مواد ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی
(حقوق شورائی و سندیکائی کارگران)
باید در قانون کار جدید تصریح شود

بمناسبت اول تیرماه سالروز تأسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن

جمهوری دمکراتیک خلق یمن در راه موفقیت های روزافزون



در رابطه با صنایع نیز ، باید گفت که قبل از انقلاب در وضع اسفناکی قرار داشت . کارگران تنها ۴/۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دادند و کمتر از ۵ درصد کل تولید کشور از صنایع بدست می آمد . کارگاه های کوچک بخش غالب صنعت را تشکیل می داد و بزرگترین مرکز صنعتی یعنی پالایشگاه نفت به کمپانی بریتیش پترولیوم تعلق داشت . جمهوری یمن در این زمینه با مشکلات فراوانی روبرو بود به زودی با بسته شدن کانال سوئز و کاهش رفت و آمد کشتی ها به بندر عدن . علاوه بر پائین بودن سطح تکنیک کمبود نیروی متخصص و نداشتن بودجه لازم برای انجام طرح های صنعتی ، بیکاری گسترده نیز بر مشکلات یمن افزوده شد . رهبران یمن برای حل این مسائل به سرعت دست به کار شدند . چند ماه پس از به قدرت رسیدن هواداران سوسیالیسم علمی با قانون ملی کردن در نوامبر ۱۹۶۹ تمام صنایع بزرگ و بخش مهمی از صنایع متوسط از چنگ سرمایه داران خارج شد . بازرگانی ، بانک ها و شرکت های بیمه نیز ملی اعلام شدند . سرانجام با ملی کردن پالایشگاه نفت عدن ، بیش از ۹۰ درصد صنایع در اختیار دولت قرار گرفت . هدف از این اقدامات آن بود که با گسترش بخش دولتی و رشد صنعت ، پایه های مادی و تکنیکی گذار به سوسیالیسم فراهم شود ، رشد کمی طبقه کارگر و تمرکز آن صورت پذیرد و روابط اجتماعی نوین بوجود آید . جمهوری دمکراتیک خلق یمن برای صنعتی کردن کشور از همکاری بی دریغ کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده است با دریافت قرض و اعتبار با بهره کم از کشورهای سوسیالیستی ، یمن دمکراتیک حدود ۸۰ درصد پول مورد نیاز برای انجام طرح های صنعتی را بدست آورد . کادر فنی و متخصص نیز هم از طریق تحصیل دانشجویان یمنی در دانشگاه ها و مراکز عالی کشورهای سوسیالیستی و هم از طریق مراکز آموزش حرفه و فن که با کمک کارشناسان شوروی در چند نقطه کشور ساخته شده است صورت می گیرد . وسایل و ماشین آلات لازم برای گسترش صنایع ، از اتحاد شوروی وارد می شود و موسسات صنعتی مدرنی به کمک این کشور در یمن دمکراتیک تأسیس می گردد .

در نتیجه این اقدامات ، بخش صنعت از رشد چشمگیری برخوردار است . طبق برنامه پنجساله دوم پیش بینی شده است که سهم این بخش در تولید ناخالص ملی از ۵۹/۵ میلیون دینار در سال ۱۹۸۰ به ۱۰۷/۴ میلیون دینار در سال ۱۹۸۵ افزایش یابد که رشد سالانه آن بیشتر از ۱۳ درصد خواهد بود . برای درک رشد سریع بخش صنعت کافی است بار دیگر بر این نکته تاکید کنیم که قبل از انقلاب کمتر از ۵ درصد کل تولید کشور از صنایع بدست می آمد ، اما هم اکنون بخش صنعت بیش از ۲۲ درصد ناخالص ملی را تشکیل می دهد و پس از اتمام بقیه در صفحه ۲۶

از مهمترین این اقدامات ترقی خواهانه باید به اصلاحات ارضی و پیشرفت کشاورزی اشاره کرد . اهمیت این مسئله وقتی آشکار می شود که توجه کنیم در زمان انقلاب جامعه یمن در مرحله گذار از فئودالیسم به اشکال تولیدی دوران طلوع سرمایه داری قرار داشت و دهقانان نیروی عمده جامعه را تشکیل می دادند . در روستاها نظام خرده مالکی غالب بود و تولید کشاورزی در آنچنان سطح پائینی قرار داشت که دهقانان حتی قادر به تأمین خوراک و پوشاک خانواده خود هم نبودند . مالکیت جمعی قبایل بر زمین نیز کمابیش به چشم می خورد .

اما بر اساس قانون اصلاحات ارضی که در نوامبر ۱۹۷۰ به تصویب رسید ، کشاورزان ، زمین سلطان ها ، شیوخ و امرا را مصادره کردند . این زمین ها که بالغ بر ۵۷ هزار هکتار بود ، می توانست ۳۰ هزار خانواده کشاورز را تغذیه نماید . با این همه ، این رقم چیزی در حدود ۱۵ درصد جمعیتی را که در بخش کشاورزی به فعالیت مشغولند ، تشکیل می دهد . اصولاً در یمن دمکراتیک به خاطر نبودن شرایط مساعد طبیعی برای کشت و زرع و عدم کفایت شبکه های آبیاری ، مجموعاً قریب ۸۴ هزار هکتار زمین به کشت گندم و ذرت و پنبه و صیفی جات و پرورش نخل اختصاص دارد . در نتیجه به سادگی معلوم می شود که تنها با تقسیم زمین ها نمی توان مسئله کشاورزی را حل نمود .

برای رفع این مشکلات گسترش شبکه آبیاری و مکانیزه کردن هرچه بیشتر کشاورزی ، ضرورت مبرم دارد . در این جهت طبق موافقت نامه ای یمن دمکراتیک در کار احداث سد های آبگیر ، چاه آرتزین و ترعه های بزرگ آبیاری ، کمک های اقتصادی و فنی فراوانی از اتحاد شوروی دریافت می کند و در سال های اخیر ، آبیاری ۲۳ هزار هکتار زمین برنامه ریزی شده است .

از سوی دیگر با تراکتورها و ماشین آلات کشاورزی که از اتحاد شوروی وارد می شود مکانیزه کردن کشاورزی و ایجاد شرایط لازم برای گسترش تعاونی ها و واحدهای دولتی تحقق می پذیرد . به این ترتیب ، تولید صنعتی در بخش کشاورزی در فاصله سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ ، ۳۰ درصد افزایش یافته است .

تعاونی ها نیز در یمن علاوه بر آنکه کشاورزی را در راه غیر سرمایه داری به پیش می برد ، میزان تولید محصول رانیز نسبت به زمین دهقانان منفرد ، ۲ تا ۳ برابر افزایش می دهد . در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد محصولات کشاورزی از زمین های دولتی و تعاونی بدست می آید .

طبق برنامه پنجساله دوم ، سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی از ۳۱ میلیون دینار در ۱۹۸۰ ، به ۴۷/۲ میلیون دینار در ۱۹۸۵ خواهد رسید که رشد سالانه ای در حدود ۸/۷ درصد را نشان می دهد . با این همه سایر بخش ها بخصوص بخش صنعت رشدی بالاتر از بخش کشاورزی دارند .

اول تیرماه ۱۳۴۸ (۲۲ ژوئن ۱۹۶۰) سرآغاز تحول بزرگی در جمهوری دمکراتیک خلق یمن بود که شکست جناح رفرمیست و ناکام ماندن توطئه های آن را به همراه داشت در طول دو سالی که از پیروزی انقلاب و بیرون راندن چپا و لگران انگلیسی از خاک یمن جنوبی می گذشت انقلاب به پیش می رفت و با تعمیق خود ، جناح سازشکار حاکم را که با تکیه بر نیروهای ارتجاعی بخصوص در ارتش ، دائماً می کوشید طوفان انقلاب را تا سرحد نسیم ملایمی محدود کند ، هر روز بیشتر افشا می نمود .

یک بار پس از تصویب برنامه جناح چپ که اکثریت رهبری جبهه را در دست داشتند در همان روزهایی که قانون مصادره دارایی امرا و سایر فئودال ها به تصویب می رسید سازشکاران حاکم ، رهبران جناح چپ را بازداشت کرده بودند اکنون بار دیگر جناح راست توطئه ای برای تصفیه جناح انقلابی به اجرا می گذاشت اما این بار به دنبال یک مبارزه حاد سیاسی در ۲۲ ژوئن قدرت به دمکرات های انقلابی انتقال یافت .

با تصویب نخستین قانون اساسی جمهوری ایدئولوژی رسمی جبهه سوسیالیسم علمی اعلام و بدین سان مارکسیسم - لنینیسم راهنمای رهبری و برنامه ریزی جامعه قرار گرفت و سمت گیری به سوی سوسیالیسم آغاز گردید .

با تشکیل کنگره وحدت در اکتبر ۱۹۷۵ ، گام بزرگی در این پروسه برداشته شد و سه جریان سیاسی مترقی یمن در یک جریان واحد به نام " سازمان سیاسی متحد جبهه ملی " متشکل شدند و سه سال بعد این سازمان به " حزب سوسیالیست یمن " تبدیل شد که بیش از یک چهارم از ۲۵۷۰۰ عضو و نماینده عضویت آن را کارگران و کشاورزان تشکیل می دادند و تعداد کارگران بر کشاورزان فزونی داشت .

" علی ناصر محمد " ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن که از آوریل ۱۹۸۰ به سمت صدر هیئت رئیسه شورای عالی خلق برگزیده شده است ، در این باره می گوید :

" حزب سوسیالیست یمن به عنوان پیشاهنگ مبارزه خلق ما و وارث برحق فتوحات سترگ پیکارجویانه جنبش آزادیبخش ملی ، خرد ، شرف و وجدان خلق ما ، الهام بخش همه موفقیت ها و پیروزی های ما است . "

در روند تشکیل حزب پیشاهنگ ، تا به حال بیش از ۵ هزار دانشجویان از " آموزشگاه عالی سوسیالیسم علمی " در یمن دمکراتیک فارغ التحصیل شده اند . همچنین آثار مارکسیستی - لنینیستی وسیعاً در سطح کشور انتشار می یابد . با استفاده از این آموزش ها و نیز با اندوختن تجارب حاصل از به کارگیری سوسیالیسم علمی در عمل ، و انجام اصلاحات و اقدامات مترقی به نفع زحمتکشان ، کادرهای دولتی و حزبی پرورش می یابند .



دیدار رئیس جمهور الجزایر از اتحاد شوروی

مذاکرات میان شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر و رهبران اتحاد شوروی در مسکو پایان یافت. رهبران دو کشور در طی دیدارهای خود در رابطه با اوضاع کنونی جهان من جمله اوضاع خاورمیانه و نزدیک و همچنین مسائل مورد علاقه دو کشور بحث و تبادل نظر کردند.

در اعلامیه مشترکی که به مناسبت پایان دیدار رئیس جمهور الجزایر از اتحاد شوروی انتشار یافت، دو کشور تجاوزات صهیونیستی بر ضد لبنان و حمله اسرائیل به لبنان را جدا تقبیح و محکوم ساخته و وفاداریشان را به آرمان صلح استوار و خلع سلاح همگانی ابراز داشتند.

همچنین الجزایر پشتیبانی خود را از مساعی اتحاد شوروی برای حل بحران خاورمیانه اعلام داشت. همکاری اتحاد شوروی و الجزایر در زمینه‌های مختلف بسیار گسترده می‌باشد و در حال حاضر با همکاری اتحاد شوروی بیش از ۱۰۰ واحد صنعتی که برای رشد اقتصاد ملی الجزایر بسیار ضروری است، ساخته می‌شود.

افغانستان در تدارک کنگره جبهه ملی - میهنی

در افغانستان اعلام شد که بهزودی کنگره موسسان جبهه ملی میهنی افغانستان تشکیل خواهد شد. پیشنهاد تشکیل این "جبهه" در اواخر سال گذشته از جانب نیروهای ملی و میهن پرست افغانی طرح گردید و مورد استقبال اقشار مختلف مردم واقع شد.

در حال حاضر در سراسر افغانستان اجتماعاتی برگزار می‌شود که در آنها مسائل مربوط به فعالیت آینده "جبهه" مورد بررسی قرار می‌گیرد. به همین مناسبت اخیرا جلسه‌ای در کابل تشکیل گردید که در آن مسئله نمایندگی قبائل افغانستان در جبهه ملی میهنی مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه که با شرکت بیش از ۱۷۰۰ نفر از ریش سفیدان قبائل پشتو و دیگر ملیت‌ها مانند ازبک‌ها، تاجیک‌ها و ترکمن‌ها و همچنین روحانیون افغانی تشکیل یافته بود، شرکت کنندگان در جلسه آمادگی خود را برای شرکت در این "جبهه" بار دیگر اعلام داشتند.

مردم افغانستان بر این اعتقادند که تاسیس "جبهه ملی میهنی" موجب تشدید مبارزه در راه مو میراث‌های شوم گذشته خواهد بود و وحدت تمام نیروهای دمکراتیک و ملی را تحکیم خواهد بخشید.

۵ سال پس از سووتو

هرساله هنگامی که ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) فرا می‌رسد، زحمتکشان سووتو و افریقای جنوبی به همراه تمامی بشریت آگاه یاد قیام سه‌ماهه سووتو را که رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی را به لرزه انداخت، گرامی می‌دارند.

در روز ۱۶ ژوئن سال ۱۹۷۶ پلیس فاشیست افریقای جنوبی سینه‌های پاک کودکان دانش‌آموزی را که در شهرک سووتو در نزدیکی ژوهانسبورگ مبادرت به تظاهرات آرامی کرده بودند، نشانه گرفت و دهها تن از آنان را به خاک افکند. پس از آن سووتو سه ماه تمام ناآرام بود. در آتش و



خون سوخت و در اعتصاب و تظاهرات به سر برد در سالهای اخیر مبارزات مردم افریقای جنوبی اوج به سابقه‌ای یافته است. بدین لحاظ

اخبار کوتاه

- * براساس موافقتنامه‌ای که میان امریکا و مصر به امضاء رسید، امریکا دو نیروگاه هسته‌ای در اختیار مصر قرار خواهد داد.
- * هیئتی از نمایندگان سوریه به ریاست رئیس مجلس این کشور وارد اتحاد شوروی شد. رئیس مجلس سوریه منظور از این سفر را گسترش همکاری دو کشور در مبارزه با امپریالیسم توصیف کرد.
- * ۲ تن از زندانیان مبارز ایرلند شمالی در انتخابات پارلمان این کشور پیروز شدند.
- * وزیر دفاع ترکیه اعلام کرد که کمک‌های نظامی امریکا به این کشور باز هم افزایش خواهد یافت.

برای ملی کردن...

نقشه از صفحه ۵

"تعاونی" در پیوند با مراکز تهیه و توزیع، دست‌پخت رضا صدر وزیر بازرگانی دولت لیبرال بازرگانی، توانسته‌اند طی سال گذشته همچون گذشته بر بازار داخلی قدرت انحصاری خود را اعمال کنند. قانون نظام صنفی باید در جهت اهداف سیاست ملی کردن واقعی تجارت خارجی تنظیم شود تا از نفوذ چنین "تعاونی"‌های این‌الوقت در شبکه توزیع کالا در بازار داخلی جلوگیری شود.

تأمین اعتبار برای تجارت خارجی

ملی کردن تجارت خارجی باید با ایجاد بانکی تخصصی که عهده‌دار انجام امور اعتباری و نقل و انتقالات ارزی شود، به همراه باشد. در حال حاضر انجام امور اعتباری تجارت خارجی در بانک‌های مختلف پراکنده است که این علاوه بر کاهش کارایی، امکان کنترل متمرکز بر جریان تجارت خارجی را فراهم نمی‌آورد. از این رو تاسیس بانک تجارت خارجی، که اختصاصا به وظایف فوق بپردازد امری ضروری است. از روی دیگر قراردادان بخشی از واردات در دست تعاونی‌هایی متشکل از خرده فروشان، صنعتگران و صنایع کوچک مستلزم ایجاد امکانات اعتباری برای این تعاونی‌ها است. اینک تجارت خارجی با تأمین اعتبار برای این تعاونی‌ها می‌تواند راه نفوذ سرمایه‌های بزرگ و انحصاری را به تعاونی‌های واردکننده کالا تا حدود قابل توجهی سد کند.

کنترل دولت

بر ابزارهای انجام تجارت خارجی

ملی کردن تجارت خارجی، و تنظیم مکانیسم‌های مناسب در توزیع داخلی مستلزم آن است که، علاوه بر به کارگرفتن امکانات بانکی در چهارچوب بانک تجارت خارجی، ابزارهای ضروری برای انجام تجارت خارجی توسط دولت نیز تحت کنترل مؤثر دولت

درآید.

امکانات حمل و نقل بین‌المللی ایران هم‌اکنون در اختیار دولت قرار دارد و شرکت‌های بیمه نیز دولتی شده‌اند. بنابراین در این زمینه‌ها تنها اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت رشد و افزایش این امکانات و بهره‌گیری کارآتر مطرح است. قراردادهای بین‌المللی با کشورهای سوسیالیستی و مترقی در جهت گسترش امکانات حمل و نقل بین‌المللی که تاکنون انجام شده است گامی مثبت در این زمینه است که باید با کوشش بسیار دنبال شود.

اما اقدامات ضروری و مهمی نیز باید در اقتصاد داخلی در این راه انجام پذیرد. شبکه حمل و نقل داخلی باید با استفاده از امکانات شرکت‌های بزرگ و وابسته حمل و نقل ملی شده و ایجاد تعاونی کامیون‌داران خرده پا تحت نظارت دولت قرار گیرد تا همراه با استفاده کارآ و مؤثر از امکانات موجود حمل و نقل بار، شراکت کار و امکانات رفاهی کامیون‌داران خرده پا و زحمتکشانی که در این رشته فعالیت دارند بهبود یابد.

انبهارها و سردخانه‌های کشور نیز باید در چهارچوب سیاستی که مبتنی بر ملی کردن انبارها و سردخانه‌های سرمایه‌داران وابسته، تمرکز این امکانات در سازمانی تحت نظارت وزارت بازرگانی، و نظارت دولت بر انبارها و سردخانه‌های خصوصی، در خدمت تجارت خارجی دولتی قرار گیرد. کنترل بر انبارها و سردخانه‌های بزرگ از جانب دولت امری ضروری در راه ملی کردن تجارت خارجی است و علاوه بر آن مانعی است در مقابل کوشش تجارت بزرگ وابسته برای احتکار کالاهای محصول داخلی و خارجی.

تجدید سازمان در ارگان‌های دولتی

وزارت بازرگانی و ادارات تابعه آن اساسا در جهت تأمین نیازهای سرمایه‌های بزرگ و وابسته در گذشته سازمان یافته است. ملی کردن تجارت خارجی باید با ایجاد تحولی اساسی در سازمان اداری وزارت بازرگانی و دیگر ارگان‌های دولتی که در امر تجارت خارجی سهیم‌اند، مانند اداره گمرکات، همراه باشد.

اخبار شهرستانها

تا "خان" و آمریکا هست بدبختی و بلا هم هست

ياسوج - به دنبال قتل ناجوانمردانه ۵ روستایی به وسیله "حبیب بهادر" خان مزدور کهکیلویه و بویراحمد، زحمتکشان منطقه به دعوت جهاد سازندگی دست به راهپیمایی زدند و خواهان دستگیری و مجازات خوانین و فتوادلها شدند. مردم شعار می دادند: ارباب، فتوادل در بدمت می کنیم کشاورز کشاورز حمایت می کنیم تا خان و آمریکا هست بدبختی و بلا هست و... ما ضمن پشتیبانی از خواستهای انقلابی زحمتکشان کهکیلویه و بویراحمد توجه مسئولان منطقه را به گزارشها و اخبار افشاگرانه‌ای که علیه توطئه‌های خوانین یاسوج در شماره‌های گذشته نشریه "کار" نوشته‌ایم، جلب می‌نمائیم. ضمناً بر اساس خبر رسیده هوشنگ بهادر و عده‌ای دیگر از مزدوران منطقه (که ما قبلاً اسامی آنها را در ستون "صدانقلاب" را افشاء کنیم، درج نموده بودیم) دستگیر شده‌اند.

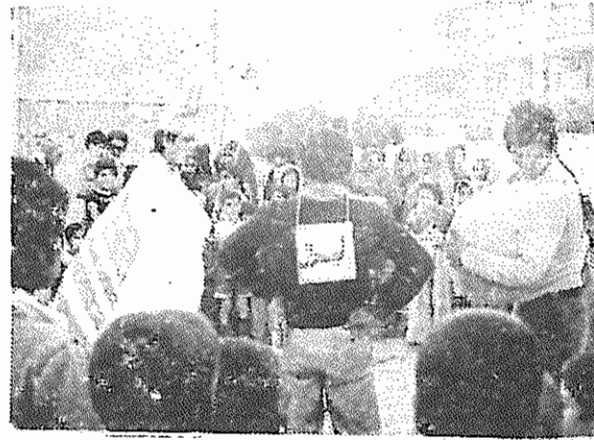
با گروگان‌گیری، وارد کردن اسلحه و ناامنی در جاده‌ها خوانین قشقایی

به جنگ انقلاب آمده‌اند

فیروزآباد - خوانین قشقایی که در حال اجرای توطئه‌های ضدانقلابی در منطقه فارس هستند، فرماندار فیروزآباد و ۱۸ تن از پاسداران و افراد بسیج را گروگان گرفتند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. فرماندار و همراهان او در تاریخ پنجم خرداد برای نابود کردن مزارع خشخاش خوانین به منطقه "مهکویه" در ۴۰ کیلومتری فیروزآباد می‌روند که محاصره و دستگیر می‌شوند. آنان سه روز در اسارت ناصرخان و سروخان قشقایی بودند. فرماندار فیروزآباد قبلاً به ژاندارمری دستور داده بود جلو حرکت کشت خشخاش را بگیرد، اما ژاندارمری منطقه که زیر نفوذ خوانین است از این دستور سرپیچی کرد و دست خوانین را برای شیره‌گیری از خشخاش‌ها باز گذاشت. تیبانی مسئولان ژاندارمری منطقه بسا خوانین بار دیگر ضرورت تصفیه این عناصر را تأیید کرد. گروگان‌گیری مسئولان دولتی و پاسداران نیز ضرورت مبارزه قطعی و جدی با خوانین مزدور و ضدانقلابی را نشان داد. اخباری که از منطقه می‌رسد حاکی از آن است که خوانین هم‌زمان با بروز اغتشاشات در بعضی از شهرها، سرگرم تدارک توطئه‌های جدیدی هستند در چند هفته گذشته مقادیری اسلحه و مهمات از کردستان و ارومیه، زیر پوشش کامیون‌های میوه و ارزاق عمومی به دست خوانین قشقایی رسیده است. همچنین ایجاد راهبندان در جاده‌ها و غارت اموال مسافری که یک نمونه آن در تاریخ هفتم خرداد ۶۰ در جاده شیراز - کازرون اتفاق افتاد و اموال مسافری ۷۰ اتوبوس و اتوموبیل به

غارت برده شد، حکایت از توطئه‌های خوانین برای ایجاد ناامنی و ایجاد اغتشاش می‌نماید. هم‌اینها نشان می‌دهد که خوانین مزدور دست در دست ضدانقلابیون در تلاش برای به نابودی کشاندن دستاوردهای انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. در چنین شرایط حساسی وحدت تمامی نیروهای انقلابی و درپیش گرفتن سیاست‌های انقلابی و اصولی از جانب مقامات اجرایی و نیروهای خط امام الزام آور و ضروری است.

اجرای نمایشنامه "سنگر انقلاب" در بلوکهای کارگری و کارمندی شیراز



هواداران سازمان در شیراز نمایشنامه "سنگر انقلاب" را در بلوک‌های کارگری و کارمندی به نمایش گذاشتند. در این نمایشنامه مردم انقلابی و به‌ویژه کارگران و دهقانان به مبارزه هر چه گسترده‌تر علیه امپریالیسم، سرمایه‌داران و فتوادلها فراخوانده می‌شدند. در پایان، حاضرین با شعارهای "مرگ بر آمریکا"، پیام نمایشنامه را با فریادهای پرشور به آگاهی مردم رساندند.

روستائیان مبارز "بدره‌ای" یاد شهید عبداله مرادی را گرامی داشتند



اسلام‌آباد - روستائیان مبارز روستای بدره‌ای از توابع اسلام‌آباد چندی پیش بر مزار فدایی شهید عبدالله مرادی حضور یافتند و با نثار گل بر مزار این شهید یاد او را گرامی داشتند. در این مراسم توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد -

مردمی صدام محکوم شد و مردم آمادگی خود را برای مقابله با این توطئه‌ها اعلام داشتند. رفیق عبدالله مرادی در ۳۱ شهریور سال گذشته در جریان بمباران شهر اسلام‌آباد به وسیله متجاوزین عراقی به شهادت رسید. در مراسم گرامیداشت این شهید هواداران سازمان و دانش‌آموزان پیشگام اسلام‌آباد پیام فرستادند. (لازم به توضیح است که این خبر که مدتی پیش به دست ما رسید با تاخیر چاپ می‌شود.)

اوباشان گروه شیت ۴۰۰ هکتار زمین را غصب کرده‌اند

کرمانشاه - عناصر وابسته به گروه جنایتکار شیت که به دلیل انجام اقدامات ضد مردمی چهره‌شان برای مردم مشخص شده است، سعی می‌کنند با دست زدن به اعمال خودسرانه و غیر قانونی، منافع خویش را حفظ کنند. آنها به روستاها و بسیج عشایری می‌روند تا شاید بتوانند جای بایی برای خود پیدا نمایند. چندی پیش عده‌ای از این افراد به روستای "نقطه" از توابع بخش خالصه اللهیارخانی رفتند و ۴۰۰ هکتار از اراضی دهقانان را غصب کردند. این اراضی قبلاً در تصاحب دکتر شجاع رئیس سابق بهداری کرمانشاهان بود و سپس در اختیار زحمتکشان روستایی قرار گرفت. به دنبال این اقدام رذیلانه عوامل گروه شیت، دهقانان دست به اعتراض زدند ولی عده‌ای به روستا آمدند و با به وجود آوردن محیط رعب و وحشت به روستائیان گفتند که شما باید از سیاوش، خلیل و صادق کرم (اعضای فعال گروه شیت) حمایت کنید! روستائیان از مقامات دولتی و مسئولان وزارت کشاورزی می‌خواهند که با تعقیب و مجازات عوامل آشوبگر گروه شیت اجازه ندهند که این اوباشان به منافع روستائیان زحمتکش دست‌درازی کنند و علیه انقلاب و دولت سم‌پاشی نمایند.

تلاش موفق کارگران در کسب حقوق

صنعی - رفاهی بر پایه مصالح انقلاب

بندر امام خمینی - کارگران شرکت شیمیایی رازی پس از دو ماه تلاش پیگیر برای کسب مطالبات خویش بر پایه حفظ مصالح انقلاب در شرایط حساس کنونی موفق به کسب بخشی از حقوق صنعتی - رفاهی خود شدند. عناصر لیبرال که در میان مسئولین شرکت رخنه کرده‌اند و نیز جریان‌های چپ‌رو سعی در به تشنج کشاندن محیط کار داشتند اما کارگران با اقدامات انقلابی و سنجیده مانع اجرای این توطئه شدند. کارگران شرکت شیمیایی رازی می‌گویند: شرایطی که آمریکا جهان‌خوار برای به زانو درآوردن مقاومت مردم ماسرگرم توطئه است و رزمندگان در جبهه‌ها سرسختانه مبارزه می‌کنند، بسیج همه نیروها برای افزایش تولید و بازدهی کار از هر زمان دیگری ضروری‌تر است. کارگران ضمن دفاع از منافع صنعتی خویش، وظیفه دارند پشت جبهه را با تمام نیرو تقویت کنند و به دشمنان انقلاب فرصت بهره‌برداری از شرایط موجود را ندهند.

توضیح و تصحیح

در کار شماره ۱۱۱ به اجرای نمایشنامه به وسیله گروه پیوند در دو محله قائم‌شهر به نام "گونی‌یافی" و "ترکه‌محله" اشاره شده بود. نام این دو محله اشتباه چاپ شده بود که بدین وسیله تصحیح می‌شود.

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

نان را گران نکنید

مالیات بر سرمایه داران را افزایش دهید!

شاخه‌خراسان سازمان خطاب به همشهریان مبارز اعلامیه‌ای منتشر کرده که در آن ضمن اشاره به افزایش نرخ نان و علت گرانی آن چنین نوشته است: "... طی یکسال گذشته تجار و بازرگانان، متجاوز از ۱۰۰ میلیارد تومان سود برده‌اند. در همین سال سرمایه‌داران دیگر نیز سودهای هنگفتی به چنگ آورده‌اند. آیا بهتر نیست دولت با اجرای قانون ملی کردن تجارت خارجی هم جلوی سودجویی تجار بزرگ و محترکان را بگیرد و هم منابع جدیدی برای افزایش درآمد خود پیدا نماید؟ افزایش قیمت نان بدون تردید مشکل دیگری بر مشکلات بی‌شمار زحمتکشان شهرها می‌افزاید. در این میان صاحبان نانوائی‌ها نیز باید موقعیت کنونی کشور و وضعیت زحمتکشان را درک کنند، آنها باید به سود معقول و منصفانه راضی شوند."

ضد انقلاب به تروریسم متوسل شده است

هواداران سازمان در استان ساحلی در رابطه با حوادث اخیر و ترور دو تن از پاسداران این شهر اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند. در بخشی از اعلامیه آمده است: "... علی‌رغم تمرکز توطئه‌های ضدانقلاب در این منطقه، متأسفانه نهادها و مقامات جمهوری اسلامی تاکنون توجه کافی و مسئولانه به نقشه‌های ضدانقلاب ننموده و حتی با اقدامات غیرمسئولانه خود عملاً بستر مناسبی برای عملکردهای ضدانقلاب فراهم ساخته‌اند. نهادهای انقلابی باید با عناصر قانون شکن غیرمسئول و مشکوک که هنوز درون این نهادها دارای نفوذ زیادی هستند، برخورد انقلابی کرده و آنها را از صفوف خویش طرد نمایند."

اجرای بند ج و د اصلاحات ارضی

خواست دهقانان است

در بخشی از اعلامیه‌ای که شاخه آذربایجان سازمان منتشر کرده، چنین آمده است: "... ما باردیگر تاکید می‌کنیم که تنها زمانی می‌توان به وضعیت نابسامان روستائیان خاتمه داد تنها زمانی می‌توان در جهت افزایش محصول کشاورزی و خودکفائی قدم برداشت که با اقدامات انقلابی روابط ظالمانه حاکم بر روستاها را درهم شکست. باید بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی اجرا شده و دست زمینداران بزرگ و فئودالها این دوستان آمریکا از زندگی روستائیان زحمتکش کوتاه شود."

با تحکیم و تقویت شوراها

در تداوم و تعمیق انقلاب بکوشیم

هواداران سازمان در کارخانه ذوب آهن اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کرده‌اند. در این اعلامیه خطاب به کارگران و زحمتکشان ذوب آهن آمده است: "... در آستانه انتخابات جدید شورا مدیران لیبرال، عناصر قشری و انحسارطلب مذبحخانه تلاش می‌کنند تا شورای موجود را که در

از میان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

همچون موج‌های خروشان دریا که زیر دست ما صیادان مهار می‌شود سرمایه‌داری را نابود خواهیم کرد

با سلام و درود به همه رزمندگان! من یک کارگر صیاد هوادار سازمان فدائیان خلق هستم. ۳۲۰ سال دارم و صاحب سه دختر و یک پسر می‌باشم. ۲۰ سال است که در میان گل و لای برای اربابان مفتخور کار می‌کنم. در یک خانواده فقیر در یکی از توابع بندر ترکمن به دنیا آمدم. حدود ۱۰ سال داشتم که پدرم بر اثر بیماری فوت کرد و مادرم نیز پس از چند سال بر اثر فشار زندگی از دنیا رفت. من هم مجبور شدم برای تأمین خانواده‌ام مدرسه را رها کنم و با دریافت ماهانه ۱۰۰ تومان برای اربابی آشپزی کنم.

روزها می‌گذشت و من با وجود سن کمی که داشتم روز و شب کار می‌کردم تا بتوانم خانواده بی‌سرپرستم را اداره کنم و با این امید که زندگی‌مان درست خواهد شد، خودم را دلخوش می‌کردم. اوایل خیال می‌کردم این مزدی که می‌گیرم، مزد واقعی من است و هیچ چاره‌ای نیست جز اینکه با آن بسازم و برده‌وار برای ارباب کار کنم. ولی هرچقدر که می‌گذشت و من بیشتر با ماهیت ارباب آشنا می‌شدم و می‌دیدم که ارباب‌ها ما را چگونه تحت سخت‌ترین شرایط به کار و می‌دارند و خودشان بی‌خیال و راحت در ماشین‌های لوکس سوار می‌شوند و به خانه‌های مجلل خود می‌روند، کینه و نفرتم به آنها زیادتر می‌شد.

وقتی می‌دیدم که من در حالیکه شب و روز کار می‌کنم نمی‌توانم خرج زندگی‌ام را تأمین کنم و چه بسا روزهایی که گرسنه و بدون قطعه‌ای نان به خواب می‌رفتم با خودم می‌گفتم چرا باید این قدر بین ما و اربابان فاصله باشد؟ چرا ما نمی‌توانیم مثل ارباب‌ها گوشت و میوه برای فرزندانمان

کلیت حرکت خود توانسته است. گام‌های جدی در جهت تأمین حقوق کارگران و زحمتکشان و پیشرفت تولید و تعمیق انقلاب بردارد، تضعیف نموده و از انتخابات جدید شورا جلوگیری کنند.

وظیفه هر کارگر و زحمتکش انقلابی است که با پشتیبانی از شورای موجود و انتخابات نمایندگان آگاه و مبارز تیمی تلاش‌های ضدانقلابی را خنثی و انقلاب را تداوم بخشیده و از دستاوردهای انقلاب دفاع کند.

سرکوب خوانین و کدخدایان

توطئه‌گر بویرا احمد خواست زحمتکشان است

هواداران سازمان در بویرا احمد اعلامیه‌ای با عنوان "سرکوب قاطع خوانین و کدخدایان توطئه‌گر بویرا احمد و اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی خواست زحمتکشان و ضرورت مبرم انقلاب است" منتشر کردند. در این اعلامیه ضمن اشاره به دامنه توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب داخلی و سازشکاران لیبرال علیه انقلاب ایران، فعالیت ضدانقلابی خوانین و عناصر سرسپرده آنها را در منطقه افشاء کردند.

بخیریم؟ چرا باید این ارباب‌ها در حالیکه کار نمی‌کنند این همه پول داشته باشند و چرا باید هرچه فقر و گرسنگی است برای ما زحمتکشان باشد؟

به خودم فشار می‌آوردم تا مسبب اصلی این بدبختی‌ها را پیدا کنم و راه چاره‌ای بیابم. تا اینکه روزهای انقلاب فرا رسید و من مانند همه زحمتکشان میهنم علیه ظلم و ستم بلند شدم و با مشت‌های گره‌شده‌ام شعار "مرگ پر شاه" "مرگ بر سرمایه‌دار" و "مرگ بر آمریکا" را فریاد زدم. پس از پیروزی انقلاب با هواداران سازمان آشنا شدم و طی صحبت‌هایی که رفقای هوادار برایم می‌کردند، فهمیدم که تمام مشکلات و بدبختی‌های ما زیر سر سرمایه‌داران و اربابان است و به این نتیجه رسیدم که تنها اتحاد ما زحمتکشان است که می‌تواند سرمایه‌داری را نابود کند.

در پایان چند کلمه نیز می‌خواستم برای همکاران صیادم بنویسم: ما تازه اول کارمان است در سالهای بعد آگاهی ما بیشتر خواهد شد و با رهنمودهای سازمان بیشتر می‌توانیم با حقه‌های اربابان آشنا شویم.

ما با تجربه‌تر خواهیم شد و اگر اتحادمان را بیشتر کنیم و صفوفمان را فشرده‌تر کنیم، خواهیم توانست ارباب‌ها را از دریا بیرون کنیم. سرتاسر دریاها متعلق به زحمتکشان است! است بایداربای‌هایی را که به زور خود را صاحب دریا می‌دانند، مانند موج‌های خروشان دریا که زیر دست ما صیادان مهار می‌شود، نابود کنیم. تنها با اتحاد همگی زحمتکشان موفق خواهیم شد.

با درود

کارگر صیاد - بندر ترکمن

ضد انقلاب را افشاء کنیم

(۱۰)

همکاری نزدیک گروهک مائوئیستی شعله

و گروهک آمریکائی رنجبران

۲۵ - گروهک مائوئیستی شعله که در افغانستان فعالیت می‌کند و رابطه نزدیکی با گروهک آمریکائی رنجبران دارد همراه با گروهی از قاچاقچیان و ضدانقلابیون افغانی در جبهه نیمروز واقع در ولایت چخانسوز که هم مرز با ایران است. به اقدامات ضدانقلابی خود افزوده است.

در این جبهه ضدانقلاب علاوه بر ۱۵۰ نفر از مزدوران گروهک مائوئیستی شعله، حزب مرتجع "مولوی نبی" نیز همکاری می‌کند. این حزب تسهیلات زیادی در اختیار این ضدانقلابیون گذاشته و کارت شناسائی به آنان داده است!

از جمله افرادی که در حزب آمریکائی "مولوی نبی" مشغول توطئه هستند می‌توان "محمدخان گرگیچ" (وکیل چند دوره در مجلس ظاهرشاه)، "نبی گرگیچ"، "ستار گرگیچ" فرزند دوست محمدخان و "حسین گرگیچ" را نام برد. ستار و حسین گرگیچ اخیراً در درگیری که پس از حمله به پاسگاه "چهاربرجک" از بخشهای ولایت چخانسوز بین آنها و قوای دولتی افغانستان رخ داد، کشته شدند.

همچنین مدتی قبل تعدادی سلاح توسط دولت پاکستان برای این اشرار فرستاده شده بود که هنگام تقسیم اموال میان گروهک مائوئیستی و "ملک عبدالرحمن" و "حاجی علیم گرگیچ" اختلاف و درگیری سختی بوجود آمد.

امپریالیسم ژاپن متحد اصلی امریکا در قاره آسیا (قسمت آخر)

سیاست خارجی امپریالیسم ژاپن

اصل اساسی سیاست خارجی ژاپن بر طبق اظهار مقامات این کشور عبارت است از "دیپلماسی روابط چند جانبه" که مستلزم مناسبات عادی با تمام کشورهای جهان می باشد. اما حقیقت امر آن است که سیاست خارجی امپریالیسم ژاپن وسیع تر است و نزدیکترین پیوندها را با امپریالیسم آمریکا دارد. بر اساس "پیمان امنیت ژاپن" که در سال ۱۹۶۰ انعقاد یافت و در سال ۱۹۷۰ بار دیگر تمدید شد، همکاری های نظامی، سیاسی و اقتصادی ژاپن با امپریالیسم آمریکا بطور همه جانبه گسترش یافت و حضور نظامی آمریکا در این کشور رسماً شکل قانونی به خود گرفت. هدف اصلی این پیمان نظامی - سیاسی که با منافع طبقاتی صاحبان انحصارات بزرگ دو کشور انطباق دارد قبل از هر چیز تامین تداوم سلطه امپریالیسم جهانی در قاره آسیا می باشد. بر طبق مفاد این پیمان بیش از ۱۰۰ پایگاه نظامی آمریکا در ژاپن استقرار یافته است که این پایگاه ها از مراکز عمده تشنج آفرینی در این بخش جهان به شمار می روند. امپریالیسم ژاپن اکنون نقش شریک عمده امپریالیسم آمریکا در قاره آسیا را ایفا می نماید.

از اوائل دهه هفتاد، امپریالیسم ژاپن بطور روز - افزون در طرح های استراتژیک آمریکا شرکت جسته و در سال های اخیر تعهدات امپریالیستی بیشتری را در آسیا به دوش گرفته است. گسترش همکاری های نظامی و احیای ارتش ژاپنی با تسلیحات مدرن امریکایی بخشی از این برنامه ها را نشان می دهد. در سال ۱۹۶۹ بر اساس موافقت - نامه ای که بین نیکسون و نخست وزیر ژاپن، به امضاء رسید جزیره اوکیناوا که در جنگ دوم جهانی به اشغال آمریکا درآمده بود، به ژاپن

واگذار شد. اما از ۱۴۵ پایگاه نظامی آمریکا در این جزیره فقط ۱۲ پایگاه به نیروهای ژاپنی سپرده شد و ۳۴ پایگاه تخلیه گردید در حالی که کماکان بیش از ۸۸ پایگاه نظامی این جزیره در اختیار نیروی نظامی آمریکا قرار دارد. امپریالیسم آمریکا از طریق این پایگاه ها با تجهیزات جنگی فوق العاده خود که سلاح های اتمی را نیز دربر می گیرد، سلطه خود را در منطقه خاور دور تامین می نماید.

وزیر دفاع آمریکا در اکتبر سال پیش اظهار داشت که آمریکا می گوید ژاپن را به فعالیت های وسیع تر نظامی در آسیای جنوب شرقی وادار سازد. نخست وزیر ژاپن نیز اخیراً پس از دیدار با ریگان گفته است:

ما تلاش خود را برای ایجاد روابط باز هم گسترده تر با آمریکا در دوره حکومت ریگان ادامه خواهیم داد و نقشی را که از ژاپن انتظار می رود ایفاء خواهیم کرد."

در حال حاضر دو کشور آمریکا و ژاپن علاوه بر همکاری های وسیع نظامی و سیاسی، مشغول تدارکاتی برای ایجاد یک فرماندهی مشترک "عملیات اضطراری" هستند. در چند روز گذشته بنا بر گزارش خبرگزاری ها، کشتی اتمی امریکایی "میدوی" علی - رغم اعتراضات وسیع توده های مردم ژاپن در سواحل این کشور لنگر انداخت و مقامات حکومت ژاپن بطور رسمی از این اقدام آمریکا پشتیبانی کردند. درگیر شدن ژاپن در طرح های مشترک استراتژیک آمریکا به میلیتاریزه شدن هر چه بیشتر اقتصاد ژاپن انجامیده است بطوری که بودجه نظامی این کشور برای سال ۱۹۸۱ بیش از ۸ درصد افزایش یافته است.

هم اکنون امپریالیسم ژاپن از یک سو با کاهش رشد اقتصادی دست به گریبان است و از سوی دیگر تحت فشار آمریکا به افزایش بودجه نظامی و میلیتاریزه کردن کشور پرداخته است. محافل حاکمه ژاپن همه این

اقدامات را تحت پوشش مقابله با خطر کمونیسم" توجیه می نمایند.

مناسبات ژاپن

با کشورهای همسایه

امپریالیسم ژاپن اهمیت زیادی برای گسترش نفوذ خود در آسیای جنوب شرقی قائل است. انحصارات ژاپنی این منطقه را به مثابه منطقه نفوذ سنتی خویش به حساب می آورند. از آنجا که امپریالیسم ژاپن فاقد مواد خام در داخل کشور است لذا در این منطقه در پی ثروت های طبیعی بیکرانی است که اهمیت فوق العاده ای در شرایط بحران انرژی کنونی جهان سرمایه داری دارد. امپریالیسم ژاپن قبلاً در این منطقه دارای مستعمراتی نظیر چین و کره بوده است. اما در حال حاضر به دلیل درهم شکستن نظام استعماری جهان، دارای مستعمره رسمی نمی باشد، بلکه مقاصد نو - استعماری خود را در رابطه با استراتژی کلی امپریالیسم جهانی عملی می سازد.

امپریالیسم ژاپن با طبقات حاکم کشورهای عضو پیمان "آسه آن" یعنی سنگاپور، اندونزی، فیلیپین، تایلند که دارای منافع مشترک تجاری، اقتصادی و نظامی هستند روابطی بسیار تنگاتنگ دارد. سرمایه گذاری ژاپن در تایلند مقام اول در کره جنوبی مقام دوم در اندونزی و تایوان مقام سوم و در مالزی مقام پنجم را دارا است. انحصارات ژاپنی از طریق اعطای کمک های اقتصادی و تکنولوژیک حوزه نفوذ خود را در این کشورها گسترده تر ساخته اند. اما مردم این منطقه هنوز خاطره سلطه استعمارگرانه میلیتاریزم ژاپن را قبل از شکست در جنگ دوم جهانی به خاطر دارند و لذا نگران اهداف تجاوزکارانه امپریالیسم ژاپن در کشورهای خود هستند. حکومت ژاپن تاکنون بارها حمایت خود را از رژیم های ارتجاعی منطقه همچون کره جنوبی، تایوان

فیلیپین و اندونزی... اعلام نموده و از سرکوب وحشیانه خلق های این کشورها حمایت کرده است. مناسبات ژاپن با کشورهای سوسیالیستی همجوار خویش یعنی ویتنام، لاوس و کامپوچیا اساساً خصمانه است ولی مناسبات این کشور با چین در زمینه همکاری های هوایی، دریایی، ماهیگیری و تجارت خارجی رو به گسترش روز افزون است.

مناسبات امپریالیسم ژاپن

با رژیم امریکایی شاه

میهن ما قبل از انقلاب به مرکز ثقل اعمال سیاست های نو استعماری امپریالیست های جهان تبدیل شده بود. انحصارات امریکایی، اروپایی و ژاپنی بطور عمده از طریق رسوخ در نظام بانکی و ایجاد صنایع وابسته، سلطه امپریالیسم در کشور ما را تحکیم می بخشیدند. رژیم امریکایی شاه همه گونه امکانات و تسهیلات در اختیار این انحصارات امپریالیستی قرار می داد. در اینجا فقط اشاره ای گذرا به فعالیت انحصارات ژاپنی ایران قبل از انقلاب می کنیم. بانک توسعه صنایع و معادن که در سال ۵۶ سرمایه ای حدود ۱۹۲ میلیارد ریال در اختیار داشت تا پایان شهریور ۵۷ در ۱۵۵ طرح صنعتی، معدنی، کشت و صنعت و حمل و نقل سرمایه گذاری کرد. سرمایه گذاری غالب این طرح ها با مشارکت انحصارات امپریالیستی صورت گرفته است. برای نمونه شرکت های زیر با کنترل و یا مشارکت انحصارات ژاپنی ایجاد شده بود:

- ۱ - شرکت شیشه قزوین
 - ۲ - سرمایه البرز ۳ -
 - چینی سازی پارس ۴ -
 - صنایع الکترونیکی ایران ۵ - لامپ پارس توشیبا،
 - ۶ - صنعتی پارس توشیبا،
 - ۷ - تولیدی تیزرو هوندا،
 - ۸ - جهانگری ایران و ژاپن
- همچنین بانک توسعه و صنایع و معادن با مشارکت

بانکداران بزرگ امپریالیستی به تاسیس بانک سرمایه گذاری بین المللی ایران پرداخت. آن جمله "سومی تومو بانک ژاپن" و "اینداستریل بانک ژاپن" و "بانک توکیو" که از سهام داران بانک توسعه صنایع و معادن بودند از این طریق نفوذ خود را در نظام بانکی ایران گسترش دادند. سلطه بانک های امپریالیستی بر نظام بانکی ایران به گونه ای بود که قسمت عمده سهام متمرکز در کنترل بانکداران خارجی قرار داشت. مثلاً بانک بین المللی ایران و ژاپن بیش از ۳۰ سهام متمرکز در دست داشت در حالی که شرکای ایرانی این بانک تنها ۱۶ سهام متمرکز در اختیار داشتند. سرمایه های انحصاری امپریالیستی از طریق سرمایه گذاری مستقیم در شرکت های صنعتی، معدن کشاورزی و بازرگانی و همچنین از طریق مشارکت در بانک ها کنترل خود را بر اقتصاد ایران اعمال می کردند. در صنایع شیمیایی ایران انحصارهای ژاپنی "میتسوبی شی کمیکل" و "میتسوبی فعالیت گسترده ای داشته اند در صنایع الکتریکی انحصارهای ژاپنی "میتسو شیتا" و "توکیو شیبو" در کنار جنرال الکتریک و زیمنس به فعالیت مشغول بوده اند.

* * * انحصارات امپریالیستی آمریکا، اروپا و ژاپن نقش عمده ای در تشدید وابستگی کشورهای "جهان سوم" به امپریالیسم جهانی ایفا کرده اند. این انحصارها اکنون نیز می کوشند که هر چه بیشتر وابستگی های اقتصادی و سیاسی این کشورها را شدت بخشند. تجربه کشورهای استقلال یافته جهان نشان داده است که تنها گسترش همکاری های فنی و اقتصادی همه جانبه با کشورهای ورودگاه سوسیالیستی می تواند به تحقق استقلال کشورهای از بند رسته یاری رساند. ثوری ارتجاعی و یاوه سه جهان "کشورهای امپریالیستی چون انگلستان فرانسه، ژاپن، بلژیک و آلمان غربی را به عنوان "جهان دوم" و دوست "خلق های" جهان سوم" معرفی می نماید و در مقابل اتحاد شوروی یعنی دوست واقعی زحمتکشان جهان را با



طبقه کارگر ایران

توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرال‌ها در واحدهای تولیدی را درهم می‌شکنند

امپریالیسم جهانی به سر کردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی در اتحاد با سرمایه‌داران لیبرال و گروه‌های ماجراجو و مائوئیست می‌کوشند تا جو اغتشاش و تشنج داخلی را دامن زده، صفوف متحد و فشرده مردم را که مهمترین وثیقه حفظ دستاوردهای انقلاب از گزند دستبرد دشمنان است به نفاق و چند دستگی بدل کرده و از این طریق نیاتشان را که جز براندازی جمهوری اسلامی (یا مسخ تدریجی آن) و درهم شکستن انقلاب نیست جامعه عمل بیوشانند.

بی‌گمان دشمنان انقلاب تلاش دارند تا این تشنجات آشوب‌ها و درگیری‌ها را به واحدهای تولیدی نیز تسری داده و به بهانه‌های مختلف و با شگردهای گوناگون در داخل صفوف کارگران تخم نفاق بپاشند، کارگران را در مقابل یکدیگر و در برابر دولت قرار دهند، واحدهای تولیدی را به رکود و تعطیل کشانند و... تا از این طریق هم بر جو اغتشاش و تشنج سیاسی حاکم بر جامعه بیافزایند و هم انقلاب را از نیروی حمایت متشکل توده میلیونی کارگران محروم سازند. ضدانقلاب و لیبرالها در این راه تاکتیک‌های مختلفی را بکار می‌گیرند.

دشمنان انقلاب همچنین سعی می‌کنند با عمده کردن کمبودها و نارسائی‌ها و عدم پاسخگویی منطقی و صحیح دولت جمهوری اسلامی به مطالبات صنفی عاجل و مبرم کارگران در میان این توده زحمتکش تخم یاس و بدبینی نسبت به انقلاب کاشته بز نارضایتی‌ها دامن زده و در بسا موارد کارگران را به اقدامات شتابزده و غیر اصولی ترغیب کنند. آنچه در ماه گذشته در پالایشگاه شیراز گذشت و سپس نتایج تبعی‌اش را در پالایشگاه‌های دیگر نیز کم و بیش ظاهر کرد و به‌ویژه ردپای مشخصی که در این حوادث از ضدانقلاب و مدیران لیبرال، گروه‌ها و عناصر ماجراجو و بالاخره

دفتر هماهنگی رئیس جمهوری دیده شد، گواه این مدعا است. ضدانقلاب و لیبرالها در این راه از همه وسائل به ویژه انتشار و اشاعه اخبار دروغ و شایعات بی‌اساسی (از قبیل اخبار جعلی حاکی از اعتصاب یا تظاهرات در این یا آن واحد تولیدی و...) استفاده می‌کنند تا در شرایطی که کارگران انقلابی میهن ما تمام نیروی خلاقه خود را در جبهه و پشت جبهه صرف دفاع از میهن انقلابی در برابر تهاجم آمریکایی رژیم صدام نموده‌اند آنها را از انجام وظایف انقلابی‌شان باز داشته و پشت جبهه جنگ مقاومت را تضعیف نمایند.

ما بارها اخلاک‌گری‌های مدیران ضدانقلابی و لیبرال و به‌ویژه خلق مسلمان‌ها و شرکایشان را در واحدهای تولیدی و خدماتی افشاء نموده‌ایم و وجوه متنوع این اخلاک‌گری‌ها را در شایعه - پراکنی‌های ضدانقلابی، تخریب ابزارها و از کار انداختن کارخانه، تحریکات تفرقه‌افکنانه و دهها تاکتیک ارتجاعی و ورشکسته دیگر نشان داده‌ایم. اما آنچه که در این روزهای حساس قابل تأکید است، هشدار است برامکان تشدید دامنه تشنج و اختلال در برخی واحدها در رابطه با افزایش تلاش‌های مذبوحانه ضدانقلاب و لیبرالها به واسطه عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و تعطیل تریبون‌های تبلیغاتی‌شان. در هفته اخیر با وجود آنکه توده کارگران و زحمتکشان کمترین اعتنایی به شایعه پردازی‌ها و تحریکات تفرقه‌افکنانه لیبرالها و بنی‌صدری‌ها و گروه‌های هم‌نوایشان (در مورد اعتصاب و تعطیل کارخانه) نکرده‌اند اما در برخی از واحدها مواردی از تلاش‌های مذبوحانه در ایجاد اختلال و توقف کار مشاهده گردید، که بارزترین نمونه‌های آن، توقف چند ساعته کار در کارخانه جنرال الکتریک و مهمتر از آن تخریب ادوات تولیدی در کارخانه سیمان ری بوده است در کارخانه سیمان ری عناصر

خلق مسلمان و لیبرال پس از آنکه تحریکات توطئه‌آمیزشان در به تعطیل کشاندن کارخانه از طریق اعتصاب بی‌نتیجه ماند، در تاریکی شب دست به تخریب ابزارها زدند. به این صورت که در تاریخ نوزدهم خرداد ۶۰ یکی از تسمه‌های انتقال مواد ساخته شده برای بارگیری را با چاقو بریدند و این عمل باعث کاهش شدید (۷۰ درصد) عرضه محصولات گردید. به دنبال این حرکت (با توجه به سوابق خرابکاری عناصر ضدانقلابی کارخانه و امکان تداوم و تشدید اینگونه خرابکاری‌ها) کارگران مبارز و انقلابی سیمان ری برای دفاع از انقلاب و خنثی کردن تشبثات اخلاک‌گرانه‌ای از این قبیل، تشکیل گروه‌های مراقبت از کارخانه (مشکل از کارگران متعهد و داوطلب) راه شورا پیشنهاد کردند و بر ضرورت پیگیری این طرح تأکید نمودند.

همچنین در تاریخ بیست و دوم خرداد ۶۰ در ساعت ۸ شب عناصری از همین قبیل شیر منبع مازوت کارخانه را باز می‌کنند و تا ساعت ۱۰ شب از منبع مزبور مازوت خارج می‌شود. به این ترتیب می‌بینیم که چگونه دامنه اخلاک‌گری‌های ضد - انقلاب و لیبرالها در واحدهای تولیدی به شایعه - پراکنی و تحریک به اعتصاب و محدود نمی‌ماند و به تخریب مستقیم ابزارها و از کار انداختن کارخانه و... که اشکال شدیدتر و درعین حال مذبوحانه‌تری از توطئه‌های ضدانقلابی است، گسترش می‌یابد. تخریب دستگاه‌ها و از کار انداختن کارخانه به این نحو، با بمباران‌های وحشیانه صدام و تخریب و تعطیل واحدهای تولیدی میهن‌مان، تفاوت کیفی ندارد. اینها همه در یک جبهه عمل می‌کنند. از اینرو کارگران بیدار دل و انقلابی ما نیز باید متحد و هوشیار، همچنانکه در برابر جنگ تحمیلی عراق و بمباران کارخانه‌ها با تشکیل کمیته‌های دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها (از قبیل کمیته‌های فنی و راه‌اندازی، امداد، آتش‌نشانی و...) وظایف انقلابی و میهنی‌شان را متعهدانه انجام داده و می‌دهند، در دفاع از انقلاب و مراقبت از کارخانجاتی که در معرض خرابکاری‌های ضدانقلاب و

کارگران کوره پزخانه‌های کرمانشاه کسب حقوق واقعی خود را در خدمت گسترش انقلاب می‌دانند

کارگران کوره‌پزخانه‌های کرمانشاه برای کسب حقوق و مطالبات مبرم‌شان (بهبود شرایط کار، افزایش دستمزد و بیمه) دست از کار کشیدند و برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده ضدانقلابی کوره‌دارها ۵ نماینده از میان خود برگزیدند و مشکلات و خواست‌هایشان را با ارگان‌ها و مقامات مسئول نیز در میان گذاشتند. در مقابل کوره‌دارها با تحریک چندتن از کارگران ناآگاه سعی در ایجاد تفرقه در صفوف اعتراضی کارگران نمودند اما یکپارچگی کارگران در امر پیگیری خواست‌هایشان موجب شد که توطئه‌های تفرقه‌افکنانه صاحبان کوره‌ها خنثی گردد. این حرکت اعتراضی یکپارچه پس از دو روز با افزایش دستمزد کارگران (از طرف بعضی از کوره‌دارها و قول افزایش دستمزد از طرف عده‌ای دیگر از کوره‌دارها) پایان پذیرفت. یکی از کارگران در توضیح انگیزه‌های اعتصاب می‌گفت: "ما بابت هر هزار خشت چهار گوش ۲۳۰ و هر هزار جفت نیمه ۲۵۰ تومان می‌گیریم. روی هم رفته خرج

لیبرالها قرا دارد، نیز باید ضمن مبارزه هوشیارانه و یکپارچه با شایعات و تحریکات ضدانقلابی و تبلیغات مخرب، کمیته‌های مراقبت از کارخانه را (در شرایط کنونی) تدارک ببینند ما پیشنهاد کارگران مبارز و پیشروی سیمان ری را ابتکاری مسئولانه و انقلابی می‌شناسیم و به‌نوبه خود پیگیری مسئولانه این اقدامات و سازماندهی انقلابی آن را تأکید می‌نمائیم کارگران آگاه و تشکل‌های کارگری (سندیکاها و شوراهای) در شرایط کنونی بیش از پیش مسئولیت‌خطیر سازماندهی دفاع از انقلاب در کارخانجات را به عهده‌دارند کارگران آگاه و پیشرو باید توده کارگران را به تحکیم اتحاد و همبستگی صفوف خود، حفظ آرامش و نظم انقلابی در واحدهای تولیدی تلاش در جهت تثبیت قانونیت انقلابی و هوشیاری در برابر دسیسه‌های رنگارنگ ضدانقلاب و لیبرالها فرا خوانند. آنها در عین حال باید بدانند هرگونه حرکت و اقدام مشکوک ضدانقلابیون و لیبرالها را به اطلاع مقامات مسئول و ارگان‌های انقلابی محلی و منطقه‌ای رسانده و در عقیم گذاردن اینگونه تشبثات ضدانقلابی به ارگان‌ها و نهادهای مسئول یاری رسانند.

بدون شک برخورد مسئولانه و آگاهانه مسئولین و نهادهای دولتی با خواست‌ها و مطالبات مبرم و اصولی کارگران و پرهیز از اقدامات قشری و تنگ‌نظرانه در زمینه اداره امور واحدهای تولیدی، خود از شرایط ضروری تامین آرامش نظم و قانونیت انقلابی در واحدهای تولیدی و خدماتی و عقیم ماندن تلاش‌های توطئه‌گرانه دشمنان انقلاب در به آشوب کشاندن این مقامات مسئول جمهوری اسلامی می‌باید در شرایط حساس کنونی به ضرورت برخورد مسئولانه با امور و احتراز از مسامحه‌کاری‌ها، توجه اکید نمایند.

با پایبندی به انقلاب مردم

نیروهای مسلح جمهوری، متحد و یکپارچه تجاوز دشمن را درهم می شکنند

● با فرمان ساده‌ای که از طرف امام خمینی در آخرین ساعات چهارشنبه ۲۰ خرداد ماه صادر شد، رئیس جمهور از مقام فرماندهی کل قوا که تصمصیم در اجرای مصوبات شورای عالی دفاع نیز با شخص او بود معزول شد.

فرماندهی کل قوا که به موجب قانون اساسی از اختیارات و حقوق امام خمینی است با آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام به رئیس جمهور تفویض شده بود و اکنون با بازپس گرفتن این مقام، تلاش تازه‌ای صورت می‌گیرد تا رئیس جمهور بیش از پیش در گادری که با قانون اساسی تعریف می‌شود جا داده شود.

تلاش بنی‌صدر، طی مدتی که عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود در عین حال متوجه آن بود که با تسخیر مراکز حساس ارتش آن را در خدمت مقاصد سیاسی خاص خود درآورد از این رو چه از جانب شخص رئیس جمهور و چه از جانب دوستان و هواداران ایشان پیرامون نقش بنی‌صدر و میزان نفوذ ایشان در ارتش یک برنامه تبلیغاتی، وسیعی که اهداف سیاسی معینی را در جهت تضعیف نیروهای خط امام در ارتش تعقیب می‌کرد سازمان یافته بود.

مقاله زیر با توجه به ضرورت تحکیم یکپارچگی نیروهای مسلح در شرایط حساس کنونی تهیه شده است که از نظر تان می‌گذرد.

امپریالیسم آمریکا پس از شکست توطئه تجاوز مستقیم نظامی در طیس و کودتای نوژه، با استفاده از زمینه آماده اختلافات مرزی بین ایران و عراق، رژیم جنایتکار صدام را تشویق و تحریک به تجاوز نمود که با اشغال بخشی از خاک میهن ما، کار صدور ضدانقلاب به داخل را راحت تر و اجرای مراحل بعدی توطئه را موفق تر پیش برد تا بتواند جمهوری اسلامی جوان و نوپای ایران را از پادر آورد و انقلاب را به شکست کشاند. اما ۹ ماه حماسه آفرینی نیروهای انقلاب در جبهه‌های جنوب و غرب کشور، بار دیگر بطلان ارزیابی امپریالیسم و دوستان داخلی از انقلاب شکوهمند ما و سترگی نیرو و توان انقلابی توده‌های قهرمان میهن را باثبات رساند.

اینک در شرایطی بسر می‌بریم که دشمن برای چندمین بار در اجرای توطئه‌های خود به بن‌بست رسیده و در صدد است ضمن عقب نشینی در این جبهه، حملات خود را در سمتی دیگر و با تمهیدات دیگری سازمان دهد.

شکی نیست که عمده کردن هر مسئله دیگری جز تلاش قهرمانانه برای بیرون راندن دشمن متجاوز در این مقطع زمانی از طرف هر کس یا هر جریانی که باشد اگر اقدامی ضد انقلابی که طبق نقشه صورت می‌گیرد، منظور انقلاب در دام نگردد، افتادن در دام دشمن و ممانعت از سمتگیری

کلیه امکانات و نیروهای انقلاب در جهت خنثی سازی توطئه اصلی است.

خوشبختانه در هفته‌های اخیر علیرغم تلاش‌های مذبوحانه امپریالیسم و مزدوران و دوستان داخلی که سعی داشتند بر زمینه بحران‌ها و تضادهای موجود، انقلاب شکوهمند ما را به بن‌بست رسیده جلوه دهند، روند رو به گسترش همکاری‌ها و هماهنگی‌های سپاه پاسداران، ارتش جمهوری اسلامی و سایر نیروهای رزمنده ما در سرتاسر جبهه‌های جنگ تحمیلی باز هم سریع تر شده و شیرین‌ترین ثمره این همکاری‌ها یعنی پیروزی‌های اخیر نه تنها دشمن متجاوز را به سرگیجه وا داشته، بلکه ضدانقلاب داخلی و حضرات لیبرال را نیز سخت نومید نموده است. همچنین در هفته‌های اخیر اوجگیری بحران‌ها و نوسانات سیاسی درون حاکمیت که در اساس نتیجه تعمیق و گسترش انقلاب ماست، در روند طبیعی خود به عزل آقای بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا گردیده است. سیاست ۹ ماهه آقای بنی‌صدر در رابطه با نیروهای مسلح که تلاش می‌نمود تا بینشی غیر واقعی از نقش شخصیت در جبهه‌ها ارائه دهد و حماسه آفرینی رزمندگان را به عواملی جز ایثار برخاسته از حقانیت انقلاب متکی سازد، اینک مستمسکی برای لیبرال‌ها فراهم نموده تا به تبلیغ علیه

وحدت یکپارچه پاسداران، سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست ارتش جمهوری اسلامی بپردازند. لیبرال‌ها تلاش می‌کنند تا بر پایه توهمات که در رابطه با نیروهای مسلح مطرح می‌کنند، تشکل و توان انقلابی این نیروها را بزیر سؤال برند و آن را وسیله‌ای برای پیشبرد سیاست‌های خود سازند. همچنانکه آنها در طول دو سال گذشته خود را متولیان ارتش دانسته و با ظهور در نقش مدافعان این نهادها، از هر فرصتی برای تضعیف پایگاه انقلاب در ارتش استفاده نموده‌اند.

این جماعت لیبرال از ابتدای انقلاب تا کنون می‌کوشیدند ارتش را مقوله‌ای جدا از مردم معرفی نمایند تا بخیال خود شکست و انزوای خویش را در روند تعمیق یابنده انقلاب، با دست داشتن سکان ارتش و با همراهی چند فرمانده رده بالا جبران کنند. اینان فراموش کرده‌اند که در ایران، انقلابی رخ داده و آثارش الزاماً در توده‌های نظامی نیز ظاهر گشته است. نظامیانی که نه تنها حاضر به اطاعت از فرماندهان که دستور گشودن آتش بروی توده‌های مردم را میدادند نشدند، بلکه علیه چنین فرماندهانی طغیان کردند و به دریای خروشان خلق پیوستند.

آقای بنی‌صدر نیز در طول این مدت دچار همان توهمات لیبرالی دوستان خود گشته و تصور می‌نمود با

دفاع از ضوابط پیشین می‌تواند ارتش را در اختیار گرفته و از آن به عنوان جرعه‌ای در مناقشات و کشمکش‌های سیاسی استفاده کند. کما اینکه هم لیبرال‌ها و هم ایشان در عرصه مبارزه بر سر قدرت، حمایت بی چون و چرای ارتش را از جمهوری حتمی می‌دانستند، غافل از آنکه نظامیان میهن پرست در جریان انقلاب و بعد از پیروزی آن به درستی به این حقیقت پی برده‌اند که نباید بازچه دست این یا آن سیاستمداری که (سیاست خلاف مصالح انقلاب را در پیش گرفته) قرار بگیرند، بلکه باید مدافع منافع مردم باشند. آنها در یافتند که ارتش باید به عنوان بازوی مسلح خلق، ضامن و پشتیبان دست آوردهای انقلاب باشد. آقای بنی‌صدر در تمامی ۹ ماه گذشته، همواره پیروزی‌های ارتش را به حساب خود واریز نموده و وانمود می‌کرد که نظامیان تنها تحت رهبری او قادر به ادامه نبردند. آقای بنی‌صدر از ارتش سیمائی ترسیم میکردند که گوئی فقط تشویقات و دلداریهای ایشان قادر به دمیدن روح مبارزه و وظیفه شناسی در کالبد فرماندهان عالی‌رتبه می‌باشد. همچنین بنا به طرز تفکر خودشان، برای جنگیدن و خوب جنگیدن ارتش، رضایت فرماندهان رده اول را لازم و کافی دانسته و به خواست و اراده توده ارتش بهائی نمی‌دادند. اما واقعیت این بود و هست که بدنه اصلی ارتش یعنی توده‌های سرباز و درجه دار و افسر میهن پرست، فرقی بین خود و پاسداران و سایر نیروهای مردمی نمی‌بینند.

زمانی که جنگ به صورت فرسایشی در آمده و در جبهه‌ها رکود کامل حکم فرما بود، سربازان، درجه داران و افسران جزء برای شرکت در عملیات چریکی و شبیخون‌های پاسداران که بدون استثنا هر شب انجام می‌شد، فرماندهان را تحت فشار قرار می‌دادند. حمایت‌های ایثارگران و عاشقانه توده‌های میلیونی مردم در پشت جبهه و این واقعیت که ارتش ایران در طول عمر بیش از نیم قرن خود هیچگاه این چنین مورد حمایت و محبت مردم کوچک و بزرگ نبوده، چیزی نیست که تاثر

نیرومند خود را بر روی حتی بی کفایت‌ترین افراد برجای نگذاشته باشد.

حداقل درسی که نظامیان ما از انقلاب و این جنگ تحمیلی می‌توانند و باید که گرفته باشند همین است که تعیین کنندگی خواست توده‌های میلیونی مردم را در مواقع بروز بحران‌های اجتماعی بپذیرند و درک کنند. همانطور که پس از ۹ ماه و بزای اولین بار حتی فرماندهان رده اول ارتش در مصاحبه مطبوعاتی‌شان ناگزیر این حقیقت را بیان می‌کنند که پیروزی‌های درخشان ارتش را، نه به حساب یک یا چند نفر، بلکه به حساب حمایت بیکران مردم باید نوشت. آنان در مصاحبه یاد شده ضمن بر شمردن دلایل ضعف ارتش در روزهای اول، مطرح کردند که تجدید سازمان چنین ارتشی در شرایطی که دشمن با آمادگی و استعداد صد درصد، مخوف‌ترین فشارها را به ما تحمیل می‌کرد، کاری بود استثنائی که تنها به کمک و حمایت مردم میهنمان با موفقیت به پایان رسید.

به هر حال اینک لیبرال‌ها می‌کوشند تا نیروهای رزمنده و بویژه ارتش را بدون فرماندهی بنی‌صدر، از هم گسیخته، بی روحیه و ناتوان جلوه دهند و تداوم ها و شکست ارتش مزدور صدام را ناممکن بدانند و بدیهی است که ضد انقلاب نیز به زمینه این توهمات، سعی در انحراف ذهنیت نیروهای انقلاب از مسئله اصلی یعنی پیروزی در جنگ دارد. اما واقعیت اینست که رزمندگی نیروهای انقلاب در جبهه‌ها، برخاسته از حقانیت تاریخی انقلاب ما و جوهر انقلابی خود این نیروها ست و بحران‌های موجود درون حاکمیت که خود ناشی از روند تعمیق یابنده انقلاب است نباید و نمی‌تواند یکپارچگی و وحدت نیروهای رزمنده را متزلزل سازد.

ما بار دیگر ضمن یادآوری حساسیت شرایط کنونی انقلاب و تأکید بر لزوم حفظ وحدت و تشکل نیروهای مسلح اعلام می‌داریم که در حال حاضر پیروزی در جنگ، مسئله اصلی انقلاب و رسالت اصلی نیروهای رزمنده است. حول مسئله اصلی انقلاب متحد و یکپارچه به پیش تازیم.

جمهوری اسلامی

برای حل مسئله مسکن تاکنون

چه کاری انجام داده است؟

وزیر مسکن گفت :
"قانون معاملات مسکن برای مستضعفین کاری نمی‌کند"

لایحه معاملات مسکن به مرحله پایانی خود رسیده است و تاکنون چهار ماده از شش ماده آن به تصویب رسیده است .
با تصویب این لایحه پس از این اجازه خرید مسکن به کسی خواهند داد که :
الف - همسر و فرزندان صغیر او منفرد یا مجتمعا - مالک شش دانگ واحد مسکونی یا شش دانگ زمین در محدوده قانونی آن شهر نباشند .

ب - متاهل بوده یا سن او در موقع انجام معامله کمتر از ۲۵ سال خورشیدی تمام نباشد .

ج - حداقل ده سال سابقه اقامت در شهر وقوع ملک را داشته باشد .

جدا از برخورد تفصیلی با کم و کیف این لایحه که بعدا گفته خواهد شد مضمون کلی این لایحه واگذاشتن مساله بر عهده بازار است در عین حال کوششی است در اعمال کنترل بر قیمت ها . این کار با هروشی غیر ممکن است

تجربیات مختلف پیشین و به خصوص تجربه دفتر معاملات مسکن دال بر صحت این گفته است . یادمان هست که در ۲۰ خرداد ماه ۱۳۵۹ مسئولین امور با هیاهوی بسیار اعلام کردند که انجام معاملات مسکن ممنوع است و دولت تنها خریدار و فروشنده واحدهای مسکونی است . مسئولین وزارت مسکن در همان زمان اذعان داشتند که با این طرح گرهی از مشکلات مسکن مردم گشوده نخواهد شد .

حال مجلس شورای اسلامی که در طرح مسائل مردم انتظار دیگری از آن بود به مسائلی پرداخته که در هر روی مقابله اساسی با مساله نیست . اینکه عاقبت چه

کسی باید به مشکل مسکن پاسخ گوید یا حداقل گامی در این جهت بردارد مطلبی است که تاکنون مبهم مانده است در حالی که مدام از جانب مسئولین امر اعلام شده که چندین میلیون واحد مسکونی داریم و خانه‌ها چنین است و شهرها چنان است با این مصوبات و لوایح هیچ نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد گنایادی وزیر مسکن در مورد این لایحه مانند سلف خویش اعتراف دارد که :
این قانون برای مستضعفین کاری نمی‌کند ، بلکه می‌خواهیم عده‌ای را که پولی در اختیار دارند و می‌خواهند مسکن تهیه کنند گرفتار عده‌ای بپوشانند (کیهان ۱۸ خرداد سال جاری)

در شرایطی که تعمیق و تداوم انقلاب متکی به پاسخگویی به نیازهای مردم ، زحمتکشان است حاصل چند ماه فعالیت وزارت خانه مسکن و شهرسازی و کمیسیون‌های مجلس تدوین لایحه‌ای است که خود معترفاند " برای مستضعفین کاری نمی‌کند" در این صورت زحمتکشان میهن ما کماکان می‌پرسند که پس حل مشکل مسکن به عهده چه کسی است و چه کسی باید

بزرگی است . آثار این شکست می‌تواند صف سرمایه‌داری را که در اثر انقلاب ضد امپریالیستی مردم درهم ریخته شده بود بار دیگر آرایش دهد تا حمله به انقلاب را سامانی دهند . محدودیت‌های مذکور در لایحه نیز در مقابل مکانیسم بازار رنگ خواهد باخت و دیری نخواهد گذشت که به بهانه‌های گوناگون یا به دلیل عدم امکان اجراء بندهای آن به تدریج از لایحه حذف خواهد شد . برنامه جناب صباغیان حاکم خواهد گشت و بند بند مواد و تبصره‌های لایحه در آینده‌ای نه چندان دور به مجلس باز خواهد گشت بی‌خانمان‌ها را از این نمد کلاهی نیست .

مهندس گنایادی در طی سخنرانی خود در مجلس فخر می‌کند که دولت در زمینه مسکن برنامه دارد در حالی که طرح این لایحه خود نافی چنین گفته‌ای است . برنامه مسکن کل همبسته‌ای است که همه جوانب گوناگون آن با هم نگریسته و طرح می‌شود برنامه مسکن ناظر به مساله و معضل مسکن است معضلی که طی این دو سال نه تخفیف که شدت نیز یافته است .

هنوز انقلاب در جهت پاسخگویی به نیازهای توده‌های مردم قدمی اساسی برنداشته است خانه‌های بی‌خانمانی‌های خانواده‌ها با شدکم است و یا در انحصار و احتکار جمع قلیلی است تعداد بسیاری از مردم بخش عمده درآمد خود را صرف هزینه خانه و رفیع این نیاز می‌کنند و در عوض از نان و پوشاک و درمان خود و فرزندانشان کسر می‌کنند . ارزان‌ترین خانه‌ها در شرایط فعلی برای

ماده ۱ - حساب خود را از زحمتکشان جدا کرده و به هیچ روی به مشکلات مسکن آنها نمی‌پردازد .
ماده ۲ - با کنترل تقاضا که مضمون اصلی لایحه است نخواهد توانست جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد .
ماده ۳ - محدودیت‌هایی همچون ده سال اقامت یا محدودیت سن ۲۵ سال عملا با واقعیات جامعه ما در تناقض است . شبهه‌های این بندها سبب می‌شود تا بعدها خود لایحه مورد سؤال قرار گیرد .

ما بارها گفته‌ایم که حل معضلات زحمتکشان گامی اساسی در تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ماست . دشمن به قصد فریب وانمود می‌کند که مبارزه علیه امپریالیسم با گرانی ، بی‌کاری بی‌خانمانی ملازمه دارد . اگر اقداماتی اساسی در این جهت نشود عواقبی خطرناک در بر دارد . امر مسکن می‌باید هم از نظر کنترل و هم اجرا در اختیار بخش دولتی قرار گیرد و به جای طرح‌های بی حاصل با دقت برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت مسکن طرح و اجرا گردد .

" میمک " همچنان پیروز و استوار در برابر دشمن قد علم کرده است . تیربار را باز روی لبه سنگر گذاشته و همینطور که متوجه دور و برم هستیم ، برای مرد ایللیاتی درباره جنایات امپریالیسم ، بخصوص امپریالیسم آمریکا شروع به صحبت می‌کنم . مرد ایللیاتی در حالی که سراپا گوش است ، تفنگش را در دست‌هایش محکم گرفته و با موشیاری اطراف را می‌پاید .

از یادداشت‌های یک فدایی خلق در جبهه‌های غرب " میمک " خرداد ۶۰

" زنده باشی " مرد ایللیاتی چند لحظه‌ای به چهره‌ام خیره می‌شود بعد می‌گوید :
" روباه‌ها در رفتند " بعد ما همدیگر را در آغوش می‌گیریم . انگار سالیان سال است که با یکدیگر دوست بوده‌ایم . مرد ایللیاتی می‌گوید :
" خوب داشتی می‌گفتی ... راستی من هم چند سال " عملگی می‌کردم دم دست یک بنا ... ابرها از روی ماه کنار رفته بودند . هنوز هم باد خنکی از طرف ارتفاعات " میمک " به سمت سنگرها پیمان می‌وزد

صدای یکی از تکاوران است که در سمت راست حدود صد متر دورتر از سنگر ما سنگر گرفته‌اند . تکاور باز می‌پرسد :
" فرار نکرده‌ای " حالا مرد ایللیاتی نزدیک سنگر رسیده است . تکاور منتظر جواب است می‌خندم و بلند می‌گویم نه هیچ وقت . مرد ایللیاتی می‌آید و توی سنگر می‌نشیند و به صحبت ما گوش می‌دهد . تکاور باز می‌پرسد :
" چکاره هستی ؟ " بنا هستیم تکاور تعجب می‌کند باز صدایش می‌آید که :

انداخته و یک دور ۱۸۰ درجه اطراف سنگر را به رگبار می‌بندم . برای یک لحظه تیربار قفل می‌کند . مرد ایللیاتی تکانی به خود داده تفنگش را روی رگبار گذاشته و به سرعت از سنگر بیرون می‌پرد و در حالی که مدام شلیک می‌کند درون تاریکی ناپدید می‌شود . چند دقیقه بعد باز سکوتی مرموز دشت را فرا می‌گیرد . مرد ایللیاتی دارد به طرف سنگر بر می‌گردد . در همین موقع صدایش از سمت راست سنگر شنیده می‌شود :
" هنوز هستی ؟ " " آره هستم "

بقیه از صفحه ۴

شکست از آن تاخت آوران ...

استفاده کرده و از پشت سر محاصره‌مان کرده است بلا - فاصله تیربار را به کار

مردم خواهان رعایت قانون اساسی و تحقق آزادی های فردی و اجتماعی هستند

برخوردها از جانب برخی محافل جمهوری اسلامی نادیده گرفته می شود. و این پرواضح است که مناسبترین زمینه را برای رشد ضدانقلاب، تفرقه و تشتت میان مردم و تضعیف انقلاب فراهم می آورد که قطعاً زیان مستقیم و بلاواسطه آن نصیب خود حکومت جمهوری اسلامی می گردد. با توجه به اوضاع و احوال حساس کشور، مقامات جمهوری اسلامی باید در جهت این رهنمود امام که امسال سال قانون است در عمل و بطور همه جانبه بکوشند. به اعتقاد ما امروز آن محافلی از جمهوری اسلامی که عملاً به اقدامات خلاف قانون اساسی دامن می زنند و موجب تشنج و درگیری و هرج و مرج در سطح جامعه هستند، آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند. ما نسبت به اقدامات این محافل به جمهوری اسلامی ایران هشدار می دهیم و خواستار مبارزه جدی و پیگیر علیه همه گرایشها و حرکاتی هستیم که استقرار قانون اساسی و آزادی های فردی و اجتماعی را به خطر می اندازد. انقلاب ما شرایط حساس و دشواری را می گذراند. باید تجارب گرانبهای روزهای پس از انقلاب بهمن درک گردد و حاکمیت قانون جایگزین هرج و مرج، بی قانونی و جو خشونت و ارباب گردد. ما قاطعانه در این راه مبارزه خواهیم کرد.



موارد مورد تعرض حکومت جمهوری اسلامی قسراً نمی گیرند، بلکه همان گونه که بارها گفته ایم نمونه های مشخصی از روابط برخی محافل و مقامات منتسب به جمهوری اسلامی با این گروهها وجود دارد. وقتی امثال حاکم شرع بهشهر حکم به قطع انگشتان دست افراد می دهند و علناً علت این فجایع را ارتباط سیاسی فرد متهم با جریانهای سیاسی ذکر می کنند (کیهان سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۰)، وقتی ارادل و اوپاش و مزدوران، فرصت می یابند امنیت زندگی و جان مردم را در اینجا و آنجا به خطر اندازند و از تعقیب قانونی مصون می مانند وقتی اقدامی در جهت تعقیب و مجازات جنایتکارانی که میتینگ مردم را در میدان آزادی به خون کشیدند، نمی شود، وقتی زیر شعار حزب الله از یک طرف عناصر ضدانقلاب از قبیل رنجبریها ساواکیها و سلطنت طلبان و از طرف دیگر افراد ساده دل و ناآگاه و قشری در کنار خروش بیدار مردم دست به اعمالی که خلاف مصالح انقلاب است می زنند، پیام آوران جمهوری اسلامی را بی اعتبار می سازند. تاسف در این است که این قبیل

جمهوری اسلامی باید وضعیت حساس و خطیر امروز را دریابد و خود برای اجرای قانون اساسی و تامین آزادی های فردی و اجتماعی گام های جدی بردارد. بدون رعایت کامل و همه جانبه قانون اساسی توسط جمهوری اسلامی، غیر ممکن است انتظار داشته باشیم که آزادی های سیاسی تضمین شود و حاکمیت قانون مستقر گردد. تنها هنگامی زمینه های هرج و مرج و خشونت، زمینه های ترور و تهدید و بی قانونی تضعیف می گردد که دولت جمهوری اسلامی خود بیش از همه به رعایت قانون اساسی مصر باشد و بطور همه جانبه و نه یکجانبه و ناقص، خود را به رعایت قانون اساسی و آزادی های سیاسی ملزم بداند. متأسفانه جمهوری اسلامی در این زمینه نیز مسامحه و ضعف های زیادی از خود نشان داده است. گروه هایی که زیر شعار دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی در کوی و برزن به ایجاد جو رعب و وحشت و ترور دامن می زنند و آزادی های فردی و اجتماعی را افراد و جریانهای سیاسی را نقض می کنند و در گوشه و کنار کشور دست به جنایت می زنند، نه تنها در اغلب

خویش که عمدتاً متکی به تجارب ارزنده روزهای پس از انقلاب است، دریافته اند که تفاهم و اتحاد عمل میان نیروهای انقلابی در گرو رعایت قانون اساسی و تامین و تضمین آزادی هائی است که در قانون اساسی تصریح شده است. واکنش مردم در برابر جریاناتی که تحت هر شعار و هر پوششی با اجرای قانون اساسی خصومت می ورزند، واکنش مردم در برابر اقدامات و حرکاتی که در جهت مخالف آزادی های مصرح در قانون اساسی است، به خوبی بیانگر آن است که مردم اهمیت اجرای قانون اساسی را درک می کنند. تلاش روحانیت مرتجع در گوشه و کنار ایران، تلاش فئودالها و خوانین وابسته، خرابکاری های ضدانقلابیون، حرکات هرج و مرج طلبانه جریانات رسوائی مثل "رنجبران" و غیره بخوبی نشان می دهد که جبهه ضد انقلاب از امکان تحقق آزادی های فردی و اجتماعی و رعایت کامل قانون اساسی به وحشت افتاده و مذبوحانه کوشش دارد به هرج و مرج و بی قانونی و پدید آوردن همه شرایطی که اجرای قانون اساسی را در مخاطره می اندازد، دامن زنند.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان و نوکران داخلی آن، برای تحقق اهداف ضد مردمی و ضدانقلابی شان خواهان تشنج و درگیری، بی قانونی و هرج و مرج هستند. آنها تشنج و درگیری و هرج و مرج را در شرایط کنونی ایران مناسبترین بستر رشد ضدانقلاب، تضعیف و پراکندگی صفوف مردم و سرخوردگی توده ها از انقلاب تشخیص داده اند. روزی که اطلاعیه ۱۵ ماده ای دادستانی انقلاب انتشار یافت، گفتیم که از اجرای قانون و تحقق آزادی های سیاسی بیش از همه امپریالیست ها و متحدان آن به وحشت می افتند و صف انقلاب با رعایت قانون اساسی قوی تر از همیشه به پیش خواهد تاخت. ما در آن زمان از همه نیروهای ضد امپریالیست درون و بیرون از حکومت خواستیم که با همه توان خود در تثبیت آزادی های سیاسی و در تثبیت دیگر جوانب قانون اساسی بکوشند. بار دیگر با تاکید اعلام می داریم که امروز شرط ضروری تامین وحدت خلق، تفاهم ملی و تقویت صفوف و پایه های انقلاب شرط ضروری افشاء و انزوی لیبرالها، شرط ضروری افشای همه متحدان امپریالیسم و همه مرتجعین ضدانقلاب رعایت کامل قانون اساسی و تحقق آزادی های فردی و اجتماعی توده های مردم ایران است. در واقع بخش عظیمی از مردم ایران امروز به تجربه

و دیگران که اگر احتمال این را بدهید باید مقابلش بایستید. آیت الله خمینی در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به توطئه لیبرالها بسرکردگی بازرگان - امیرانتظام و شرکاء به منظور انحلال مجلس خبرگان به طرح "رفراندوم" که از جانب رئیس جمهور بنی صدر عنوان شده است اشاره کردند و افزودند: "دنبال همان مسائل قضیه رفراندوم پیش آمد که در روزنامه ها شروع کردند به گفتن و بلکه برگرداندن به زمان بیست و دوم بهمن در بیان یکی از همین آقایان بود معنی برگشتن به بیست و دوم بهمن یعنی برگردیم به همان زمان قبل از ۲۲ و شاهنشاهی"

بقیه در صفحه ۲۷

امام خمینی: آقای بنی صدر گوینده خوبی است اما سرباز است که کار را انجام می دهد

هست در کار که اگر توجه بکنند به مسائلی که در این اواخر هی پیش آوردند، در روزنامه های مختلف پیش آوردند. یک جریانی در کار است که آن جریان انسان را از این معنی می ترساند که بخواید به طور خزنده این کشور را باز هول بدهد به طرف آمریکا، بخوانند از این راه پیش بروند. و این یک مسئله ای است که به قدری اهمیت دارد در نظر اسلام و باید آنقدر اهمیت داشته باشد در نظر شما فرماندهان

خودتان هستید دیگر این طور نیست که شما این ناراحتی را در قلبتان احساس کنید که ما در تحت فرمان دشمنان خودمان هستیم. آیت اله خمینی در قسمت دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به لیبرالها و سازشکاران که شعار می دادند "شاه باید سلطنت کند" گفتند: "الان یک جریانی در کار است که من الان نمی خواهم اشخاص هیچ صحبتش بشود، اما جریان

دفاع از کشور خودش بکند این را بخوانند وابسته کنند به کشور دیگری هرچه باشد آن کشور هرچه قدرتش زیاد باشد این معنایش اصل از بین بردن تمام حیثیت ارتش است. امام خمینی با تأکید بر یکی از دست آورد های عظیم انقلاب مردم که بیرون ریختن مستشاران نظامی خارج از ارتش بود یادآور شدند، "شما الان خودتان هستید و فرماندهان خودتان، فرماندهان وقتی از خودتان هست این

به دنبال پس گرفتن مقام فرماندهی کل قوا از رئیس جمهور، امام خمینی در دیداری با فرماندهای نظامی سراسر کشور که ۲۴ خردادماه صورت گرفت پیرامون ارتش و نقش آن سخنانی ایراد کرد، در قسمتی از این سخنان گفته شد: "ارتش وقتی می تواند استقلال و غرور خویش را حفظ کند این است که ببیند خودش هست نه اینکه از خارج یک کسی بیاید و مستشارانی بیایند و بخوانند او را اداره کنند معنی از خارج آمدن این است که ارتش، ارتش استعماری است و خودش حیثیتی از خودش ندارد. امام خمینی افزودند: "ارتشی که باید یک کشور را حفظ کند و سرحدات کشور را حفظ کند

در مراسم نماز جمعه در سراسر ایران، اجرای قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفت

حجت الاسلام خامنه‌ای: دشمن در جامعه‌ای که در آن نظم و قانون نیست هرکاری که بخواهد میکند

این هفته نیز همچون هفته‌های گذشته مراسم نماز جمعه با شرکت اقشار وسیعی از مردم در تهران و شهرستان‌ها برگزار شد. بسیاری از سخنرانان این مراسم بطور جدی بر اهمیت برقراری نظم و امنیت در جامعه تاکید کرده و مسئولان را به اجرای قانون اساسی فرا خواندند.

در تهران حجت‌الاسلام خامنه‌ای سخنان مشروحی درباره اهمیت اجرای قانون و برقراری نظم ایراد کرد. وی با اشاره به سخنان امام خمینی گفت:

"امام نیز در سخنان خود به دو نکته یعنی نظم و قانون اشاره کردند و خواستند که همه رعایت نظم و قانون را بکنند." امام جمعه تهران آنگاه افزود:

"باید دانست دشمن در جامعه‌ای که در آن نظم و قانون نیست، هرکاری که بخواهد، انجام می‌دهد."

این سخنان نشان‌دهنده توجه جدی بسیاری از مسئولین جمهوری اسلامی نسبت به اهمیت برقراری نظم و اجرای قانون می‌باشد که قابل تأکید و باعث امیدواری است. برقراری نظم و آرامش متکی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی یکی از ضروریات مرحله کنونی انقلاب ایران جهت مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و ایدئولوژی طرفداران آن است که با تأمین هرچه بیشتر آن راه برای اصلاحات عمیق اقتصادی - اجتماعی هموار می‌گردد. امروز همه مخالفین تعمیق، پیشرفت و گسترش انقلاب مخالف اجرای قانون و بازسازی جامعه بر پایه آن نمی‌باشند و بعکس مدافعین آگاه انقلاب با تمام نیرو برای تثبیت و اجرای قانون تلاش می‌ورزند و بر این اساس نبردی جدی در جریان است. قابل توجه است که آیت‌الله مشکینی نیز در نماز جمعه قم به درستی در ریشه‌یابی حوادث اخیر می‌گوید:

مسئله، مسئله مخالفت با قانون اساسی ایران بود. مسئله ضدیت با مجلس شورای اسلامی بود... لزوم اجرای پیگیرانه

● دولت باید با کسانی که به نام دفاع از قانون اساسی در خیابان‌ها دست به اعمال ضدانقلابی می‌زنند، بطور جدی مقابله کند.

خود این ابراز قاطعیت نیز در چهارچوب قانون باید صورت گیرد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در نماز جمعه خطاب به کسانی که در خیابان‌ها راه می‌افتند تذکر می‌دهد:

"این کار خوبی است ولی آن وقت کاملاً خوب است که همراه با حرکاتی نباشد که ضدانقلاب را نسبت به جمهوری اسلامی بهانه‌دار کند."

ما نیز با این گفته موافقیم مردم زحمتکش میهن ما به‌ویژه در شرایط حساس و خطیر کنونی باید هشیار و در صحنه باشند تا هر تعرض ضدانقلاب و طرفداران سرمایه‌داری را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی با شکست مواجه سازند. اما نباید اجازه داده شود گروه‌ها و دستجاتی از حضور مردم در خیابان‌ها سوءاستفاده کرده و دست به اعمال ضدانقلابی و دشمن‌شادکن بزنند. دولت و نیروهای انتظامی موظفند بطور جدی با این عناصر و دستجات مقابله کرده و آنها را تحت تعقیب قرار دهند.

دولت جمهوری اسلامی وظیفه دفاع از قانون اساسی را برعهده دارد. مقابله جدی با قانون‌شکنان، از هر دسته و گروه و با هر نیت و منظوری که باشند، بدون هیچ‌گونه مسامحه، انتظاری است که مردم از دولت دارند کوشش در جهت اجرای قانون اساسی - علیرغم کاستی‌های آن - کوشش در جهت بازسازی ساختمان جامعه بر اساس اقدامات عمیق اقتصادی - اجتماعی به نفع توده‌های محروم مردم میهنان می‌باشد. وقت آن است که دولت به این ضرورت انقلاب با قاطعیت پاسخ گوید سازمان ما بنوبه خود از اقدامات و حرکات هر نیرویی که بکوشد جامعه انقلابی ما را براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی بازسازی کند حمایت و پشتیبانی به عمل آورده و می‌آورد.

وزیر کشور:

دفتر هماهنگی مردم

با رئیس جمهوری قانونی نیست

داریم. در یک مورد نیز خود رئیس جمهور نسبت به این گروه مجتمع در دفتر هماهنگی و روزنامه انقلاب اسلامی، سلب مسئولیت کرد اما این وجود دفتر هماهنگی و روزنامه انقلاب اسلامی همچنان به فعالیت‌های مخرب و تشنج‌آفرین خود ادامه داد و در کمال تأسف آقای بنی‌صدر هم نه تنها نتوانست تمایز خود را با این گروه حفظ کند بلکه زمان نشان داد که ایشان خود بنحوی حامی و مدافع این کانون توطئه شده‌اند.

در روزهای اخیر به دنبال اوج‌گیری درگیری‌های رئیس جمهور با دولت، مجلس و خط امام "دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهوری" گام بلند و رسوا کننده‌ای در نشان دادن چهره واقعی خود به مردم برداشت. نقش تحریک‌کننده و قانون شکن این عده در روزهای اخیر غیر قابل انکار بوده است.

آقای مهدوی کنی، وزیر کشور در مورد "دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهوری" چنین اظهار نظر کرده است:

"تا آنجا که من می‌دانم نه دولت آن را تأیید کرده و نه خود آقای بنی‌صدر ظواهر امر نشان می‌دهد که برای دولتمردان نقش و چگونگی فعالیت این دفتر به تدریج شناخته شده‌تر می‌گردد. در این چند روز این دفتر نشان داد که به قانون پای بند نیست و مضمون فعالیتش جز تحریک و آشوب در شرایطی که جامعه بیش از هر چیز به آرامش نیاز دارد، نیست. اما پرسشی که هنوز در مورد "دفتر هماهنگی" باقی مانده است روشن کردن ماهیت اصلی گردانندگان آن در پیشگاه مردم ایران است. تنها در این صورت است که دلیل یکسان بودن مواضع سیاسی این گروه یا جریاناتی نظیر و حزب آمریکایی رنجبران، روشن‌تر خواهد شد.

هفته گذشته به دنبال تشنجات پراکنده‌ای که در چند منطقه تهران و شهرستان‌ها بوجود آمد بار دیگر نام "دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهوری" بر سر زبان‌ها افتاد. بنیانگزاران این دفتر چه کسانی‌اند؟ مضمون فعالیت‌های آن چیست؟ و آیا گردانندگان و فعالیت "دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهوری" در راه انقلاب یا نه پرسش‌های متعددی بود که برای دیگر یار در ذهن مردم مطرح گردید.

ما با شناختی که از بعضی سیاست‌ها و مواضع این دفتر و هیئت تحریریه روزنامه انقلاب اسلامی داشتیم به مردم ایران و نیز خود شخص آقای رئیس جمهور نسبت به مواضع و اقدامات علنی و پنهان این گروه علیه انقلاب قبالا بارها و بارها هشدار داده بودیم. این گروه در طول زندگی خود هیچگاه نسبت به خواست‌های به حق مردم زحمتکش نظیر اجرای بند "ج" و "دال"، ملی کردن تجارت خارجی، خواست‌های مشخص کارگران و... موضعی جانبدار نگرفت و در بیشتر موارد اعلام نقطه نظرات صریح را به بعد موکول کرد. برعکس این گروه در مخدوش کردن مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب، در برخورد خصمانه نسبت به مسلمانان انقلابی طرفدار خط امام و هواداران سوسیالیسم علمی نقش پیشتاز "را بازی کرده است.

ما در گذشته همواره کوشیده‌ایم که آقای بنی‌صدر را در مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران از افتادن در دام یک مشت سرمایه‌دار، زمیندار و تجار غارتگر سمجانه‌ی آمریکایی و دیگر افراد و جریانات مشکوک که همگی به دشمنی و توطئه - چینی علیه انقلاب مشغولند و خود را در سنگر مردم فریب هواداری از رئیس جمهور قانونی قرار داده‌اند برحذر

گوشه‌هایی از

جنايات به اصطلاح «مجاهدين افغانى»

در ايران و افغانستان

وجود نزدیکی به ۱/۵ میلیون مهاجر افغانی در مناطق مختلف میهنمان و به ویژه در خراسان و سیستان و بلوچستان مشکلات گوناگون و جدی را اعم از مشکلات سیاسی، اقتصادی، شغلی، امنیتی و... برای اهالی این نواحی ایجاد کرده است. اگرچه اکثر این مهاجرین را زحمتکشان افغانی تشکیل می‌دهند، ولی متأسفانه اغلب کسانی هستند که به دنبال پیروزی انقلاب شور افغانستان بر اثر تحریکات فئودال‌ها و تجار و سرمایه‌داران افغانی در دام ضدانقلابیون گرفتار آمده و تحت تأثیر وعده‌های گوناگون آنان به ایران گریخته‌اند.

در این میان نیز گروهک‌های آمریکایی به اصطلاح «مجاهدین افغانی» با برخورداری از امکان رفت و آمد آزاد به ایران با صدور کارت‌هایی، ورود آنان را برای جستجوی کار در ایران تسهیل می‌کنند. خوشبختانه در ماه‌های اخیر عده زیادی از این زحمتکشان به ماهیت ضدانقلابی این گروه‌ها پی برده، تصمیم به بازگشت به وطن انقلابی خویش گرفته‌اند. اما در کنار این توده‌های زحمتکش، ضد-انقلابیون افغانی قرار دارند که امنیت این مناطق را برهم زده با تهدید مستقیم افراد، باجگیری، شایعه - پراکنی، قلاچاق ارز، مواد مخدر، اسلحه و با دزدی غارت، راهزنی و قتل زندگی مردم زحمتکش نواحی مختلف میهنمان را تنگ کرده و در جهت سیاست‌های امپریالیسم برعلیه انقلاب افغانستان و جمهوری اسلامی ایران عمل می‌نمایند.

متأسفانه طی چند سال اخیر ما شاهد گسترش هرچه بیشتر این توطئه‌ها هستیم و علت این امر را بیش از هر چیز باید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جستجو کرد. سیاستی که تا امروز با عدم ترسیم خط فاصل قاطع و روشن بین دوستان و دشمنان انقلاب ایران ضربات جدی را بر پیکر انقلاب موجب گردیده که نمونه بارز آن را در برخورد با انقلاب افغانستان می‌توان دید. زیرا ارزیابی غلط دولت جمهوری اسلامی ایران از ماهیت حوادث افغانستان و دفاع همه جانبه از شورشیان افغانی که در پوشش اسلام به فعالیت علیه انقلاب مردمی

افغانستان مشغولند، عملاً منجر به آن شده است که راه توطئه‌های ضدانقلابی آنان علیه انقلاب ایران و افغانستان هموارتر گشته و بدین ترتیب فرصت‌های مناسبی برای اجرای مقاصد امپریالیسم در تضعیف نیروهای انقلاب در منطقه فراهم آید. به همین دلیل است که هر روز که می‌گذرد حضور ضدانقلابیون افغانی در مرزهای میهنمان و گسترش توطئه‌های ضدانقلابی آنان بیش از پیش به صورت خطری جدی علیه انقلاب نمایان‌تر می‌گردد و این چیزی است که تنها از نظر عناصر و محافل مغرض و قشری پنهان

است. بنا بر این برای حل این معضل اجتماعی دولت باید با قطع حمایت خود از شورشیان ضدانقلابی افغانی به فعالیت ضد مردمی آنان در مرزهای میهن انقلابیمان خاتمه دهد. همچنین دولت باید از طریق سیاستی اصولی

● اغلب رهبران به اصطلاح «مجاهدین افغانی» از لحاظ اخلاقی فاسد و دارای انحرافات فراوان هستند. از جمله این افراد که هر یک سوابق ممتد و طولانی در این زمینه دارند، می‌توان «ظاهر خان» از رهبران «جمعیت اسلامی افغانستان» و از سران طایفه علی‌زهی ایالت فراح که در منطقه بیرجند فعالیت دارد و نیز از «ارباب شیرو» و «کمال پسر» محدخان زوری که از فئودال‌ها و سرمایه‌داران فراری افغانستان بوده و در اطراف تربت‌جام فعالیت می‌کنند نام برد. بطور نمونه «کمال» همواره در صحبت‌هایش می‌گوید: «ما در افغانستان ۷ ده داشتیم و تمام زنان آنها متعلق به ما بود» «کمال» از مسئولین «جمعیت اسلامی» در تایید است.

توصیه‌های ما به دولت جمهوری اسلامی ایران: آنها جواب دادند: «شوروی یا ما کاری ندارد» همچنین آنها در جواب روستایی دیگری که می‌پرسید: «پس چرا مملکتتان را ول کردید و آمده‌اید اینجا کفاشی می‌کنید؟» گفتند:

«ما بر اثر فشار بیش از حد مجاهدین افغان مجبور به ترک دیارمان شدیم. مجاهدین به اذیت و آزار ما می‌پردازند آنها ده بیست نفری ما را یک دفعه به رگیار می‌بندند. آنها نمی‌گذارند ما سهمیه خودمان را بگیریم (در آنجا اغلب ارزاق عمومی سهمیه بندی شده است).»

روستایی دیگری پرسید: «مجاهدین با شما چه دشمنی دارند؟» جواب دادند: «وقتی که حکومت در دست تره‌کی بود، او زمین فئودال‌ها را بین ما تقسیم کرد. ما هم از این کار خوشحال بودیم ولی در دوران حفیض‌اله امین مجاهدین

توصیه‌های ما به دولت جمهوری اسلامی ایران: **مجاهدین افغانی و زحمتکشان افغانستان**

در منطقه ترکمن صحرا» و روستاهای اطراف آن همه جا انبوه مهاجرین افغانی به چشم می‌خورد. این جمعیت در حال حاضر به جای آنکه به فعالیت در میهن انقلابی خویش مشغول بوده و به سازندگی آن در راه رسیدن به جامعه‌ای نوین تلاش نمایند، در اثر فشارها و تجاوزات و جنایات بی‌شمار ضدانقلابیون افغانی ناچار وطن خویش را ترک کرده و به روستاهای این نواحی پناه آورده‌اند. گروهی از آنان با گستردن بساط کفاشی محقری به دوخت و دوز کفش‌های رنگ و رو رفته‌های مشغولند. گفتگوی زیر که بین عده‌ای از ساکنین روستای «سی‌جوال» ترکمن صحرا با تعدادی از

● در حالی که خروج ارز از مرزهای هوایی و زمینی نقاط مختلف کشور تا حد زیادی کنترل می‌شود «مهاجرین افغانی» به راحتی و با دردست داشتن کارت به اصطلاح «مجاهدین افغانی» با کمال آزادی و بدون ترس و واهمه از مأمورین انتظامی و دستگاه قضایی همه روزه مبالغ کلانی از مرزهای سیستان و بلوچستان نقل و انتقال داده و بازار سیاه ارز را به نحو خطرناکی فعال کرده و گسترش می‌دهند.

که فرصت مسلح شدن را پیدا کردند از تمام کسانی که در حکومت تره‌کی سهم برنده بودند زمین‌ها را پس گرفتند و از آن موقع تا حالا ما مورد آزار مجاهدین هستیم»

روستایی دیگری پرسید: «چرا همه شما کفاشی می‌کنید؟» جواب دادند: «ما که فئودال نیستیم. زمین‌هایی که تره‌کی به ما داده بود مجاهدین افغانی با زور از ما گرفته‌اند الان

مهاجرین زحمتکش افغانی انجام گرفته و توسط یکی از هواداران گزارش شده گویای حقایق بیشتری است: عده‌ای از روستائیان «سیجوال» می‌خواستند بدانند که در افغانستان چه می‌گذرد، چه چیزی باعث آوارگی آنها شده است به همین دلیل تعدادی از مهاجرین افغانی را دور گرفتند و به گفتگو پرداختند یکی پرسید: «شوروی با شما چه می‌کند؟»

مبتنی بر شناسایی و اتخاذ روش مسالمت‌جویانه در برابر انقلاب افغانستان شرایط بازگشت صدها هزار زحمتکش افغانی را که تحت فشار فئودال‌ها، سرمایه‌داران و سران قبایل به ایران کوچ کرده‌اند، به میهن خویش فراهم آورد.

* * * اخبار زیر به عنوان نمونه‌هایی از جنایات بی‌شمار ضدانقلابیون افغانی، تاکید دیگری است بر مطالب فوق و

ساده‌ترین کاری که با پول کم می‌توانیم انجام دهیم کفاشی است. البته ما همه کفاشی نمی‌کنیم، بعضی‌ها به کارگری مشغولند در کوره‌ها کار می‌کنند و...

مجاهدین افغانی و اشاعه فحشاء

وقایع زیر نیز به خوبی گوشه‌های دیگری از فعالیت جنایتکارانه «مجاهدین افغانی» را در اشاعه و گسترش فحشاء نشان می‌دهد * - حدود ۵۰ روز پیش دو زن افغانی در اطراف «تایباد» به وسیله کمیته حرکت اسلامی (یکی از گروهک‌های ضدانقلابی افغانستان) مستقر در تایباد دستگیر می‌شوند. این دوزن که چندین روز در کمیته زندانی بوده، بارها توسط افراد مختلف به آنها تجاوز شده است این جریان بطور اتفاقی توسط شهربانی کشف و بعد از مدتی زنها به افغانستان فرستاده می‌شوند * - چندی پیش یک مهاجر افغانی به نام طاهر که کارمند دولت افغانستان بوده به اتفاق مادر و همسرش به تایباد می‌آید. یکی از مسئولین «کمیته وعد» افغانستان (از گروهک‌های «مجاهدین افغانی») اطاقی در اختیار آنان می‌گذارد. وی که به همسر طاهر سوءنظر داشته برای دستیابی به هدف پلید خود طاهر را در بی ماموریتی به خارج شهر می‌فرستد. در خارج شهر افراد کمیته طاهر را مجبور می‌کنند که گودالی بکند سپس او را در داخل گودال افکنده و بطور فجیعی به قتل می‌رسانند.

اغلب رهبران به اصطلاح مجاهدین افغانی از لحاظ اخلاقی فاسد و دارای انحرافات فراوان هستند. از جمله این افراد که هر یک سوابق ممتد و طولانی در این زمینه دارند، می‌توان «ظاهر خان» از رهبران «جمعیت اسلامی افغانستان» و از سران طایفه علی‌زهی ایالت فراح که در منطقه بیرجند فعالیت دارد و نیز از «ارباب شیرو» و «کمال پسر» محدخان زوری که از فئودال‌ها و سرمایه‌داران فراری افغانستان بوده و در اطراف تربت‌جام فعالیت می‌کنند نام برد. بطور نمونه «کمال» همواره در

گوشه‌هایی از جنایات به اصطلاح...

امپریالیسم ژاپن...

امپریالیسم آمریکا در یک ردیف قرار می‌دهد. این تئوری ارتجاعی به هر شکل و هر نیتی که پرداخته شود در نهایت تنها آب به آسیاب امپریالیسم جهانی خواهد ریخت چنانکه سیاست‌های کنونی رهبران چین نمونه عریان آن را نشان می‌دهد. اگر مبارزه‌ای پیگیر در راه قطع وابستگی کامل و ریشه‌کن ساختن کلیه پیوندهای نو استعماری سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهان صورت نپذیرد، استقلال سیاسی به سرعت به باد خواهد رفت انعقاد قراردادهای آشکار و نهان با امپریالیسم ژاپن که شریک بزرگ امپریالیسم آمریکا در قاره آسیاست راه را برای اعمال سیاست‌های امپریالیستی ژاپن می‌گشاید. امپریالیسم ژاپن و همچنین امپریالیسم اروپای غربی، چه مقامات جمهوری اسلامی بخواهند و چه نخواهند، از محورهای اصلی اردوی امپریالیستی جهان به سرکردگی آمریکای جهانخوار به شمار می‌روند. نادیده گرفتن این واقعیت روشن‌تر از روز، کشور ما را نه در جهت قطع وابستگی، بلکه در جهت تحکیم وابستگی اقتصادی (ولاجرم سیاسی) به امپریالیسم جهانی به پیش می‌راند. به عنوان نمونه یکی از شیوه‌های اعمال فشار نو استعماری امپریالیسم ژاپن ماحراری شرکت پتروشیمی بندرامام خمینی را می‌توان به یاد آورد. شرکت پتروشیمی بندرامام با مشارکت انحصارات ژاپنی در دوران رژیم شاه تاسیس شده و بخش عظیمی از عملیات ساختمانی آن تا قبل از انقلاب به اتمام رسیده بود. اما پس از انقلاب علیرغم دعوت مقامات جمهوری اسلامی برای تکمیل پروژه، امپریالیسم ژاپن به تبعیت از آمریکا، از تجدید فعالیت‌های ساختمانی این شرکت خودداری کرد. همچنین پس از اعمال محاصره اقتصادی

کارگری هستم ۵۷ ساله که چهارماه بعد از شروع جنگ تحمیلی ایران و عراق به تهران منتقلمان کردند. در تاریخ هفتم خرداد ۶۰ برای آوردن اسباب و اثاثیه خود که مورد احتیاجمان بود راهی خوزستان شدم. با اتوبوسی از شیراز به طرف خوزستان حرکت کردیم ساعت ۷/۵ بود که به دشت "ارجن" رسیدیم و اتوبوس ناگهان توقف کرد و بعد از پشت تپه‌ها، افراد مسلحی که صورتشان با دستمال پوشیده بود پدیدار شدند و چند نفری که در پائین کمین کرده بودند، با گرزهای شش‌پر به اتوبوس حمله کردند. بعضی از مسافری که فکر می‌کردند مهاجمین عراقی هستند، فریاد می‌زدند شما که خانه و کاشانه‌مان را ویران کرده‌اید، دیگر چه می‌خواهید! درهمین حال یکی از راهزنان که زبان فارسی را خوب تکلم می‌کرد ضمن توهین به رهبرانقلاب با گرز شروع به شکستن شیشه‌های اتوبوس کرد و مابقی به لخت کردن مسافری پرداختند. در میان راهزنان تعدادی به زبان افغانی صحبت می‌کردند، یعنی همان افرادی که در خاک کشورمان خرابکاری می‌کنند، قاچاق وارد می‌کنند. راهزنی می‌کنند، اما باز هم مورد حمایت برخی از مسئولین هستند و از آنان به نام "مجاهدین افغانی" یاد می‌شود! همین افغانی‌های به اصطلاح مجاهد که به ضد انقلاب جهانی خدمت می‌کنند و برای آنها ایران و افغانستان فرقی نمی‌کند بعد از رفتن آنها، بلافاصله مامورین ژاندارمری رسیدند و مسافرین جریان را بازگو کردند یکی از سرنشینان بیش از ۱۰۰ اتوبوس را لخت کرده و حتی پلیس را هم خلع سلاح کرده‌اند...

کرده و گسترش می‌دهند. سیاست تزلزل و مماشات - گرایانه دولت در برابر ورود و خروج افغانی‌ها و قاچاق طلا و ارز توسط آنان موجب گردیده است که حتی آن بخش از نیروهای صدیق قوای انتظامی (اعم از ژاندارمری و سپاه) که به ضرورت کنترل مرزها و مبارزه شدید با قاچاقچیان افغانی معتقد هستند، دچار یاس و تردید شده و اظهار می‌دارند که هر گونه شدت عمل از طرف آنها بیفایده است زیرا نمونه‌های زیادی دیده شده است که آنها قاچاقچیان را دستگیر و تسلیم مقامات قضایی نموده‌اند ولی مقامات قضایی به بهانه اینکه دستگیرشدگان "مجاهد" هستند، آنها را آزاد کرده‌اند. همچنین ورود و خروج بدون جواز افغانی‌ها و قاچاقچیان بقدری آسان و بی دردسر است که وانت‌بارهای گوناگون همواره و بطور مرتب در رفت و آمد بین ایران و پاکستان دیده می‌شوند. این وانت‌بارها که هر بار با گرفتن مبلغ ناچیز از هر نفر بیست تا سی مسافر افغانی را از نقاط غیر مجاز وارد ایران می‌کنند تجارت پر سودی را به نام "حمل مسافری" بی‌جواز و قاچاقچیان افغانی" به راه انداخته‌اند.

صحبت‌هایش می‌گوید: "ما در افغانستان ۷ ده داشتیم و تمام زبان آنها متعلق به ما بود" "کمال از مسئولین جمعیت اسلامی در تایباداست.

مجاهدین افغانی

وقایع مواد مخدر

افغانستان از گذشته دور یکی از مراکز صدور مواد مخدر به ایران بوده است. اما چیزی که در حال حاضر ورود مواد مخدر را از افغانستان به ایران سهل‌تر کرده وجود به اصطلاح "مجاهدین افغانی" در ایران و مصونیت سیاسی آنها است. زیرا عمده قاچاق مواد مخدر و اسلحه به ایران از مرز افغانستان و تحت نظر کمیته‌های متعلق به گروه‌های ضدانقلابی افغانی مستقر در ایران وارد می‌شود. بطوری که قاچاقچیان دیگر هم باید به این کمیته‌ها باج بدهند. مسئله دیگر حمایت بعضی عناصر و محافظ در داخل قوای انتظامی از افغان‌های ضدانقلابی است. مثلاً در مرزهای "تربت‌جام" پاسگاه‌هایی وجود دارند که به علت نفوذ عناصر بالا به پاسگاه‌های ۵۰ تومنی مشهورند. یعنی هر افغانی با دادن ۵۰ تومن به آنها به راحتی از مرز می‌گذرد.

مجاهدین افغانی و خروج ارز

در حالی که خروج ارز، از مرزهای هوایی و زمینی نقاط مختلف کشور تا حد زیادی کنترل می‌شود "مهاجرین افغانی" به راحتی و با در دست داشتن کارت به اصطلاح "مجاهدین" با کمال آزادی و بدون ترس و واژه از مامورین انتظامی و دستگاه قضایی همه روزه مبالغ کلانی از مرزهای سیستان و بلوچستان نقل و انتقال داده و بازار سیاه ارز را به نحو خطرناکی فعال

راهزنی شیوه دیگر مبارزه مجاهدین افغانی

نامه زیر که توسط یکی از کارگران "صنعت نفت" برای ما فرستاده شده، حاوی نکات بسیار مهمی در مورد راهزنی‌های "مجاهدین افغانی" بوده که عیناً آن را درج کرده و از هرگونه توضیح در این زمینه خودداری می‌کنیم. زیرا نامه خود به اندازه کافی روشنگر این مسئله هست:

با درود به رفقای هیئت تحریریه کار!

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

بر اساس رای صادره برای امیرانتظام

دادگاه انقلاب، دولت موقت را به حبس ابد محکوم کرد

سرانجام پس از تشکیل جلسات متعدد و شور طولانی رای نهائی دادگاه امیرانتظام توسط دادستانی انقلاب اسلامی مرکز صادر گردید و مردم قهرمان ایران پس از مدت‌ها انتظار شنیدند که عباس امیر انتظام به جرم جاسوسی برای آمریکا به حبس ابد محکوم گردیده است. دادستانی انقلاب طی صدور دادنامه مشروحی دلایل صدور رای نهائی دادگاه را تشریح نموده و شواهد و مدارک لازم را برای اثبات جاسوسی امیرانتظام ارائه کرده است.

در دادنامه دادستان آمده است که امیرانتظام در زمان تصدی مشاغل از قبیل سخنگوی دولت موقت و سفیر جمهوری اسلامی در کشورهای اسکندریه و در دوره زمامداری دولت بازرگان "همچنان تماس‌های سری خود را با استمپل، کارشناس اطلاعاتی آمریکا در تهران و ژرژ گیو نماینده سیا و کاردار سفارت ادامه داده است. بطوری که پس از اشغال لانه جاسوسی و کشف اسناد سری موجود در آن " عملیات آقای امیرانتظام در رابطه با... ایجاد مودت با عوامل آمریکای جهان‌خوار و نفوذ در درون کابینه دولت موقت بمنظور پیاده کردن اهداف شیطان بزرگ مطرح می‌شود... و نتیجتاً به تهران احضار و دستگیر می‌گردد.

در دادنامه دادستان به طرزی گویا و مستدل، با استفاده از شهادت‌های خود متهم و همچنین نوشته‌های وی ثابت می‌کند که اسناد بدست آمده در لانه جاسوسی و مفاد این اسناد نه تنها " جعلی و دروغ " نیست بلکه با دفاعیات امیرانتظام و مدافعی لیبرال او خوانائی دارد. دادنامه معتقد است که " آقای امیرانتظام در لابلای نوشته‌ها و دفاعیات کتبی و شفاهی خود عمدتاً گزارشات بدست آمده از لانه جاسوسی را تائید می‌کند.

و بدین ترتیب روشن می‌شود که ماه‌ها تبلیغ بر علیه سندیت داشتن مدارک بدست آمده برای رهانیدن گریبان گرفتار آمده لیبرالیسم در مشت قدرتمند انقلاب بوده است.

دادنامه دادستان همچنین ترفند مزورانه لیبرال‌ها و بخصوص دارودسته بازرگان - یزدی را برای توجیه " دیپلماتیک " جاسوسی‌های امیرانتظام برملا می‌کند.

دادنامه دادستان با آگاهی بر این ترفند می‌نویسد: " در سند سری جاموتی رئیس ایستگاه جاسوسی سیا در تهران منعکس است که ژرژ گیو در ۳۰ مهر در سوئد با انتظام قرار ملاقات داشته... و انتظام حاضر نشده که این ملاقات در تهران صورت گیرد... امان نظر در مندرجات این قبیل اسناد اثبات می‌کند که مطالب مورد مذاکره خیلی فراتر از مسائل دیپلماتیک بوده است والا اگر این مذاکرات در جهات منافع ملت ایران بوده، مکان (تهران یا استکهلم) نمی‌توانست در آن نقشی داشته باشد.

متن دادنامه همچنین به روشنی انگشت بر فعالیت‌های ضد انقلابی و محیلانه انتظام در دشمنی یا دوستی انقلاب ایران و متحدانش نظر فلسطین و لیبی می‌گذارد:

" متهم... جدی‌ترین خطرات انقلاب ایران را خطر مردم محروم فلسطین و کشور مسلمان و دوست ما، لیبی قلمداد می‌کند.

دادنامه داستان و رای نهائی دادگاه بر کوشش‌ها و افشاگری‌های بی‌شائبه و صادقانه نیروهای انقلابی و در رأس همه سازمان ما در افشاء و برملا کردن توطئه‌های لیبرال‌ها و از جمله عباس امیرانتظام صحه می‌گذارد.

دادنامه دادستان انقلاب سند آشکاری است از خرابکاری‌های جریان‌های موربانه وار به جان انقلاب افتاده و می‌کوشیده است محتوی

انقلابی آنرا مسخ نماید، جریانی که در طول ماه‌های پس از انقلاب از هیچ تلاشی برای منحرف کردن اهداف گرانقدر شهیدان انقلاب و مردم زحمتکش ایران فروگذار نکرده و با عرضه چهره‌های دغلاکار و توطئه‌گری نظیر امیرانتظام وفاداری و دلبستگی خود را به نظام غارتگر امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا نشان داده است.

دادنامه دادستان پس از برشمردن موارد عدیده این توطئه‌ها و خیانت‌ها اعلام می‌کند که " نظر به جهات یاد شده مستنداً به مدارک و اسناد غیر قابل تردید، نظر به شواهد و امارات موجود و اینکه مدافعات متهم دارای تناقضات آشکاری است و سراسر معالظه و پر از توجیحات غیر معقول بوده و به منظور فرار از کیفر و مجازات است دادگاه انقلاب اسلامی مرکز آقای عباس امیرانتظام را در جرائم زیر: شرکت در توطئه انحلال مجلس خبرگان در مقابله با ولایت فقیه... تمهید در تفریق بین مسلمین و جدا کردن برادران انقلابی فلسطینی و لیبی از حمایت نهضت اسلامی ایران، فرار دادن سران رژیم فاسد گذشته از ماءموران سیاسی سفارت رژیم شاه در اسرائیل و مقامات عالی‌رتبه مجلس سنای طاغوت و سرمایه‌داران صهیونیست تحت تعقیب و انجام ملاقات‌ها و تماس‌های سری و دادن اطلاعات و آگاهی‌ها به دشمنان انقلاب و... مجرم می‌شناسد و... ویرا... به حبس دائم محکوم می‌نماید.

ما رای دادگاه را تائید می‌کنیم و کیفر مربوطه را در خور خیانت‌های ارتکاب شده ارزیابی می‌نماییم. ما قطعیتی را که در این رای به کار رفته ارج می‌نهیم و معتقدیم که جرائم برشمرده از سوی دادگاه نه تنها دلالت بر محکوم بودن امیرانتظام به جرم جاسوسی

چرا سخنگوی دولت بازرگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب در آمد

چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۵۸
سال اول - شماره ۳۹ - صفحه ۳ صمیمه

آقای امیرانتظام دیگر نمیتوانید مردم را فریب بدهید

تکذیب نامه آقای امیرانتظام
تائید نظریات ما است

چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۵۸
سال اول - شماره ۱۳ - صفحه ۲

آقای امیر انتظام در شرایطی که برای باز کردن فقط یک دکه روزنامه درونی در کنار خیابان بیست و نه هزار مومنان سرفشلی احتیاج است، چطور می‌تواند برای وارد کردن ماشین آلات سنگین راه سازی که هر کدام میلیون‌ها تومان ارزش دارند، تنها ۵۰ هزار تومان سرمایه‌گذاری کرده است؟

آقای امیر انتظام نکه همینجاست و شما پاسخ این ابهام را بهتر از هر کسی می‌دانید. چرا که اصولاً سرمایه داران و بخصوص سرمایه داران وابسته کشور ما برای قرار ازمالیات میزان سرمایه‌گذاری‌هایشان را همیشه دهها برابر کمتر از آنچه که هست به ثبت می‌رسانند.

آقای امیرانتظام، آیا شما شرکت آهو دشت را هم که طبق سند ضمیمه فقط ۳۰ میلیون تومان ظرفیت ارجاعی دارد، ۵۰ هزار تومان تاسیس کرده‌اید؟ آیا سهام رستوران "پارادیز" را هم با همین مبلغ خریده‌اید؟

محا کمه علنی امیرانتظام را به افشای همه جانبه سرمایه داران لیبرال مبدل کنیم!

چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۹

دادگاه انقلاب با مجازات انقلابی امیرانتظام و ارائه یک دادنامه انقلابی، کابینه لیبرال مهندس بازرگان را هم محکوم کرد.

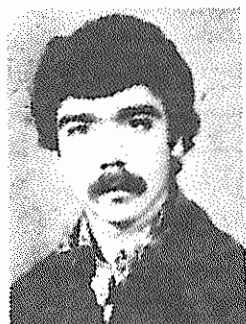
به نفع اصلی‌ترین دشمن مردم ما یعنی آمریکا دارد، بلکه نشان دهنده جرائم جنایت‌باری است که دولت موقت در طی ۹ ماه زمام‌داریش علیه انقلاب و مردم ایران مرتکب شده است. به همین دلیل هم

است که ما می‌گوئیم: دادگاه انقلاب با مجازات انقلابی امیرانتظام و ارائه یک دادنامه انقلابی و سمت دار، کابینه لیبرال بازرگان را هم به شدت محکوم کرده است.

دو هرگ برگ خون یاران رفته است



رفیق هابیل امیرخیز



رفیق حمید عابدزاده

فدائی شهید رفیق حمید عابدزاده روز ۲۳ بهمن ۵۷ در جریان درهم‌کوبیدن آخرین مقاومت‌های مزدوران رژیم منفور پهلوی توسط مردم در حین حمله به پاسگاه "با علم" در مسیر اندیمشک - تهران به شهادت رسید.

فدائی شهید رفیق هابیل امیرخیز روز ۲۲ بهمن ۵۷ در جریان تسخیر انقلابی کلانتری ۶ تبریز به همراهی مردم، سینه پرشورش آماج گلوله مزدوران امپریالیسم قرار گرفت و خون پاکش نثار استقلال و آزادی میهن انقلابی گردید.



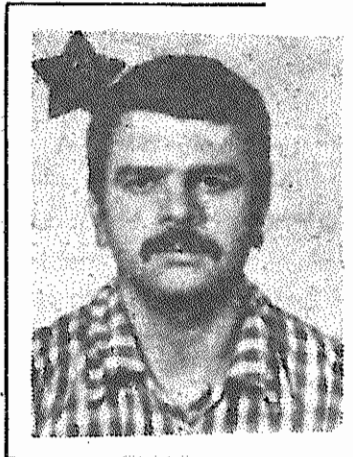
درسوگ «آنا» کیمیا آزادی

پدر چهار فرزندش فوت نمود رنج اومضاعف شد . در همان سالهای اول بعد از فوت شوهرش همراه با آشنائی فرزندانش با مسائل اجتماعی به مبارزه سیاسی کشیده شد و از آن تاریخ زندگی سراسر تلاش زیبایی تازه ای یافت . یکی از فرزندانش در سال ۱۳۴۸ به وسیله مزدوران ساواک دستگیر شد و به دنبال او دستگیری بیایی سایر فرزندان و سپس خودش آغاز گشت . آنا قبل از انقلاب بارها توسط دژخیمان ساواک دستگیر و شکنجه گردید . او در متشکل کردن خانواده زندانیان سیاسی در اعتراض به سفاکی های رژیم امریکائی شاه نقش بسیار موثری داشت در یک کلام : آنا سمبل تلاش و مقاومت و شرافت و انسان دوستی بود . به همین دلیل خبر مرگش همه را تکان داد و به شدت متاثر نمود . مردم نازی آباد که آنا سالها در میان آنان زیسته بود به محض شنیدن خبر ناباورانه به خانه اش شتافتند و در سوگش به گریه نشستند . ما ضمن گفتن تسلیت به فرزندان و بستگان رفیق آنا و مردم مبارز و زحمتکش نازی آباد خاطره همیشه زنده او را گرمی می داریم و دروهای رفیقانه نثار زندگی فداکارانه و افتخار آمیزش می کنیم .

هر هفته از میان میله های فولادین زندان در سیمای بچه ها خیره می شد و با نگاه های مهربانش نوازششان می کرد . صدای پرشورش در فضای اتاق ملاقات طنین می افکند :
مادر تصدقتان ! خسته نشوید ! مقاومت کنید !
مردم جان به لبشان رسیده است ! زیاد طول نمی کشد به این وضع سیاه خاتمه می دهند !
نظر "آنا" بر ایمن اهمیت زیادی داشت زیرا می دانستیم از کجا برخاسته است . سالها بود که برای تامین معاش فرزندانش تن به شاق ترین کارها می داد . در میدان شوش و نازی آباد میوه فروشی می کرد . هر روز یک ساعت قبل از طلوع آفتاب از خانه بیرون می زد و پاسی از شب گذشته در حالیکه از فرط خستگی روی پا بند نبود و از کمردرد و پا درد می نالید به خانه بر می گشت .
شبها می نشست و پوست دست و پایش را که کنده می شد با تیغ می برید و ترک های فراوان کف دستها و پاهایش را وازلین می مالید و آنچه در روز به چشم خود دیده بود که به مردم روا می دارند ، در گوش فرزندانش زمزمه می کرد .
آنا سراسر زندگی ۵۸ ساله خود را در رنج و کار گذراند اما هنگامی که در سال ۱۳۴۶

آدمی در بیکر خود فانی ولی
در عمل خود زنده است
(کلامی)

به صلابت کوه به پاکی چشمه ساران



رفیق فدائی علیرضا جرجانی توسط باندهای سیاه به شهادت رسید .
مسئولین مملکتی باید هر چه سریع تر در جهت تلاشی باندهای سیاه اقدام کنند .

تحمیلی از سوی ارتش متجاوز عراق متعاقب رهنمود سازمان همراه با تعدادی از دوستان و رفقای در " بسیج " ثبت نام کرد اما از طریق بسیج به جبهه اعزام نشد . علی و رفقای مستقل راهی جبهه شدند لیکن آنجا نیز آنان را پذیرفتند .
رفیق علی پس از بازگشت از جنوب ضمن انجام وظایف مبارزاتی اش در یک مرغداری مشغول به کار شد و در همین محل شبانه مورد هجوم ناجوانمردانه عناصر ضد انقلاب قرار گرفت و فدایی وار به شهادت رسید .
ما ضمن گرمی داشت خاطره رفیق شهیدمان به مسئولین مملکتی هشدار می دهیم تا هر چه سریع تر در صدد پیگیری و تلاشی این جریان های سازمان یافته و جنایتکار بکشند . ما با رفقای خود و زحمتکشان میهنمان پیمان می بندیم که استوارتر و پیگیرتر از گذشته رهروان راه رفقای شهیدمان خواهیم بود و حتی لحظه ای سنگرهای مبارزه علی - امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را رها نخواهیم ساخت .

جاودان باد خاطره فرزند راستین خلق . رفیق شهید علیرضا جرجانی

ایستاد .
رفیق علیرضا جرجانی * * *
در خانواده ای انقلابی در محله نظام آباد تهران چشم بر جهان گشود . دوران کودکی و نوجوانی را چون تمامی بچه های محل در خاک و خل " باغ کلاغ " ها گذراند . پیش از ورود به دانشگاه دانش مبارزه را از پدر و برادرانش آموخته بود و با ورود به دانشگاه (سال ۱۳۵۱ در رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی) فعالیت های سیاسی خود را گسترش داد .
" علی با اطلاعات وسیع و اعتقادش به جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم نقش بس سترگی در اشاعه این جهان بینی در میان جوانان محل داشت .
" علی " کوهنوردی ورزیده و از فعالین اتاق کوه دانشگاه و سازمان دهنده تیم های کوهنوردی در محله بود .
ترجمه ادبیات مارکسیستی از جمله کارها و فعالیت های انقلابی رفیق علی بود ترجمه " لنین " اثر ماکسیم گورکی و پسرک شجاع از " لازونتیف " از یادگارهای ماندنی اوست .
پس از انقلاب مدتی به کتاب فروشی در مقابل دانشگاه و نیز مکانیکی اتوموبیل پرداخت . با آغاز جنگ

شرق تهران ، یکی از بزرگترین کانون های جوش و خیزش انقلاب ، مبارزی راستین و پیگیر را از دست داد . باندهای سیاه ضد انقلاب " محله شهید پرور نظام آباد را درسوگ نشاند ، درسوگ جوانی که " صمد " وار زندگی می کرد و " صمد " وار می آموزاند ، در سوگ انسانی که سمبل آگاهی انقلابی ، شهادت انقلابی و اخلاق انقلابی بود .

در سوگ پیشتاز و سازمان دهنده حمله به مزدوران ارتش شاه در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ، در سوگ محبوبترین چهره بچه های زحمتکش محله که گرم کننده محفل محقرشان بود .
باندهای سیاه " ضد انقلاب " نیمه شب دوشنبه نوزدهم خرداد ۶۰ در خواب ، قلب پرشور و پر امید " علی " فرزند خلق را آماج دشمنه خویش ساخت و بدین ترتیب برگی دیگر به ننگین نامه مشحون از جنایت خود افزود اما " سرمایه داران کلان ، زمینداران بزرگ سلطنت - طلب ها و ساواکی های آزاد شده و فراری باید بدانند که قلب " علی " در سینه تمامی فرزندان راستین خلق که جز به استقلال ، آزادی صلح و سوسیالیسم نمی اندیشند در طپش است و هرگز از حرکت باز نخواهد

دستگیری و محاکمه رفیق مغدید مهرقام

به زبان انقلاب است

اعضای اطلاع با قسم و رده سفید مهرقام یکی از جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در برهانیه سوسه جیه ، باساران انقلابی است . او در مبارزات و زنجیر زندان محبوس شده .
ما متکبر و حاکم حیرانان سازمان را که از هیچ کوفتی بر جهت حساب ، سلامت و سخته گریمان و انما " با نه خد افغانی تا مطر فرنگار نمیکند ، به زبان انقلابی و جوش ملس را با روح بهام آرزوین ما ، امام عین و بهاد بیاض : " ما در ناسان کلا انقلابی و سراسر می دانیم .
ما با تأکید بر ایران دلسر و سوسه ما امام شمس و عباد بهمانه : " ما در ناسان کلا انقلابی و سراسر می دانیم .
ما در ناسان کلا انقلابی و سراسر می دانیم .
ما در ناسان کلا انقلابی و سراسر می دانیم .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ارومیه - ۱۲ مرداد ۶۰

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

آقای رفسنجانی!

نسبت تهمت و افتراء به فدائیان خلق به سود امپریالیسم امریکا است

● هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در ملاقات اخیر خود با اعضای هیئت‌های ۷ نفری و جهاد دانشگاهی سخنانی ایراد کرد.

آقای رفسنجانی برای دومین بار در ظرف یک ماهه اخیر به نحو تافه‌سف باری در صدد تحریف مواضع اصولی سازمان ما برآمد. وی در قسمتی از سخنان خود چنین گفت:

"هم اینها که بنام مجاهد یا فدائی یا پیکارزیر پرچم‌های بنی صدر سینه می‌زنند به جای اینکه بیایند مثل جوان‌های دیگر بشما خدمت کنند، جنجال و آشوب براف می‌اندازند و به جای اینکه بروند به جبهه و بجنگند، در خیابان‌های شمال شهر، آنجائی که ضدانقلاب از مال مردم برای خودشان امکانات درست کرده‌اند، میروند شعار می‌دهند و مانع کار دولت می‌شوند!"

جای تافه‌سف است که آقای رفسنجانی در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی این چنین غیر مسئولانه سخن گوید. روشی که رئیس مجلس نسبت به فدائیان خلق در پیش گرفته و متأسفانه منحصر به ایشان نیز نمیشود، مبتنی بر تهمت و افتراء، تحریف لجوجانه حقایق و مخدوش کردن مواضع اصولی و انقلابی سازمان ما است. اینگونه اعمال غیر مسئولانه، تا کنون ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب وارد آورده، وحدت مردم را تخریب نموده و موجب شادکامی امپریالیسم و طیف رنگارنگ دشمنان انقلاب شده است. ما یکبار دیگر هشدار می‌دهیم باید به چنین سیاست‌هایی پایان داد و جدا در صدد تحکیم صفوف خلق، پاسخگوئی به مسائل مردم انقلاب و تشدید مبارزه علیه دشمنان مردم برآمد.

ما با فرض بر اینکه - یک فرض محال - سخنان آقای رفسنجانی از سرببی اطلاعی ایشان نسبت به مواضع سازمان ما انجام گرفته و باز با این فرض غیر ممکن که ایشان فرق بین فدائیان خلق (اکثریت) را با گروه‌هایی که مدعی فدائی بودن هستند، نمی‌دانند، برای "اطلاع" ایشان توضیحاتی را ضروری می‌دانیم:

۱- آقای رفسنجانی گفته است که فدائیان خلق "زیر پرچم بنی صدر سینه می‌زنند و جنجال و آشوب براف می‌اندازند" این یک تحریف آشکار است. مواضع سازمان ما نسبت به رئیس جمهور کاملاً روشن است و ما سینه زدن زیر پرچم او را مخالف مصالح انقلاب می‌دانیم. بر این اساس در همان آغاز درگیری‌های اخیر با انتشار اطلاعیه‌ای از مردم خواستیم که چنین کاری را نکنند و از شرکت در هر گونه تظاهرات غیر قانونی خودداری ورزند. قطعاً اطلاعیه سازمان ما به دست آقای رفسنجانی رسیده است. اگر چنین نیست خوب است ایشان به عنوان رئیس مجلس ترتیبی بدهند که اطلاعیه‌های سازمان‌های سیاسی به دستشان برسد!

۲- آقای رفسنجانی گفته است که فدائیان "به جای اینکه بروند در جبهه بجنگند در خیابان‌های شمال شهر... شعار می‌دهند!" این نیز یک تحریف آشکار است. شاید آقای رفسنجانی تنها کسی است که "نداند" رفقای ما در جبهه‌ها می‌جنگند و با چه فداکاری و قهرمانی نیز می‌جنگند. نزدیک به ۶۰ تن از رفقای سازمان ما تاکنون در جبهه جنگ شهید شده‌اند و هزاران فدائی خلق "اکثریت" هم‌اکنون دوشادوش همه مدافعین انقلاب جان بر کف علیه متجاوزین عراقی پیکار

می‌کنند. جای تعجب است که آقای رفسنجانی که زمانی عضو شورایی عالی دفاع نیز بوده‌اند، از این حقایق اطلاع نداشته باشد!

۳- آقای رفسنجانی گفته است که فدائیان خلق "به جای اینکه بروند سیستان و بلوچستان" می‌روند در شمال شهر شعار می‌دهند! این نیز تحریف آشکار دیگری است هواداران سازمان ما در سیستان و بلوچستان و نه تنها در آنجا بلکه در سرتاسر میهن با همه نیروی خود به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی، مبارزه علیه سرمایه‌داران بزرگ، فئودالها و خوانین و... ادامه می‌دهند. هیئت‌های ۷ نفره که آقای رفسنجانی اتفاقاً برای آنها سخنرانی کرده‌اند، می‌دانند که چه کسانی آنان را بی‌دریغ در راه اجرای اصلاحات ارضی حمایت می‌کنند. فدائیان خلق "اکثریت" را در عمل شناخته‌اند.

۴- آقای رفسنجانی گفته‌اند که فدائیان "مانع کار دولت می‌شوند" این تحریف چهارم ایشان در طول چند دقیقه سخنرانی است. آقای رفسنجانی باید بدانند که بر زبان راندن چنین سخنانی است که تیشه بر ریشه دولت و جمهوری اسلامی می‌زند نه مبارزه انقلابی فدائیان خلق "اکثریت". سرتاسر فعالیت ۱/۵ ساله اخیر سازمان ما حکایت از دفاع از جمهوری اسلامی در برابر دشمنان انقلاب دارد. آیا جانفشانی فدائیان خلق "اکثریت" در جبهه‌های جنگ یا افشای بی‌وقفه توطئه‌های ضدانقلاب یا حمایت پیگیرانه از اقدامات ترقیخواهانه جمهوری اسلامی در یک کلام مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم امریکا "مانع کار دولت" است؟

گرامی باد خاطره

شهدای راه استقلال و آزادی

مبارزه مشترک و اتحاد عمل همه انقلابیون رمز پیروزی انقلاب است

● دهه سوم خرداد ماه مصادف است با سالگرد شهادت سه تن از انقلابیون ایران به دست رژیم مزدور و ضد خلقی شاه امریکائی. روحانی مبارز آیت‌الله سعیدی در ۲۱ خرداد ۱۳۴۹، فدائی خلق حسن نیک‌داوودی در ۲۳ خرداد همان سال و پرویز حکمت‌جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۲۵ خرداد ۱۳۵۴ در زیر شکنجه جلادان و مزدوران ساواک به شهادت رسیدند.

رفیق حسن نیک‌داوودی در دوران فعالیت دانشجویی با افراد گروه سیه‌اکل در ارتباط قرار گرفت و قبل از شروع عملیات مسلحانه این گروه در ۱۹ بهمن ۴۸ توسط مأموران ساواک دستگیر شد. رفیق حسن اطلاعات زیادی از برنامه‌ها و سیاست‌های گروه سیه‌اکل در اختیار داشت. اما قهرمانانه و تا پای جان لب فروست و سرانجام پس از ماه‌ها مقاومت در حالیکه راز خلق را در دل نگهداشته بود در ۲۳ خرداد ۴۹ در زیر شکنجه عمال رژیم امریکائی شاه به شهادت رسید. رفیق حسن نخستین شهید فدائیان خلق به حساب می‌آید.

رفیق پرویز حکمت‌جو در سال ۱۳۴۵ دستگیر و محاکمه شد. وی ابتدا به اعدام محکوم شد اما بر اثر مبارزات وسیعی که برای نجات جان وی به‌ویژه در خارج از کشور انجام گرفت، حکم اعدام او به حبس ابد تخفیف یافت. حکمت‌جو تا سال ۱۳۵۴ در زندان‌های رژیم به مبارزه ادامه داد و در ۲۵ خرداد ۵۴ رژیم شاه که نمی‌توانست بیش از این شاهد فعالیت انقلابی‌اش باشد او را ناجوانمردانه به شهادت رساند.

آیت‌الله سعیدی از جمله روحانیونی بود که پس از قیام مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ به مبارزه علیه رژیم خودکامه شاه جلب شد. وی در زمره مبارزین مذهبی پیرو امام خمینی بود که بر ضد نفوذ روزافزون امپریالیسم امریکا در ایران فعالیت می‌کرد. در سال ۴۹ آیت‌الله سعیدی جزوه افشاگرانه‌ای در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های امپریالیسم امریکا در میهنمان منتشر کرد. او را به اصطلاح به اتهام انتشار این جزوه دستگیر کرده و پس از چندی در زیر شکنجه به شهادت رساند.

شهادت آیت‌الله سعیدی، حسن نیک‌داوودی و پرویز حکمت‌جو که تا پای جان به آرمان‌های مردم میهن خود وفادار مانده و قهرمانانه پذیرای مرگ سرخ گشتند، گویاتر از هر سخنی حکایت از مبارزه مشترک انقلابیون ایران، صرف‌نظر از اختلافات عقیدتی و مسلکی، علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست‌نشانده آن دارد. مبارزه‌ای که در شرایط دشوار و خفقان بار سالهای حاکمیت امپریالیسم و دیکتاتوری با بروز قهرمانی‌های بسیار از جانب انقلابیون ادامه یافت. این مبارزه مشترک آن عامل اساسی بود که راه پیروزی انقلاب را از میان آتش و خون هموار و هموارتر گرداند و سرانجام با قیام افتخار آفرین توده‌های ستمکش میهنمان در ۲۲ بهمن ۵۷ به میوه نشست.

پس از انقلاب نیز این مبارزه مشترک علیرغم برخی تنگ‌نظری‌ها و انحصار-طلبی‌ها، در واقعیت عینی بقیه در صفحه ۲۵

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

بمباران پژوهشگاه اتمی عراق

تلاش رژیم صهیونیست اسرائیل برای کسب انحصار قدرت اتمی در خاورمیانه

روز هفدهم خردادماه ، هواپیماهای نظامی اسرائیل پژوهشگاه اتمی "تموز" در نزدیکی بغداد را بمباران کردند . در جریان این عملیات راهزانه بیش از دو بیست و پنجاه میلیون دلار تاسیسات پژوهشی اتمی عراق ، توسط بمب افکنهای اسرائیل نابود شد . محافل صهیونیستی اسرائیل در توجیه تجاوز خود ادعا کردند که گویا این پژوهشگاه دست به تولید بمبهای اتمی زده است که امنیت و موجودیت اسرائیل در معرض خطر آنها قرار داشته است . آنها مذبحخانه کوشیدند تا اقدام تجاوزگرانه خود را در پرده ظاهر فریب دفاع از خود " در برابر " خطر حملات اتمی " بیوشانند .

حال آنکه چون روز روشن است که حمله اسرائیل به نیروگاه اتمی عراق ، بر بستر و در ادامه عملیات تشنج آفرینی صورت میگیرد که اکنون دیرزمانی است منطقه خاورمیانه و نزدیک را به کانون آتش و خون تبدیل کرده است . این حمله نمی تواند جدا از پیمان صلح جداگانه کمپ دیوید ، اعزام ناوگان دریائی دول امپریالیستی به منطقه آتش افروزی در لبنان و ... تهاجم گسترده امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای سرکوب مبارزات رهایی بخش زحمتکشان ، در نظر گرفته شود . در این چارچوب رژیم صهیونیست اسرائیل

همواره کوشیده است تا انحصار دسترسی به امکانات اتمی را در منطقه برای خود محفوظ نگاه دارد . چرا که تنها در پرتو شانتاژ ناشی از این موقعیت است که اعمال سیاست تهدید و تجاوز امپریالیستی - صهیونیستی علیه نیروهای آزادیبخش و بویژه دول آزاد و مستقل جبهه پایداری امکان پذیر می گردد . اصلی ترین هدف حمله به پژوهشگاه اتمی "تموز" نیز صرف نظر از آنکه امپریالیست ها و صهیونیست ها با چه بهانه ای این عمل را انجام دهند ، حفظ چنین موقعیت انحصاری است .

جالب توجه است که امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه به اصرار تمام می کوشند خود را از آنچه که گذشته است کاملاً بی خبر جلوه دهند و حتی رأی " محکومیت " !! آن را نیز در بوق و کرنا می دمند . در واشنگتن یک مقام رسمی اظهار داشته است که آمریکا به هیچ وجه در جریان تصمیم اسرائیل برای بمباران راکتور اتمی عراق نبوده است .

" رونالد ریگان " بلافاصله پس از " اطلاع " !! از ماجرا با اعضای کابینه خود یک جلسه فوری تشکیل داد و به دنبال آن سخنگوی کاخ سفید اظهار داشت که " آمریکا بمباران نیروگاه اتمی عراق را به شدت محکوم می کند " ! امپریالیست های اروپایی نیز این عمل را محکوم کرده اند و در کنار همه

آنها مصر و عربستان سعودی و سایر دول ارتجاعی منطقه هم به اصطلاح زبان به اعتراض گشوده اند . این بیشک ترفندی است که در پی " تجاوز نظامی اسرائیل " به منظور بهره برداری از آن صورت می گیرد . امپریالیسم آمریکا ، محافل صهیونیستی و رژیم های مرتجع منطقه - البته هر کدام متناسب با موقعیتی که دارند - می کوشند از عملیات راهزانه اسرائیل بهره برداری کنند . و با حیل و نعل وارونه خط فاصل میان رژیم های انقلابی و ضد امپریالیست منطقه یعنی ایران ، فلسطین از یک سو و از سوی دیگر دوستان و متحدان امپریالیسم را مخدوش کنند تا در فضای غبارآلود حاصل از این امر ، بار مقاصد ضد انقلابی خود را هر چه محکم تر ببندند . از همین روست که بلافاصله پس از انتشار خبر تجاوز به عراق از یک سو بانی اصلی تجاوز ، یعنی امپریالیسم می کوشد خود را بی تقصیر جلوه دهد و از سوی دیگر دول دست نشانده آن در جهت بهره برداری سیاسی از این اقدام تجاوزگرانه با تبلیغات ردیالانه چنین وانمود می کنند که گویا برخی رژیم های انقلابی منطقه بویژه دولت ضد امپریالیست و ضد صهیونیست جمهوری اسلامی ایران ، که با اعمال تجاوز کارانه رژیم " صدام

به مقابله برخاسته اند متحد اسرائیل و همراهی او در اجرای نقشه های تجاوز کارانه اند !! این تاکتیک ردیالانه در سخنرانی " مضر بدران " نخست وزیر اردن در پارلمان آن کشور به وضوح قابل مشاهده است . او اعلام کرده است که " هواپیماهای جنگنده اسرائیل هماهنگ با ایران !! هدف های حساس را در عراق بمباران کرده اند " . این سخنان بی شرمانه در حالی ادا می شود که هواپیماهای اسرائیل با طی دهها کیلومتر بر فراز خاک اردن - که بی هیچ مزاحمت صورت گرفت - خود را به پژوهشگاه اتمی عراق می رسانند .

به این ترتیب روشن است که هدف صهیونیسم اسرائیل در حمله به تاسیسات اتمی عراق علاوه بر نابودی امکانات اتمی آن ، تشنج در منطقه ، ایجاد آشوب در اذهان نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست مخدوش کردن صف دوستان و دشمنان امپریالیسم و در نهایت ایراد ضربات اساسی به مبارزات رهایی بخش خلق های منطقه نیز است . این تازه ترین عملکرد ارتجاع منطقه اسرائیل ، مصر ، عربستان سعودی اردن ، شیخ نشین های خلیج ، و پاکستان است که زیر رهبری امپریالیسم آمریکا روز بروز بر سهولت خود می افزایند . در این میان رژیم صدام تلاش خواهد کرد که از ضربه

اسرائیل برای تحکیم موقعیت خود در جنگ بیشترین بهره برداری را بکند . او اینک فرصت یافته است که خود را دشمن آشتی ناپذیر صهیونیسم جابزند تا از یک سو مردم عراق و عرب را بفریبد و حمایت آنان را به رژیم خود جلب نماید و از سوی دیگر در پوشش تلاش های باصطلاح وحدت طلبانه علیه صهیونیست های اسرائیل نزدیکی ها و پیوند هایی را که بین رژیم او با رژیم های آمریکائی عربستان سعودی ، اردن و دیگر شیوخ عرب وجود دارد تحکیم نماید .

اما این ترفند رژیم جنایتکار صدام در پرتو آگاهی خلق های ایران و عرب منطقه به رموائی بیشتر او انجامیده است . زیرا اقدام جنایت کارانه رژیم صدام در افروختن آتش جنگ بین ایران و عراق که در خدمت تحکیم منافع امپریالیسم و صهیونیسم است و همچنین اقدامات تفرقه افکنانه رژیم صدام در میان نیروهای ترقیخواه فلسطین لبنان و دولت های تشکیل دهنده جبهه پایداری که به سود سیاست اشغال و تجاوز صهیونیسم می باشد از رژیم صدام چهره یک شریک جرم اسرائیل صهیونیسم را ساخته است .



بقیه از صفحه ۲۴

مبارزه مشترک و ...

این مبارزه مشترک امروز هم رمز پایداری و پیشرفت انقلاب در برابر انواع توطئه ها و ترفندهای امپریالیسم ، ضد انقلاب داخلی ، لیبرالها ، مائوئیست های امریکائی و طیف رنگارنگ نیروهای است که برای شکست انقلاب ایران

جامعه ادامه یافته است . امروز نیز صرف نظر از برخی اختلافات و علیرغم برخی تبلیغات مغرضانه ، عملاً مبارزات هم جهت و مشترک بر ضد امپریالیسم در پاسداری از انقلاب خونبار مردم میهنمان و در دفاع از جمهوری اسلامی ادامه دارد .

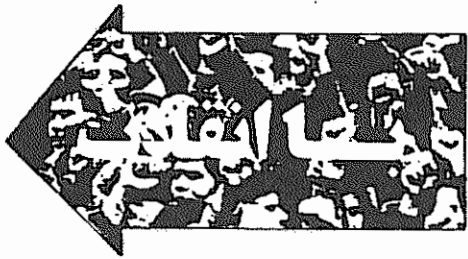
می کوشند . چگونگی سیر آتی انقلاب ایران بستگی به آن دارد که این مبارزه مشترک و اتحاد عمل نیروهای انقلابی تا چه اندازه گسترش یافته و نیروهای مدافع انقلاب به ویژه پیروان سوسیالیسم علمی و معتقدین به اسلام انقلابی صرف نظر از اعتقادات عقیدتی خود تا چه اندازه به هم نزدیک شوند . تجربه همه انقلابات نشان داده است که

وحدت نیروهای انقلابی عامل اصلی پیروزی انقلاب و شکست کامل و نهائی امپریالیسم جهانی و ضد انقلاب داخلی می باشد سازمان ما بنوبه خود همواره از چنین وحدتی دفاع کرده و در راه انجام آن مبارزه می نماید .

مردم ایران یاد رزمندگان شهید زندان های آریامهری آیت اله سعیدی حسن نیک داوودی ، پرویز حکمت جو و

همه شهدای استقلال و آزادی میهن را گرامی می دارند ، از قهرمانی های آنان در مبارزه علیه دشمنان انقلاب می آموزند و برای تحقق آرمان های آنان یعنی نابودی قطعی و نهائی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد - انقلاب داخلی تا پای جان مبارزه می کنند .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



بقیه از صفحه ۳

هم متحدان با سیاست مخرب خود و خودداری از حل مسأله آمیز مسئله کردستان و نادیده گرفتن حقوق ملی خلق کرد سهم انکارناپذیری در خانه خرابی و قتل عام مردم کردستان دارد، باند قاسملو و دار و دسته کومهله خون و گلوله را زیر درفش مبارزه برای کسب خودمختاری به خلق کرد عرضه می کنند.

ابراز خرسندی صدای امریکا از

تظاهرات "انقلابی" مجاهدین خلق!

نیروهای انقلابی بارها از مجاهدین در مورد "جبهه متحد ارتجاع" ادعائی آنها و نیز در مورد اینکه از نظر آنان در جبهه مقابل این "جبهه متحد ارتجاع" چه نیروهائی قرار دارند، پرسش کرده اند و مجاهدین هم همواره از روشن کردن ترکیب نیروهای "جبهه متحد انقلاب" طفره رفته اند. اما علیرغم سکوت مصلحتی رهبران مجاهدین در برابر این سؤال سیر رویدادها و گذشت زمان با مجاهدین سر سازگاری نشان نمی دهد زیرا توجه به سیر تحولات در بستر زمان ترکیب این جبهه و حامیان آن چهره خود را نشان می دهد.

اخیرا "رنجبر" ارگان سه جهانی های امریکائی در شماره ۱۸۱، ۹ خرداد خود در تحلیلی که از وقایع مازندران به عمل آورده است عملکرد مجاهدین را در این رابطه بخاطر تقابل خشونت آمیز آنان با "مستبدین"، "مشیت" ارزیابی کرده و اظهار نظر می کند که: "هم تصمیم آنان به مقابله و هم تصمیم آنان به عقب نشینی درست و به موقع انجام گرفت!" از نظر "رنجبر" تنها اشکالی را که می توان بر کار مجاهدین وارد دانست این است که چرا آنها از مقابله با "مستبدین مناسبات خود را با سایر نیروهای انقلابی (!؟) و استقلال طلب (!؟) بدرستی حل نمی کنند!" و ناگفته روشن است که از دید رنجبریهای امریکائی چه کسانی واقعا "انقلابی" و "استقلال طلب" و در مقابل، چه نیروها و جریاناتی ضد انقلابی و استقلال شکن هستند.

اما عمق فاجعه هنگامی کاملا قابل درک است که بدانیم محبت بی شائبه این گروهک امریکائی بطور طبیعی با حمایت بی دریغ رادیوی امپریالیستی "صدای امریکا" و دیگر سخنگویان محافل امپریالیستی و ضد انقلابی همراه است. "صدای امریکا" در تفسیر روز ۱۴ خرداد ۶۰ خود از اوضاع سیاسی ایران و این نتیجه گیری که روی کار آمدن "یک دولت میانه رو در ایران بجای افراطیون تندرو مذهبی" ضروری است، از حمایت "وسیع ترین و انقلابی ترین" (۱) سازمان سیاسی ایران یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران از رئیس جمهور که شخصیتی "ملی" و "چپگرا" (۱) است آشکارا ابراز شادمانی و خرسندی می کند.

راستی مجاهدین خلق در توضیح این ننگهائی که بر دامن آنها نشسته است، چه دارند بگویند؟

بورژوازی را بجای سوق یافتن به سوی اتحاد با بلوک سلطنت طلبان و لیبرالها در کنار نیروهای مدافع جمهوری اسلامی قرار دهد.

دوم اینکه این تحولات می تواند و باید آن گسته از عناصر و نیروهای ملی دمکرات و انقلابی را که بر اثر عملکردهای قشری و انحصارگراانه محافل حاکم به سوی اتحاد با بورژوازی سوق یافته بودند را به سوی قطع این پیوندها فراخواند. چه در مجلس و چه در سایر محافل سیاسی و اجتماعی اعلام مواضعها و تصیح جهت گیریها در جهت دفاع از قانون اساسی و نهادهای جمهوری اسلامی در آینده نزدیک نیز ادامه خواهد داشت. در این میان جهت گیری سازمان مجاهدین خلق ایران جای ویژه ای را به خود اختصاص خواهد داد. رهبری این سازمان تا امروز پیگیرانه تمام نیروهای خود را به اتحاد با بلوک نیروهای بورژوازی و حمایت از رهبری آن فراخوانده است. متأسفانه در یکساله اخیر این سازمان نه تنها هیچ کوششی در راه اتحاد نیروهای ضد سرمایه داری به عمل نیاورده است، بلکه درست برعکس با تمام قوا کوشیده است موقعیت نیروهای سرمایه در برابر جمهوری اسلامی ایران حفظ و تحکیم شود. این قطعی است که شکست های فاحش و آشکار مجاهدین خلق به ویژه این حقیقت که آنان به علت پیوند با جریان های مدافع سرمایه داری و به دلیل طرح شعارهای براندازی روز به روز بیش از پیش مشروعیت و امکان تحرک و بسط دامنه پیوندهای مردمی و توده های خود را از دست می دهند، نمی تواند در تحولات و سمت یابی های بعدی آنان بلا تاثیر باشد. مجاهدین ماهیتا نیروهائی هستند با تمایلات دمکراتیک و انقلابی. نیروی مجاهد باور بر این دارد که علیه امپریالیسم و بخاطر خلق پیکار می کند. در این لحظات خطیر و این فشار خردکننده پیکار آشکار طبقات که تمام نیروهای سیاسی را به گونه های دم افزون به سوی تعیین و تصریح مواضع سیاسی خویش و توضیح جبهه بندی خود فرامی خواند، سازمان مجاهدین لزوما مجبور خواهد شد یا یکبار دیگر و باز هم بیشتر به آغوش جبهه سرمایه در غلطدویا می بایست لزوما تمامی راهی را که تا امروز پیموده است زیر علامت سؤال قرار دهد. این آرزو و ایده آل همه نیروهای انقلابی و مردمی است که امیدوار باشند این سازمان موفق شود خود را از ادامه راهی که تا امروز پیموده است، بر حذر دارد. یک چیز مسلم است و آن اینکه تحولات اخیر و پی آمدهای آن مجاهدین خلق را مجبور خواهد کرد که در حال به تناقضات حاد میان آرمان خواهی و عمل اجتماعی خود که همچنان رو به حدت بیشتر است، پاسخ گویند. مصالح انقلاب و مصالح خلق همچنان از آنان می طلبد که راه خود را از راه جریان های وابسته به سرمایه داران ایران جدا سازند.

بقیه از صفحه ۱۰

جمهوری دمکراتیک...

خود را می ریزد. رهبران مرتجع چین نیز در این زمینه بیگانه ننشسته و از نوکران امپریالیسم عقب نمانده اند. آنها با ایجاد پایگاه های آموزش در عمان به این ضد انقلابیون تعلیمات نظامی می دهند و اسلحه در اختیار آنان می گذارند.

بار دیگر صف بندی انقلاب و ضد انقلاب در عرصه جهانی پیش روی ماست از یک سو آمریکا، انگلستان، چین و عربستان به توطئه های خود بر علیه یمن ادامه می دهند، و از سوی دیگر جمهوری دمکراتیک خلق یمن که مناسبات مستحکمی با کشورهای سوسیالیستی دارد، در پیشبرد اهداف ترقی خواهانه جنبش غیر متعهد می کوشد و نیز با عضویت در جبهه پایداری، در کنار سوریه، لیبی، الجزایر و سازمان آزادی بخش فلسطین، از مبارزه خلق فلسطین بر علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی می کند.

بقیه از صفحه ۲

روند استقرار قانون اساسی

و آینده مدافعان...

کشور حتی با یک کاسه کردن کامل نیروهای خود نیز در وضعیت تعادل قوای فعلی نه قادرند جنگ داخلی را به معنای دقیق کلمه آغاز کنند و نه قادرند موقعیت از دست رفته آقای رئیس جمهور را به وی بازگردانند. وقایع اخیر در مجموع موقعیت را به زیان مجموعه این نیروها تغییر داد. در مورد پرونده های بعدی هنوز نمی توان قضاوتی قطعی داشت.

اگر تحولات اخیر، در ماهها و به ویژه در روزهای آغازین تجاوز صدام صورت می گرفت، ممکن بود انتظار داشت که پی آمدهای آن ضربات بسیار جدی تر بر مواضع رزمندگان ما در جبهه ها وارد آورد لاکن اولاً به دلیل تضعیف آشکار مواضع صدام در جنگ تحمیلی علیه میهن ما ثانیاً به دلیل حرکت دقیق و قابل درک امام خمینی در برخورد با فرماندهی کنونی ارتش؛ احتمال این ضعیف است که تعادل قوا در جبهه ها به زیان ما برهم خورد. وقایع دو هفته اخیر نشان داد که گرچه پی آمدهای آن در ارتش دست کم روی تحرک و انسجام آن تاثیرات منفی داشته است لاکن وضع هرگز به گونه ای نبوده است که در جبهه ها بحران ایجاد شود. برخورد مسئولانه، مدبرانه و هشیارانه همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی می تواند و باید مواضع رزمندگان ما را در جبهه های جنگ تقویت کند و خواهد کرد، درست به همان گونه موفقیت نیروهای ضد جمهوری اسلامی در ایجاد تشنج و برهم زدن نظم شهرها و نا آرام جلوه دادن اوضاع کشور می توانست بزرگترین ضربات را بر جبهه جنگ علیه تجاوز صدام وارد آورد.

در پایان مقاله نیز ضروری است روی دو پی آمد قابل درک و قابل پیش بینی تحولات اخیر یکبار دیگر تاکید کنیم:

اول اینکه تحولات اخیر موجب شد پروسه شکل گیری بلوک تمام بورژوازی ایران که می رفت به گرد سنگر رئیس جمهوری متشکل شود دچار آشفتگی و وقفه گردد. هر چند روندهای آتی نشان خواهد داد که بورژوازی بنا به ماهیت خود از تلاش های برای تامین منافع خویش باز نخواهد ایستاد. این بلوک بیش از پیش تلاش خواهد کرد با استفاده از ضعفها و تناقضات موجود در جمهوری اسلامی، پراکندگی در صفوف نیروهای انقلاب را دامن زند تا راه را برای شکست انقلاب و تصاحب قدرت توسط خود هموار گرداند. این تحول می تواند و باید لایه های پائینی

برنامه پنج ساله دوم سهم این بخش در تولید ناخالص ملی، بیشتر از همه بخش های دیگر خواهد بود.

به این ترتیب جمهوری دمکراتیک خلق یمن در راهی که انتخاب کرده است، با گام های استوار به پیش می رود و بر مشکلات ناشی از سلطه طولانی استعمار و چپاول غارتگران داخلی یکی پس از دیگری پیروز می شود. کارگران، دهقانان و دیگر زحمت کشانی که شانه های شان از سنگینی یوغ بیگانه فارغ گشته و دست های شان دیگر پراز پینه و خالی از هر چیز دیگری نیست، با اطمینان به آینده ای بهتر در دفاع از انقلاب خود و برای پیشبرد آن تلاش می کنند. اما آنان که در جریان انقلاب دندان های خون آشام شان از گلوی زحمت کشان کشیده شده است، تا مدتی به تقلای محتضر خود برای انتقام - جویی ادامه می دهند. ارتجاع منطقه و بخصوص عربستان سعودی نیز با اهدای پول و اسلحه به فتوادل های فراری و مزدوران ضد انقلابی زهر

مردم، توطئه آمریکائی جبهه ملی را در هم شکستند

اتفاق می افتاد موجب سرخوردگی مردم و تضعیف نیروهای خط امام می گردد و بیش از همه به سود لیبرالها و ضدانقلاب تمام می شود. این حرکات که طبق معمول حجت الاسلام هادی غفاری یکی از محرکان و مشوقان آن بود همانگونه که بارها اعلام داشته ایم تنها به کاهش اعتبار نیروهای جمهوری اسلامی در سطح داخل و خارج و تفرقه و تشتت میان مردم منجر می گردد. روز ۲۵ خرداد نیز بسیاری از مردم مومن به انقلاب با تاسف از این حرکات صحبت می کردند. ما نسبت به این گونه اقدامات و حرکات که در شهرهای مختلف رخ می دهد و گاهی هم به برخوردهای خشونت آمیز میان توده های مردم می انجامد و بطور کلی آسیب جدی برای انقلاب از آن متصور است به مقامات جمهوری اسلامی هشدار می دهیم و خواستار برخورد جدی مقامات مسئول جمهوری اسلامی در قبال آن هستیم

عناصر ضدانقلاب در داخل و خارج کشور چشم به حوادث احتمالی روز دوشنبه دوخته بودند و بلندگوهای امپریالیستی به تبلیغات دروغین دامن می زدند، حفظ آرامش در این روز و رفتار مسئولانه مردمی که به صحنه آمده بودند در مجموع یک موفقیت و پیروزی بود. با اینهمه حرکات آتارشیستی و شعارهای زننده برخی از دستجاتی که به سوی میدان فردوسی روان بودند نمونه بارزی از رفتار غیر مسئولانه و انحصارطلبانه بعضی مسئولان و محافل جمهوری اسلامی را به نمایش می گذاشت. شعارهای موهن و زننده علیه نیروهای انقلابی، ناسزاگویی به برخی مقامات و شخصیتها که اینجا و آنجا

فردوسی که "جبهه ملی" برای آغاز راهپیمایی تعیین کرده بود روانه شدند شکست دیروز "جبهه ملی" در واقع شکست تازه ای برای امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه متحدان آن بود و بار دیگر ثابت شد که توده های مردم آگاهتر از آنند که به دنبال جریانات ورشکسته لیبرال راه افتند سازمان ما که از مدت ها پیش و به ویژه در روزهای اخیر مواضع خود را در مورد رویدادهای کشور صریحا اعلام کرده دعوت "جبهه ملی" و حمایت جریان های چپ رو از این دعوت را محکوم نموده و از مردم و هواداران خواسته بود این اقدامات ضدانقلابی را خنثی کنند. با توجه به اینکه

هواداران "جبهه ملی" و جریان های چپ رو نه تنها هیچ حادثه ای نیافرید بلکه فضا را برای تظاهرات و راهپیمایی نیروهایی که در مخالفت با مراسم "جبهه ملی" آمده بودند، کاملا مساعد نمود. با اینکه در میان تظاهر کنندگان عناصر معدودی به قصد ایجاد آشوب و اخلال آمده بودند و در مواردی نیز قصد حمله به نظاره گران و رهگذران را داشتند اما حضور مردم در صحنه و هوشیاری آنها از اجرای نقشه های شان جلوگیری کرد. در واقع حضور وسیع توده های مردم در صحنه پس از نطق امام خمینی بود که وسعت یافت. مردم پس از نطق امام دسته دسته از اطراف تهران به سوی میدان

بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۵ خرداد هزاران نفر از مردم تهران در میدان فردوسی، خیابان انقلاب و خیابان های اطراف اجتماع کردند و جای خالی عناصر وابسته به "جبهه ملی" و جریان های متحد آن را که قرار بود در این محل گرد آیند پر کردند! مردم گروه گروه با شعارها و نوشته هایی که در تابلو رهبری انقلاب مجلس و ارگان های انقلابی و مخالفت با رئیس جمهوری و لیبرالها بود، بتدریج وارد میدان می شدند. حدود ساعت چهار بعد از ظهر (که بر طبق برنامه قبلی "جبهه ملی" قصد داشت برنامه خود را آغاز کند) میدان فردوسی مملو از مهمانان ناخوانده ای شد که به صحنه می آمدند تا از بروز توطئه ها جلوگیری کنند. تا چند ساعت قبل از این، نگرانی هایی وجود داشت اما رفتار سنجیده پاسداران و نیروهای انتظامی و حرکت نسبتا آرام و متشکل مردم و همچنین خالی شدن صحنه از

مردم توطئه آمریکائی جبهه ملی را خنثی می کنند.

مردم مبارز تهران!

تجار بزرگ، سرمایه داران لیبرال و عناصر ضد انقلاب و سلطنت طلب به سردمداری جبهه ملی، مذبحخانه تلاش دارند با گسترش ناآرامی و ایجاد انتشار و ناامنی مقاومت مردم علیه امپریالیسم و جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام را تضعیف کنند تا زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت وابسته به امپریالیسم فراهم سازند. مردم قهرمان ایران این بار نیز توطئه امریکائی جبهه ملی را خنثی خواهند کرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ت - ۳ - ۵

از کوشش های امام خمینی برای حفظ آرامش و اجرای قانون اساسی حمایت کنیم!

بقیه از صفحه ۱۸

آقای بنی صدر گوینده ...

فرماندهان گفتند: " شما وقتی قدرت دارید که ملت دنبال شما باشد، همانطوری که ملت بدون ارتش نمی تواند ادامه زندگی بدهد ارتش هم بدون ملت نمی تواند ادامه زندگی بدهد." در پایان سخنان امام خمینی گفت: " ممکن است که صدام و دوستان صدام تبلیغ کنند در آنجا که این فرماندهی که کنار رفته است حالا دیگر ضعف پیدا کرده است حرفش با اینکه من می دانستم که امثال آقای بنی صدر خوب گوینده خوبی هستند اما در پیشرفت مطالب شما هستید که پیش میروید، سرباز است که کار را انجام می دهد. شما اگر چنانچه بعد از این واقعه یکی دوتا پیروزی پیدا بکنید این مطلب هم شکسته می شود."

آیت اله خمینی در ادامه سخنان خود گفتند: " آنها می خواستند که یک مجلسی باشد، صورت مجلسی مثل بعضی از سابق که بود و افرادی باشند از همین افرادی که درست شده است و میشود و سینه برای غرب می زنند و دیدند نشد این، ازین جهت دنبال این افتادند که ماهمه بساط را به هم بزنیم باز دو، سه سال بنشینیم، دوباره رفراندوم کنیم، رفراندوم برای اصل جمهوری رفراندوم برای، حالا اگر اصل جمهوری هم نگویند رفراندوم برای قانون اساسی، رفراندوم برای رئیس جمهور، رفراندوم برای مجلس، رفراندوم کنی برای اینها این معنایش چیه؟ معنایش این است که ثبات این مملکت را از دست می گیرند..." امام خمینی خطاب به

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران



در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم سلیم باید بپوشیم
گرامی باد خاطره رفقای شهید خردادماه

- ✱ حسن حسینی قندیانی ✱ مسعود زاده توتوری ✱ عبدالعزیز احمدی
- ✱ امیر پرویز یسویان ✱ علیرضا رحیمی علی آبادی ✱ امیر اقبال اسلامی
- ✱ علیرضا شهاب رضوی ✱ حسن موسی دوست دهمزجالی ✱ اسماعیل حبیبی
- ✱ حبیب وادان خسرو شاهی ✱ علیرضا حسن خاتمی ✱ هادی ۴۴ خانی
- ✱ خسرو توپال ✱ فرشته گل تبریزیان ✱ توفیق رحیمی پور
- ✱ حسن ملاخی ✱ کمال کافر ✱ غلامرضا پور

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سگرفای سرج مقاومت، در عرصه‌های از پیگار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب شایسته می‌کنند. خون پاک رفقا، دشتها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و شایسته می‌دهد. لاله‌زاران سرجی را که ایران مستقل، آباد و دگرگون کرد. فدای پیروزی رنجگستان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سگرفای بیکار با تجاوزگران

- ✱ اکبر بدلی ✱ غلام عباس بخرد ✱ کاظم عدلی
- ✱ اکبر فخور ✱ عباس‌الله رسی ✱ علیرضا کاظمی
- ✱ امیر افغانی ✱ محمدرضا آذربان ✱ علی حامد زاده
- ✱ علی معارف ✱ سیدعلی مستحمان زاده ✱ ابوحسین بنا
- ✱ جواد کنجی ✱ حبیب‌الله فرج‌بخش ✱ لطیف علیراده
- ✱ البرز یوسفی ✱ ابراهیم نیک‌سرجی ✱ پرویز کریمیان
- ✱ مریم رشتی ✱ عبدالحمید شاه میر ✱ اسحاق بابازاده
- ✱ رحیم سفلی ✱ محمود اشرف آبادی ✱ مرتضی دارابی
- ✱ سعید کوشش ✱ فریدون مرتضی زاده ✱ زهره موسویون
- ✱ بهرام ورامینی ✱ محمد فایز فلاح بیگی ✱ وحید نیک‌سیر
- ✱ محمود ابحو ✱ محمد مهدی نیک‌اندام ✱ شهریار باقرزاده
- ✱ خسرو کریمی ✱ محمد اسدالله نژاد رودینه ✱ کورس پاک‌بین
- ✱ حسین شریفی ✱ محمد حسین صدر آبادی ✱ حمید ولادوست
- ✱ عبدالله مرادی ✱ رحیم‌الله (اس) انصاری پور ✱ غلامرضا صفر نژاد
- ✱ محمد سبازدار ✱ نوری نساگان ✱ محمد رضا جعفری
- ✱ نسی اسکویی ✱ سعید (عباس) آقا پور ✱ منصور دهمانی
- ✱ حسن صالحی ✱ علیرضا خلیلی ✱ یداله اسماعیلی
- ✱ عباس دبه‌دار ✱ افراساب (زوبین) سلسانی ✱ حسن دبه‌دار
- ✱ اکرم غفاری ✱ سیدرضا طالب موسوی ✱ محمد رضا و صاف
- ✱ محمد رضا اکبری اسی

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

عناصر ناباب از ارگانهای انقلابی باید تصفیه شوند

در پی تلاش‌های مذبوحانه سرمایه‌داران بزرگ، فئودالها خوانین و دیگر ضدانقلابیون در جهت حفظ منافع ضد مردمی خویش، عده‌ای از طرفداران و عوامل مزدور آنها در ارگان‌های انقلابی از جمله هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین نفوذ کرده و از این طریق به اختلال و کارشکنی در راه واگذاری زمین به دهقانان محروم پرداخته‌اند. ما باز هم تاکید می‌کنیم که عناصر ضدانقلابی و ناباب باید از ارگان‌های انقلابی چون سپاه، بسیج، هیئت‌های هفت نفره و... تصفیه شده و با تقویت عناصر مترقی درون این ارگان‌ها، آنها را آنچنان که باید علیه دشمنان ریز و درشت انقلاب به کار گرفت.

در صفحه ۷

گوشه‌هایی از جنابان به اصطلاح (مجاهدین افغانی) در ایران و افغانستان

آقای رفسنجانی!

نسبت تهمت و افتراء به فدائیان خلق به سود امپریالیسم امریکا است

آقای هاشمی رفسنجانی اخیرا در یکی از سخنرانی‌های خود، اتهامات و افتراءات واهی را به سازمان ما نسبت داده‌است که بسیار دور از واقعیت و اصولا با سیاست انقلابی سازمان ما تناقض دارد. ما یکبار دیگر هشدار می‌دهیم باید به چنین سیاست‌هایی پایان داد و جدا در صدد تحکیم صفوف خلق، پاسخگویی به مسائل مبرم انقلاب و تشدید مبارزه علیه دشمنان واقعی مردم برآمد.

در صفحه ۲۴



کمک رسانی به هم میهنان زلزله زده گلباف کرمان یک وظیفه میهنی است

بار دیگر زلزله در نوار زلزله‌خیز کویر، خانه‌های خشتی گلباف کرمان را درهم ریخت و هزاران زحمتکش این نواحی را به هلاکت رساند. این حادثه جانگداز آنچه برای معدود بازماندگان زلزله‌زده باقی گذارد؛ تلی از خاک و ویرانه‌های بیش نیست. زلزله گلباف نشان داد که مردم ستمدیده روستاها و نواحی فقرزده میهن ما همچنان متحمل ستمی هستند که نتیجه سلطه پاداران و سایر یاری دهندگان را که در این لحظات دشوار به عنوان یک وظیفه میهنی به کمک مصیبت دیدگان زلزله شتافتند، ارج می‌نهیم.

ناگفته نماند که هواداران سازمان ما در کرمان بطور فعال به یاری زلزله‌زدگان شتافته و طی انتشار اعلامیه‌های تمامی امکانات موجود را جهت کمک رسانی و همکاری با نهادهای انقلابی بسیج کردند.

غارتگرانه امپریالیسم وستم خانمان برانداز رژیم پیشین است و نشان داد که انقلاب ما چه وظایف سترگی را جهت دگرگونی و بهبود زندگی میلیون‌ها روستایی که در سرپناه‌های ناامن سکونت گزیده‌اند، در پیش دارد. ما ضمن ابراز تأسف نسبت به این واقعه جانخراش، به کلیه بازماندگان زلزله گلباف و مردم قهرمان ایران صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و کوشش‌های بی‌دریغ اعضای جهاد،

بار دیگر زلزله در نوار زلزله‌خیز کویر، خانه‌های خشتی گلباف کرمان را درهم ریخت و هزاران زحمتکش این نواحی را به هلاکت رساند. این حادثه جانگداز آنچه برای معدود بازماندگان زلزله‌زده باقی گذارد؛ تلی از خاک و ویرانه‌های بیش نیست. زلزله گلباف نشان داد که مردم ستمدیده روستاها و نواحی فقرزده میهن ما همچنان متحمل ستمی هستند که نتیجه سلطه

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر